


cm
INCH







بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

يس ۝ والقرآن الحكيم ۝ إنك لمن المرسلين

سوگند بیس و بحق قرآن با حکمت ۝ براستی که تو هر آینه از فرستادگانی

على صراط مستقيم ۝ تنزيل العزيز الرحيم

بر راه راست ۝ فرو فرستادن غالب مهربان

لتنذر قوما ما أنذر آباؤهم فهم غافلون

تا بیم نمایی گروهی را که بیم نموده نشد پدران ایشان پس ایشان بیخبرانند

لقد حق القول على أكثرهم فهم لا

هر آینه بتحقیق که واجب شد گفتار بر بیشتر ایشان پس ایشان



إنا جعلنا في أعناقهم أغلالا فهي إلى الأذقان فهم

براستی که ما گردانیدیم در گردنهای ایشان غلها پس آن غلها رسیده تا زنخدانها پس ایشان

مقمحون ۝ وجعلنا من بين أيديهم سدا ومن

سر افراشته مانند ۝ و گردانیدیم پیش از ایشان حایلی و از

خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون

پس ایشان حایلی پس پوشانیدیم ایشان را پس ایشان نمی بینند

وسواء عليهم أأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون

و یکسانست بر ایشان خواه بیم نمایی ایشان را یا بیم ننمایی ایشان را ایمان نمی آورند

إنما تنذر من اتبع الذكر وخشي الرحمن بالغيب

جز این نیست که بیم نمایی هر که پیروی کند قرآن را و بترسد از بخشاینده بنهانی

فبشره بمغفرة وأجر كريم ۝ إنا نحن نحيي الموتى و

پس مژده ده او را با آمرزش و مزد نیکو ۝ براستی که ما زنده می کنیم مردگان را و

نكتب ما قدموا وآثارهم وكل شيء أحصيناه

می نویسیم آنچه را پیش فرستاده و اثرهای ایشان و هر چیزی را شمردیم او را

في إمام مبين ۝ واضرب لهم مثلا أصحاب القرية

در کتابی آشکار ۝ و بزن مر ایشان را داستان یاران ده

إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ۞ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ
چون آمدند آنرا فرستادگان چون فرستادیم بایشان دو تن
فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ
پس تکذیب کردند هر دو را پس قوی کردیم بسیم شخصی پس گفتند که ما بسوی شما
مُرْسَلُونَ ۞ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ
فرستادگانیم گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نفرستاده
الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۞ قَالُوا
بخشاینده از چیزی نیستید شما مگر تکذیب کنندگان گفتند
رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ۞ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا
پروردگار ما میداند که ما بسوی شما هر آینه فرستادگانیم و نیست بر ما مگر
الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۞ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا
رسانیدن آشکار گفتند بدرستی که ما فال بد گرفتیم بشما هر آینه اگر باز نیستید
لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ قَالُوا
هر آینه سنگسار کنیم شما را و هر آینه برسانیم بشما از ما عذابی دردناک گفتند
طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ
فال بد شما با شماست آیا اگر پند داده شوید بلکه شما گروهی اید در گذرنده گان

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ
و آمد از نهایت مدینه مردی که میشتافت گفت ای قوم
اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۞ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا
پیروی کنید فرستادگان را پیروی کنید آنکه نمیخواهد از شما مزدی
وَهُمْ مُهْتَدُونَ ۞ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي
و ایشان راه یافتگانند و چیست مرا که نپرستم آنکه آفرید مرا
وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۞ ءَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً
و بسوی او باز گردانیده شوید آیا فرا گیرم از غیر او خدایانی
إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا
اگر خواهد بخشاینده گزندی باز ندارد از من درخواست ایشان چیزی
وَلَا يُنْقِذُونِ ۞ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
و خلاص کنند مرا بدرستی که من آنگاه هر آینه در گمراهی ام هویدا
إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ۞ قِيلَ ادْخُلِ
بدرستی که من ایمان آوردم به پروردگار شما پس گوش دارید مرا گفته شد در آئید
الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۞ بِمَا غَفَرَ لِي
بهشت را گفت ای کاش من گروه من بدانستندی بچه سبب آمرزید مرا

ربي وجعلني من المكرمين ۞ وما انزلنا على
پروردگار من و کرد مرا از گرامی داشتگان و فرو نفرستادیم بر
قومه من بعده من جند من السماء وما كنا منزلين
قوم او پس از او از لشکری از آسمان و نبودیم فرو فرستندگان
ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم خامدون
نبود مگر نعره یگانه پس ناگاه ایشان بودند مردگان
يا حسرة على العباد ما ياتيهم من رسول الا كانوا به
ای اندوه من بر بندگان نیامد ایشان را از رسولی مگر بودند با او
يستهزءون ۞ الم يروا كم اهلكنا قبلهم من القرون
استهزا می کردند آیا ندیدند بسا هلاک کردیم پیش از ایشان از زمانها
انهم اليهم لا يرجعون ۞ وان كل لما جميع لدينا
که ایشان بسوی خود باز نمیگردند و نیستند هر یک مگر همه نزد ما
محضرون ۞ واية لهم الارض الميتة احييناها
حاضر شدگانند و نشانیست مر ایشان را زمین مرده زنده کردیم آنرا
واخرجنا منها حبا فمنه ياكلون ۞ وجعلنا
و بیرون آوردیم از او دانه پس از او میخورند و گردانیدیم

فيها جنات من نخيل واعناب وفجرنا فيها من
در آن بوستانها از درختان خرما و انگور و روانه کردیم در آن از
العيون ۞ لياكلوا من ثمره وما عملته ايديهم
چشمها تا بخورند از میوه او و آنچه کرده اند دستهای ایشان
افلا يشكرون ۞ سبحان الذي خلق الازواج
پس آیا شکر نمیگذارند پاکست آنکه آفرید صنفها
كلها مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما
همه او از آنچه میرویاند زمین و از تنهای ایشان و از آنچه
لا يعلمون ۞ واية لهم الليل نسلخ منه النهار
نمیدانند و نشانیست مر ایشان را شب باز داریم از او روز را
فاذا هم مظلمون ۞ والشمس تجري لمستقر لها
پس ناگاه ایشان در تاریکی اند و آفتاب میرود مر قرارگاه خود
ذلك تقدير العزيز العليم ۞ والقمر قدرناه
این اندازه کردن غالب دانا و ماه را اندازه کردیم او را
منازل حتى عاد كالعرجون القديم ۞ لا الشمس
منزلها تا بگردد مانند خرمای کهنه نه آفتاب را

ينبغي لها ان تدرك القمر ولا اليل سابق النهار

سزد مر او را که دریابد ماه را و نه شب پیشی گیرنده روز است

وكل في فلك يسبحون ۝ واية لهم انا حملنا

و هر یک در آسمانی میروند و نشانه است مر ایشان را که برداشتیم

ذريتهم في الفلك المشحون ۝ وخلقنا لهم

فرزندان ایشان را در کشتی پر کرده شده و بیافریدیم مر ایشان را

من مثله ما يركبون ۝ وان نشا نغرقهم فلا

از مثل وی آنچه سوار شوند و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را پس نیست

صريخ لهم ولا هم ينقذون ۝ الا رحمة منا و

فریاد رسی مر ایشان را و نه ایشان خلاص شوند مگر رحمتی از ما و

متاعا الى حين ۝ واذا قيل لهم اتقوا ما بين

برخورداری تا هنگامی و چون گفته شود مر ایشان را بپرهیزید از آنچه پیش

ايديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون ۝ وما

دستهاست و آنچه پس از شماست تا شاید شما رحم کرده شوید و

تاتيهم من اية من ايات ربهم الا كانوا عنها معرضين

نیارد ایشان را هیچ آیتی از آیتهای پروردگار خود مگر بودند از او اعراض کنندگان

واذا

واذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين

و چون گفته شود مر ایشان را انفاق کنید از آنچه روزی کرد شما را خدا گفتند آنان که

كفروا للذين امنوا انطعم من لو يشاء الله

کافر شدند مر آنان که گرویدند آیا بخورانیم کسی را که اگر خواهد خدا بخوراند او را

اطعمه ان انتم الا في ضلال مبين ۝ ويقولون متى

نیستید شما مگر در گمراهی آشکارا و میگویند کی خواهد بود

هذا الوعد ان كنتم صادقين ۝ ما ينظرون

این وعده اگر هستید راستگویان چشم ندارند

الا صيحة واحدة تاخذهم وهم يخصمون ۝ فلا

مگر بانگی یگانه که بگیرد ایشان را و ایشان خصومت کنند پس

يستطيعون توصية ولا الى اهلهم يرجعون

نتوانند وصیت کرد و نه بسوی اهل خود بازگردند

ونفخ في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم

دمیده شود در صور پس آنگاه ایشان از قبرها بسوی پروردگار خود

ينسلون ۝ قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا

روند گفتند ای وای بر ما که برانگیخت ما را از خوابگاه ما

ذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون ۝

...ست آنچه وعده کرده بخشاینده و راست گفتند فرستادگان

إن كانت إلا صيحة واحدة فإذا هم جميع لدينا

نبود مگر نعره یکبار پس آنگاه ایشان همه نزد ما

محضرون ۝ فاليوم لا تظلم نفس شيئا ولا تجزون

حاضر شدگانند پس امروز ستم کرده نشود تنی چیزی و سزا داده نشوید

إلا ما كنتم تعملون ۝ إن أصحاب الجنة اليوم

مگر آنچه بودید که میکردید بدرستی که یاران بهشت امروز

في شغل فاكهون ۝ هم وأزواجهم في ظلال

در شغل عظیم اند ایشان و زنان ایشان در سایها

على الأرائك متكئون ۝ لهم فيها فاكهة

بر تختها تکیه زنند مر ایشان راست در آن میوه

ولهم ما يدعون ۝ سلام قولا من رب رحيم

و مر ایشان راست آنچه آرزو کنند سلامی است گفتار از پروردگار مهربان

وامتازوا اليوم أيها المجرمون ۝ ألم أعهد إليكم

و جدا شوید امروز ای گناهکاران آیا عهد نکردم بسوی شما

يا بني آدم أن لا تعبدوا الشيطان إنه لكم عدو

ای فرزندان آدم که مپرستید دیو را که او مر شما را دشمنی است

مبين ۝ وأن اعبدوني هذا صراط مستقيم ۝

آشکارا و اینکه پرستید مرا اینست راه راست

ولقد أضل منكم جبلا كثيرا أفلم تكونوا تعقلون

و هر آینه بتحقیق گمراه کرد از شما گروه بسیار پس آیا نبودید که دریابید

هذه جهنم التي كنتم توعدون ۝ اصلوها

اینست دوزخی که بودید وعده داده شدید درآیید آنرا

اليوم بما كنتم تكفرون ۝ اليوم نختم على

امروز بآنچه بودید که کفر میورزیدید امروز مهر نهیم بر

أفواههم وتكلمنا أيديهم وتشهد أرجلهم

دهنهای ایشان و سخن گوید با ما دستهای ایشان و گواهی دهد پاهای ایشان

بما كانوا يكسبون ۝ ولو نشاء لطمسنا على

بآنچه بودند که میکردند و اگر خواهیم هر آینه محو کنیم بر

أعينهم فاستبقوا الصراط فأنى يبصرون

دیدهای ایشان پس پیشی گیرند راه را پس از کجا می بینند

ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم فما استطاعوا
واگر خواهیم هر آینه مسخ کنیم ایشان را بر جاهای خود پس نتوانند
مضيا ولا يرجعون ۝ ومن نعمره ننكسه في
رفتن و نه باز گردند و هر کرا عمر دراز دهیم اورا باز گونه کنیم اورا در
الخلق أفلا يعقلون ۝ وما علمناه الشعر وما
آفرینش پس آیا در نمی یابند و نیاموختیم اورا کلام موزون و
ينبغي له إن هو إلا ذكر وقرآن مبين ۝ لينذر
نسزد مر اورا نیست او مگر پندی و قرآنی آشکار تا بترساند
من كان حيا ويحق القول على الكافرين ۝
هر که باشد زنده و ثابت شد گفتار بر کافران
أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعاما
و آیا ندیدند که ما بیافریدیم ایشان را از آنچه کرده دستهای ما چهار پایان
فهم لها مالكون ۝ وذللناها لهم فمنها ركوبهم
پس ایشان مر آن را مالکند و رام کردیم اورا مر ایشان پس از اوست سواری ایشان
ومنها يأكلون ۝ ولهم فيها منافع ومشارب أفلا
و از او میخورند و مر ایشان راست در او منفعتها و آشامیدنیها پس آیا

يشكرون ۝ واتخذوا من دون الله آلهة لعلهم
شکر نمیکنند و فرا گرفتند بجز خدا خدایان تا شاید ایشان
ينصرون ۝ لا يستطيعون نصرهم وهم لهم
یاری داده شوند نتوانند یاری دادن ایشان را و ایشان برای خود
جند محضرون ۝ فلا يحزنك قولهم إنا نعلم
لشکری اند حاضر کرده شده پس اندوهگین نسازد ترا گفتار ایشان که ما میدانیم
ما يسرون وما يعلنون ۝ أولم ير الإنسان
آنچه نهان میکنند و آنچه آشکار میکنند و آیا ندید مردمان
أنا خلقناه من نطفة فإذا هو خصيم مبين ۝
که ما بیافریدیم اورا از منی پس ناگاه او جدل کننده است آشکار
وضرب لنا مثلا ونسي خلقه قال من يحيي
و زد برای ما داستانی و فراموش کرد آفرینش خود را گفت که زنده میکند
العظام وهي رميم ۝ قل يحييها الذي أنشأها
استخوانها را و او ریزیده شده بگو زنده میکند اورا آنکه بیافرید اورا
أول مرة وهو بكل خلق عليم ۝ الذي جعل
اول بار و او به هر آفرینش داناست آنکه گردانید

لكم من الشجر الأخضر نارا فإذا أنتم منه توقدون

مر شما را از درخت سبز آتشی پس آنگاه شما از وی همی فروزید

أوليس الذي خلق السموات والأرض بقادر

آیا و نیست آنکه بیافرید آسمانها و زمین را توانا

على أن يخلق مثلهم بلى وهو الخلاق العليم

بر آنکه بیافریند مانند ایشان را آری و اوست آفریننده دانا

إنما أمره إذا أراد شيئا أن يقول له كن فيكون

جز این نیست که فرمان او هرگاه خواهد چیزی را که گوید مر او را بباش پس باشد

فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء وإليه

پس پاکست آنکه بدست اوست پادشاهی هر چیزی و بسوی او

سورة النبأ | ترجعون | اربعون آية

باز گردانیده شوند

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

عم يتساءلون عن النبإ العظيم الذي هم

از چه میپرسند از یکدیگر از خبر بزرگ که ایشان

فيه مختلفون كلا سيعلمون ثم كلا سيعلمون

در آن اختلاف میکنند نه چنانست زود باشد که بدانند پس نه چنانست زود بدانند

ألم نجعل الأرض مهادا والجبال أوتادا

آیا نگردانیدیم زمین را بستری گسترده و کوهها را میخها

وخلقناكم أزواجا وجعلنا نومكم سباتا

و بیافریدیم شما را صنف صنف و گردانیدیم خواب شما را آسایش

وجعلنا الليل لباسا وجعلنا النهار معاشا

و گردانیدیم شب را پوشش و گردانیدیم روز را سبب معاش

وبنينا فوقكم سبعا شدادا وجعلنا سراجا

و بنا کردیم بر زبر شما هفت آسمان محکم و گردانیدیم چراغی

وهاجا وأنزلنا من المعصرات ماء ثجاجا

تابان و فرستادیم از ابرهای بارنده آبی ریزنده

لنخرج به حبا ونباتا وجنات ألفافا إن يوم

تا بیرون آوریم بآن دانه و گیاه و بوستانهای بهم پیچیده که روز

الفصل كان ميقاتا يوم ينفخ في الصور فتأتون

حکم هست وعده گاهی روزی که دمیده شود در صور پس بیایید

أفواجا ۝ وفتحت السماء فكانت أبوابا ۝ وسيرت

فوج فوج — وگشوده شود آسمان پس باشد درها — وروان شود

الجبال فكانت سرابا ۝ إن جهنم كانت مرصادا

کوهها — پس باشد نمودار آبی — بدرستی که دوزخ هست کمینگاهی

للطاغين مآبا ۝ لابثين فيها أحقابا ۝ لا يذوقون

مر درگذرندگان بازگشتی — درنگ کنندگان در آن روزگارهای دراز نچشند

فيها بردا ولا شرابا ۝ إلا حميما وغساقا ۝ جزاء وفاقا

در آن سرمای و نه آشامیدنی — مگر آب جوشان و ریم دوزخیان — سزای موافق

إنهم كانوا لا يرجون حسابا ۝ وكذبوا بآياتنا كذابا

بدرستی که ایشان بودند که امید نداشتند شمار کردن را — و تکذیب کردند آیتهای ما

وكل شيء أحصيناه كتابا ۝ فذوقوا فلن نزيدكم

و هر چیزرا نوشته ایم در نامه اعمال — پس بچشید پس نیفزاید شمارا

إلا عذابا ۝ إن للمتقين مفازا ۝ حدائق وأعنابا

مگر عذابی — بدرستی که مر پرهیزکارانراست فیروزی بوستانها و درختان تاک

وكواعب أترابا ۝ وكأسا دهاقا ۝ لا يسمعون

و دختران نارپستان — و جامی از شراب پر پیاپی — نمی شنوند

فيها لغوا ولا كذابا ۝ جزاء من ربك عطاء حسابا

در آن بیهوده و نه دروغی — سزای از پروردگار تو تفضل تمام

رب السماوات والأرض وما بينهما الرحمن لا

پروردگار آسمانها و زمین — و آنچه میان آنهاست بخشاینده

يملكون منه خطابا ۝ يوم يقوم الروح والملائكة

مالک نه اند ازو سخن — روزی که بپا ایستد روح و فرشتگان

صفا لا يتكلمون إلا من أذن له الرحمن وقال

صف زده — سخن نگویند — مگر آنکه دستوری دهد او را بخشاینده و گوید

صوابا ۝ ذلك اليوم الحق فمن شاء اتخذ إلى ربه

سخن نیک — اینست روز حق — پس هر که خواهد فرا گیرد به پروردگار خود

مآبا ۝ إنا أنذرناكم عذابا قريبا ۝ يوم ينظر

بازگشتی — بدرستی که ما بیم نمودیم شمارا عذابی نزدیک — روزی که ببیند

المرء ما قدمت يداه ويقول الكافر يا ليتني

مرد — آنچه پیش فرستاده دستهای او — و گوید کافر — ای کاش من

سورة — كنت ترابا — الفتح

بودمی خاک

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

انا فتحنا لك فتحا مبينا ۝ ليغفر لك الله ما تقدم

بدرستی که ما گشادیم برای تو فیروزی هویدا تا بیامرزد ترا خدا آنچه پیش فرستاده

من ذنبك وما تأخر ويتم نعمته عليك ويهديك

از گناه تو و آنچه باز پس شد و تمام کند نعمت خود را بر تو و راه نماید ترا

صراطا مستقيما ۝ وينصرك الله نصرا عزيزا ۝

براه راست و یاری کند ترا خدا یاری دادن غالب

هو الذي أنزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا

اوست که فرستاد آرام را در دلهای گروندگان تا بیفزایند

ايمانا مع ايمانهم ولله جنود السموات والارض

ایمانی با ایمان خود و مر خدا راست لشکر آسمانها و زمین

وكان الله عليما حكيما ۝ ليدخل المؤمنين

و هست خدا دانای درست کردار تا در آورد مردان گرونده

والمؤمنات جنات تجري من تحتها الانهار

و زنان گرونده را در بوستانها که میرود از زیر آنها جویها

خالدین

خالدين فيها ويكفر عنهم سيئاتهم وكان ذلك

جاوید در آن و باز دارد از ایشان بدیهای ایشان را و هست این

عند الله فوزا عظيما ۝ ويعذب المنافقين و

نزد خدا فیروزی بزرگ و عذاب کند مردان دورو و

المنافقات والمشركين والمشركات الظانين

زنان دورو و مردان مشرک و زنان مشرکه گمان برندگان

بالله ظن السوء عليهم دائرة السوء وغضب الله

بخدا گمان بدی بر ایشانست حادثه بد و خشم کرده خدا

عليهم ولعنهم واعد لهم جهنم وساءت مصيرا

بر ایشان و لعنت کرده ایشان را و آماده کرده مر ایشان را جهنم و بد بازگشتی است

ولله جنود السموات والارض وكان الله

و مر خدا راست لشکر آسمانها و زمین و هست خدا

عزيزا حكيما ۝ انا ارسلناك شاهدا ومبشرا

غالب درست کردار بدرستی که ما فرستادیم ترا گواه و مژده [illegible]

ونذيرا ۝ لتؤمنوا بالله ورسوله وتعزروه وتوقروه

و بیم کننده تا بگروید بخدا و رسول او و تقویت کنید او را و تعظیم کنید او را

وتسبحوه بكرة وأصيلا ۝ إن الذين يبايعونك
و تسبیح گوئید او را بامداد و شبانگاه هر آینه آنانکه بیعت کردند ترا
إنما يبايعون الله يد الله فوق أيديهم فمن نكث
جز این نیست که بیعت کردند خدا را دست خداست زبر دستهای ایشان پس هر که عهد شکست
فإنما ينكث على نفسه ومن أوفى بما عاهد عليه
پس جز این نیست که عهد شکست بر خود و هر که وفا کند بانچه عهد کرده بر او
الله فسيؤتيه أجرا عظيما ۝ سيقول لك
خدا پس زود دهیم او را مزدی بزرگ زود گویند مر ترا
المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا و
باز ماندگان از عربان بادیه که باز داشت از ما مال ها و
أهلونا فاستغفر لنا يقولون بألسنتهم ما ليس
کسان ما پس آمرزش خواه برای ما میگویند بزبانهای خود آنچه نیست
في قلوبهم قل فمن يملك لكم من الله شيئا
در دلهای ایشان بگو پس کیست که مالک شود مر شما را از نزد خدا چیزی
إن أراد بكم ضرا أو أراد بكم نفعا بل كان الله
اگر خواهد بشما زیانی یا خواهد بشما سودی بلکه هست خدا

بما تعملون خبيرا ۝ بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول
بانچه میکنید آگاه بلکه می پنداشتید که هرگز باز نگردد رسول
والمؤمنون إلى أهليهم أبدا وزين ذلك في قلوبكم
و گروندگان بسوی کسان خود هرگز و آراسته شد این در دلهای شما
وظننتم ظن السوء وكنتم قوما بورا ۝ ومن لم
و گمان کردید گمان بدی و بودید گروهی هلاک شده و هر که
يؤمن بالله ورسوله فإنا أعتدنا للكافرين سعيرا
نگرود بخدا و رسول او پس بدرستی که ما آماده کردیم کافران را آتش افروخته
ولله ملك السماوات والأرض يغفر لمن يشاء
و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد هر را خواهد
ويعذب من يشاء وكان الله غفورا رحيما
و عذاب کند هر را خواهد و هست خدا آمرزگار مهربان
سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم
زود باشد که بگویند بجا ماندگان چون روان شدید بسوی غنیمتها
لتأخذوها ذرونا نتبعكم يريدون أن يبدلوا
تا فرا گیرید آنرا واگذارید ما را تا پیروی کنیم شما را میخواهند که بگردانند

كلام الله قل لن تتبعونا كذلكم قال الله من قبل

کلام خدا را بگو هرگز پیروی نکنید ما را همچنین گفت خدا پیش از این

فسيقولون بل تحسدوننا بل كانوا لا يفقهون

پس زود گویند بلکه حسد میبرید ما را بلکه بودند که نمی فهمیدند

إلا قليلا ۝ قل للمخلفين من الأعراب ستدعون

مگر اندکی بگو مر بجا ماندگان از عربان بادیه زود خوانده شوید

إلى قوم أولي بأس شديد تقاتلونهم أو يسلمون

بسوی گروهی خداوند سختی کارزار کنید با ایشان یا مسلمان شوند

فإن تطيعوا يؤتكم الله أجرا حسنا وإن تتولوا

پس اگر فرمان برید دهد شما را خدا مزدی نیکو و اگر روگردانید

كما توليتم من قبل يعذبكم عذابا أليما ۝

چنانکه روگردانیدید پیش از این عذاب کند شما را عذابی دردناک

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا

نیست بر نابینا حرجی و نه بر لنگ حرجی و نه

على المريض حرج ومن يطع الله ورسوله يدخله

بر بیمار حرجی و هرکه فرمان برد خدا و رسولش را درآرد او را

جنات تجري من تحتها الأنهار ومن يتول يعذبه

در بهشتها که میرود از زیر آنها جویها و هرکه روگرداند عذاب کند او را

عذابا أليما ۝ لقد رضي الله عن المؤمنين إذ

عذابی دردناک هر آینه بتحقیق خشنود شد خدا از گروندگان چون میکر

يبايعونك تحت الشجرة فعلم ما في قلوبهم فأنزل

بیعت کردند ترا در زیر درخت پس دانست آنچه در دلهای ایشان بود پس فرستاد

السكينة عليهم وأثابهم فتحا قريبا ۝

آرام را بر ایشان و پاداش داد ایشان را فتحی نزدیک

ومغانم كثيرة يأخذونها وكان الله عزيزا حكيما ۝

و غنیمتهای بسیار که فرا گیرند آن را و هست خدا غالب درست کردار

وعدكم الله مغانم كثيرة تأخذونها فعجل لكم هذه

وعده کرده شما را خدا غنیمتهای بسیار که فرا گیرید پس تعجیل کرد شما را این

وكف أيدي الناس عنكم ولتكون آية للمؤمنين

و بازداشت دستهای مردمان را از شما و تا باشد نشانه مر گروندگان

ويهديكم صراطا مستقيما ۝ وأخرى لم تقدروا

و راه نماید شما را راه راست و دیگران توانائی ندارید

عليها قد احاط الله بها وكان الله على كل شيء قديرا

براو همچنین که فرا گرفته خدا او را و هست خدا بر هر چیزی توانا

ولو قاتلكم الذين كفروا لولوا الادبار ثم

و اگر کارزار کنند با شما آنانکه کافر شدند هر آینه بگردانند پشتها را پس

لا يجدون وليا ولا نصيرا ۞ سنة الله التي

نیابند دوستی و نه مددکاری بسنت خدا که

قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا

همچنین که گذشته پیش از این و هرگز نیابی مر سنت خدا را تغیری

وهو الذي كف ايديهم عنكم وايديكم عنهم

و او وقت که بازداشت دستهای ایشان را از شما و دستهای شما را از ایشان

ببطن مكة من بعد ان اظفركم عليهم وكان

در وادی مکه بعد از آنکه فیروزی داد شما را بر ایشان و هست

الله بما تعملون بصيرا ۞ هم الذين كفروا وصدوكم

خدا بآنچه میکنید بینا ایشانند آنانکه کافر شدند و بازداشتند شما را

عن المسجد الحرام والهدي معكوفا ان يبلغ محله

از مسجد الحرام و قربانی بازداشته که برسد بجای خود

ولولا رجال مؤمنون ونساء مؤمنات لم تعلموهم

و اگر نبود مردان گرونده و زنان گرونده نشناخته شما ایشان را

ان تطؤوهم فتصيبكم منهم معرة بغير علم

که پایمال سازید ایشان را پس رسد شما را از ایشان عاری بی دانش تا در آورد

ليدخل الله في رحمته من يشاء لو تزيلوا لعذبنا

خدا در رحمت خود هر که خواهد که جدا شده بودند هر آینه عذاب کردیم

الذين كفروا منهم عذابا اليما ۞ اذ جعل

آنانکه کافر شدند از ایشان عذابی دردناک هنگامی که گردانید

الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

آنانکه کافر شدند در دلهاشان تعصب تعصب جاهلیت

فانزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين

پس فرستاد خدا آرام خود را بر رسول خود و بر گروندگان

والزمهم كلمة التقوى وكانوا احق بها

و لازم گردانید ایشان را کلمه پرهیزکاری و بودند سزاوارتر بآن

واهلها وكان الله بكل شيء عليما ۞ لقد

و اهل او و هست خدا بهر چیزی دانا هر آینه همچنین که

صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد
راست گفته خدا رسول را خواب بحق هر آینه در آیید مسجد
الحرام ان شاء الله امنين محلقين رؤسكم
الحرام را اگر خواهد خدا ایمنان تراشندگان سرهای خود
ومقصرين لا تخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل
و کوتاه کنندگان بی ترسندگان پس دانست آنچه را ندانسته بودید پس گردانید
من دون ذلك فتحا قريبا ۞ هو الذي ارسل
از غیر این فتحی نزدیک اوست که فرستاد
رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين
رسول خود را بهدایت و دین حق تا غالب گرداند او را بر دین
كله وكفى بالله شهيدا ۞ محمد رسول الله
همه او و بس است بخدا گواه محمد فرستاده خداست
والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم
و آنانکه با اویند سختانند بر کافران رحیمانند میانه خود
تريهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله و
می بینی ایشان را رکوع کنندگان سجده کنندگان میجویند فضلی از نزد خدا و

رضوانا

رضوانا سيماهم في وجوههم من اثر السجود ذلك
خشنودی علامت ایشان در روهای ایشان از اثر سجود این
مثلهم في التورية ومثلهم في الانجيل كزرع
داستان ایشان است در توریت و داستان ایشان در انجیل چون زرعی که
اخرج شطأه فازره فاستغلظ فاستوى على
برآورد سبزه نورسته را پس قوی کرد آن را پس سطبر شد پس ایستاد بر
سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار وعد الله
ساقهای خود که بشگفت آورد دهقانان را تا بخشم آورد بایشان کافران را وعده کرده خدا
الذين امنوا وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا
آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته از ایشان آمرزش و مزد
عظيما
بزرگ

سورة الواقعة

ست وتسعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
اذا وقعت الواقعة ۞ ليس لوقعتها كاذبة
هرگاه که بیاید قیامت نیست مر آمدن او دروغی

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ۝ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ۝ وَبُسَّتِ
پست کننده برافرازنده هرگاه بلرزد زمین لرزیدنی و ریزه شوند
الْجِبَالُ بَسًّا ۝ فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنْبَثًّا ۝ وَكُنْتُمْ
کوهها ریزه شدنی پس باشد غباری پراکنده و بودید
أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ۝ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝ مَا أَصْحَابُ
اصناف سه گانه پس یاران دست راست چه نیکبختند یاران
الْمَيْمَنَةِ ۝ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ
دست راست و یاران دست چپ چه بدند یاران دست چپ
وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ
و پیشی گیرندگان پیشی گیرندگان ایشان کرده از نزدیکانند
فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ۝ وَقَلِيلٌ
در بهشتهای با نعمت گروهی از پیشینیان و اندکی
مِّنَ الْآخِرِينَ ۝ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ۝ مُّتَّكِئِينَ عَلَيْهَا
از پسینیان بر تختهای مرصع از جواهر تکیه زدگانند بر آن
مُتَقَابِلِينَ ۝ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ
روبروی یکدیگر بگردند بر ایشان کودکانی جاویدماندگان

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ ۝ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ۝ لَّا
با کوزه‌ها و ابریقها و جامی از شراب شیرین که
يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ ۝ وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا
درد سر نبینند از او و نه مشعور شوند و میوه‌ها از آنچه
يَتَخَيَّرُونَ ۝ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ۝ وَحُورٌ عِينٌ
برگزینند و گوشت مرغ از آنچه آرزو کنند و حوریان گشاده چشم
كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ۝ جَزَاءً بِمَا كَانُوا
مانند مروارید پوشیده جزای آنچه بودند که
يَعْمَلُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ۝
میکردند نشنوند در او بیهوده و نه دروغی
إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ۝ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ ۝
مگر گویند سلام بر شما سلام بر شما و یاران دست راست
مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ۝ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ۝ وَطَلْحٍ
چه نیکبخت یاران دست راست در سایه درخت کناری بی خار و زیر درخت موز
مَّنضُودٍ ۝ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ ۝ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ۝
یکدانه و زیر سایه گسترده شده و آب روان

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ۝ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ۝

و میوه بسیار نه منقطع و نه بازداشته شده و

وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ ۝ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ۝ فَجَعَلْنَاهُنَّ

و بسترهای برداشته شده بدرستی که ما پدید آوردیم ایشان را پدید آوردنی پس گردانیدیم ایشان را

أَبْكَارًا ۝ عُرُبًا أَتْرَابًا ۝ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝

دوشیزه همراه او یکدیگر مر یاران دست راست

ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۝ وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۝ وَ

گروهی از پیشینان و گروهی از پسینان و

أَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ۝ فِي

یاران دست چپ چه نیکند یاران دست چپ در

سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ۝ وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ ۝ لَا بَارِدٍ وَلَا

آب جوشان و ریم دوزخیان و سایه از باد گرم نه خنک و نه

كَرِيمٍ ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ۝ وَ

آب جوشان بدرستی که ایشان بودند پیش از این متنعمان و

كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ ۝ وَكَانُوا يَقُولُونَ

بودند که مدام میکردند بر گناه بزرگ و بودند که میگفتند

أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝

آیا چون بمیریم و باشیم خاک و استخوانها آیا ما برانگیخته شدگانیم

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۝ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

آیا و پدران ما پیشینان بگو بدرستی که پیشینان و پسینان

لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ

هر آینه گرد آورده شوند تا وعده گاه روز معین پس بدرستی که شما

أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ۝ لَآكِلُونَ

ای گمراهان تکذیب کنندگان هر آینه خورنده اید

مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ۝ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۝

از درختی از زقوم پس پر کننده اید از او شکمها را

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ۝ فَشَارِبُونَ شُرْبَ

پس آشامنده اید بر او از آب جوشان پس آشامنده اید آشامیدن

الْهِيمِ ۝ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ۝ نَحْنُ

اشتران این است مهمانی ایشان در روز جزا ما

خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ

بیافریدیم شما را پس چرا باور نکنید پس آیا خبر دهید که آنچه میریزید

ءَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ۝ نَحْنُ قَدَّرْنَا
آیا شما پدید آورید او را یا ما هستیم پدید آرنده گان ما اندازه کردیم
بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝ عَلَىٰ
میان شما مرگ را و نیستیم ما پیشی گیرنده گان بر
أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا
اینکه بدل کنیم مانند شما را و پدید آریم شما را در آنچه
تَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا
نمیدانید و هر آینه بتحقیق که میدانید نشأة نخست را پس چرا
تَذَكَّرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ ۝ ءَأَنتُمْ
پند نمیگیرید آیا پس خبر دهید مرا از آنچه میکارید آیا شما
تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ
میرویانید او را یا ما هستیم رویاننده گان اگر خواهیم بکردیمی او را
حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ۝ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ
گیاهی ریزه پس گردید که تعجب کنید بدرستی که ما تاوان زده گانیم
بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ
بلکه ما بی بهره گانیم آیا پس خبر دهید مرا آبی را که می آشامید

ءانتم

ءَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ۝ لَوْ
آیا شما فرود آوردید او را از ابر یا ما هستیم فرود آرنده گان اگر
نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ
خواهیم بکردیمی او را تلخ پس چرا شکر نمیگذارید آیا پس خبر دهید
النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ۝ ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا
آتش را که برمی افروزید آیا شما پدید آوردید درخت او را
أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ۝ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَ
یا ما هستیم پدید آرنده گان ما پدید کردیم او را پندی و
مَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝
برخورداری مر بیابانیان پس تسبیح گوی بنام پروردگار خود که بزرگ
فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ۝ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ
پس سوگند میخورم بافرود آمدن ستارها و بدرستی که او هر آینه سوگند است اگر میدانید
عَظِيمٌ ۝ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۝ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ
بزرگ بدرستی که او هر آینه قرآنیست بزرگوار در کتابی پوشیده
لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۝ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ
مطلع نشوند از او مگر پاکیزگان فرود فرستادنی از پروردگار جهانیان

أفبهذا الحديث أنتم مدهنون ۝ وتجعلون

آیا پس باین کلام شما سستی می‌کنید و می‌گردانید

رزقكم أنكم تكذبون ۝ فلولا إذا بلغت

روزی خود را شما تکذیب کننده‌گان پس چرا چون رسید جان

الحلقوم ۝ وأنتم حينئذ تنظرون ۝ ونحن

بحنجره‌های گردن و شما آن هنگام می‌نگرید و ما

أقرب إليه منكم ولكن لا تبصرون ۝

نزدیکتریم بسوی او از شما ولیکن نمی‌بینید

فلولا إن كنتم غير مدينين ۝ ترجعونها إن

پس اگر نه که بودید ناجزاداده‌گان بر گردانید او را اگر

كنتم صادقين ۝ فأما إن كان من المقربين

هستید راست گویان پس اما اگر باشد از مقربان

فروح وريحان وجنت نعيم ۝ وأما إن كان من

پس راحت و روزی پاک و بهشت با نعمت و اما اگر باشد از

أصحاب اليمين ۝ فسلام لك من أصحاب اليمين

یاران دست راست پس سلامتی مر ترا باد از یاران دست راست

وأما إن كان من المكذبين الضالين ۝ فنزل

و اما اگر باشد از تکذیب کننده‌گان گمراهان پس حاضری

من حميم ۝ وتصلية جحيم ۝ إن هذا لهو

از آب جوشان و درآوردن بدوزخ بدرستی که این هر آینه راست

حق اليقين ۝ فسبح باسم ربك العظيم ۝

حق یقین پس تسبیح گوی بنام پروردگار خود که بزرگست

سورة الملك ثلثون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل

با برکت آنکه بدست اوست پادشاهی و او بر هر

شيء قدير ۝ الذي خلق الموت والحيوة ليبلوكم

چیزی تواناست آنکه بیافرید مرگ و زندگانی را تا بیازماید شما را

أيكم أحسن عملا وهو العزيز الغفور ۝

کدام از شما نیکوتر اند در کردار و اوست غالب آمرزگار

الذی خلق سبع سموات طباقا ما ترى فی خلق

آنکه بیافرید هفت آسمان را طبقه طبقه نمی بینی در آفرینش

الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور

بخشاینده از تفاوتی پس برگردان دیده را آیا می بینی از شکستها

ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا

پس برگردان دیده را کرت بعد کرتی باز گردد بسوی تو دیده نومید

وهو حسیر ولقد زینا السماء الدنیا

و او مانده باشد و هر آینه بتحقیق که زینت دادیم آسمان نزدیکتر را

بمصابیح وجعلناها رجوما للشیاطین واعتدنا

بستارها و گردانیدیم او را رانندهٔ مردودان و آماده کردیم

لهم عذاب السعیر وللذین کفروا بربهم

مر ایشان را عذاب آتش فروخته و مر آنانکه کافر شدند بپروردگار خود

عذاب جهنم وبئس المصیر اذا القوا فیها

عذاب جهنم و بد بازگشتی است چون افکنده شوند در آن

سمعوا لها شهیقا وهی تفور تکاد تمیز من الغیظ

شنوند مر او را آواز ناخوش و او بجوش شد خواهد پاره شود از غایت خشم

کلما

کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها الم یأتکم

هر چند افکنده شوند در آن فوجی پرسند ایشان را خازنان او آیا نیامد شما را

نذیر قالوا بلى قد جاءنا نذیر فکذبنا

بیم نماینده گویند آری بتحقیق که آمد ما را بیم نماینده پس تکذیب کردیم

وقلنا ما نزل الله من شیء ان انتم الا فی ضلال

و گفتیم نفرستاده خدا از چیزی نیستید شما مگر در گمراهی

کبیر وقالوا لو کنا نسمع او نعقل ما کنا

بزرگ و گفتند اگر بودیم که می شنیدیم یا می فهمیدیم نبودیم

فی اصحاب السعیر فاعترفوا بذنبهم فسحقا

در زمره یاران آتش فروخته پس اقرار کردند بگناه خود پس دوری باد

لاصحاب السعیر ان الذین یخشون ربهم

مر یاران آتش افروخته بدرستیکه آنانکه می ترسند از پروردگار خود

بالغیب لهم مغفرة واجر کبیر واسروا

بنهانی مر ایشان راست آمرزش و مزدی بزرگ و نهان کنید

قولکم او اجهروا به انه علیم بذات الصدور

گفتار خود یا آشکارا کنید باو که او داناست بانچه در سینهاست

الا يعلم من خلق وهو اللطيف الخبير ۝ هو الذي

آیا نمی داند آنکه بیافرید و اوست باریک بین آگاه اوست که

جعل لكم الارض ذلولا فامشوا في مناكبها

گردانید برای شما زمین را رام پس راه روید در اطراف او

وكلوا من رزقه واليه النشور ۝ ءامنتم

و بخورید از روزی او و بسوی اوست حشر خلایق آیا ایمنید

من في السماء ان يخسف بكم الارض فاذا هي تمور

هر که در آسمانست که فرو برد شما را در زمین پس ناگاه مضطرب شود

ام امنتم من في السماء ان يرسل عليكم حاصبا

آیا ایمنید هر که در آسمانست که فرستد بر شما سنگ ریزه

فستعلمون كيف نذير ۝ ولقد كذب الذين

پس زود بدانید چگونه است بیم نمودن و هر آینه بتحقیق تکذیب کردند آنانکه

من قبلهم فكيف كان نكير ۝ اولم يروا

پیش از ایشانند پس چگونه بود انکار و آیا ندیدند

الى الطير فوقهم صافات ويقبضن ما يمسكهن

بسوی مرغان بر زبر ایشان صف زده و کشایندگان بالها نگاه ندارد ایشانرا

الا الرحمن انه بكل شيء بصير ۝ امن هذا

مگر بخشاینده بدرستی که او بهر چیزی بیناست آیا کیست

الذي هو جند لكم ينصركم من دون الرحمن

که او انصار است مر شما را یاری دهد شما را از غیر بخشاینده

ان الكافرون الا في غرور ۝ امن هذا الذي

نیستند کافران مگر در فریب آیا کیست که

يرزقكم ان امسك رزقه بل لجوا في عتو

روزی دهد شما را اگر نگاه دارد روزی خود را بلکه افشا دند در عناد

ونفور ۝ افمن يمشي مكبا على وجهه اهدى

و رمیدن آیا پس آنکه راه رود بر روی خود راه یافته

امن يمشي سويا على صراط مستقيم ۝ قل هو

یا آنکه راه رود ایستاده بر راه درست بگو اوست

الذي انشاكم وجعل لكم السمع والابصار

که بیافرید شما را و کرد مر شما را گوش و دیدها

والافئدة قليلا ما تشكرون ۝ قل هو الذي

و دلها اندک آنچه شکر گذارند بگو اوست که

ذرأكم في الأرض وإليه تحشرون ويقولون

آفريد شمارا در زمين و بسوى او محشور شويد و ميگويند

متى هذا الوعد إن كنتم صادقين قل إنما

كى خواهد بود اين وعده اگر هستيد راستگويان بگو جز اين نيست كه

العلم عند الله وإنما أنا نذير مبين فلما رأوه

دانش نزد خدا است و جز اين نيست كه من بيم كننده آشكارم پس چون ديدند او را

زلفة سيئت وجوه الذين كفروا وقيل

نزديك زشت گردد روهاى آنانكه كافر شدند و گفته شود

هذا الذي كنتم به تدعون قل أرأيتم

اينست آنچه بوديد بدو شتاب مى كرديد بگو خبر دهيد

إن أهلكني الله ومن معي أو رحمنا فمن يجير

اگر هلاك كند مرا خدا و هر كه با منست يا رحم كند ما را پس كه پناه دهد

الكافرين من عذاب أليم قل هو الرحمن آمنا

كافران را از عذاب دردناك بگو اوست بخشاينده گرويديم

به وعليه توكلنا فستعلمون من هو في ضلال

باو و بر او توكل كرديم پس زود بدانيد كيست او در گمراهى

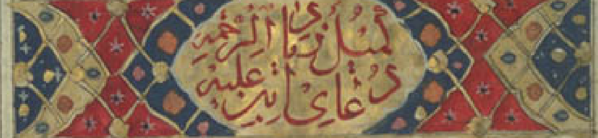
مبين

مبين قل أرأيتم إن أصبح ماؤكم غورا

آشكار بگو خبر دهيد اگر گردد آب شما فرو شده

فمن يأتيكم بماء معين

پس كيست كه آورد شما را آبى شيرين



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشاينده مهربان

اللهم إني أسألك برحمتك التي وسعت كل شيء

خداوندا بدرستى كه سوال ميكنم ترا برحمت تو كه فرا گرفته هر چيز را

وبقوتك التي قهرت بها كل شيء وخضع

و بتوانائى تو كه قهر كرده باو هر چيزى و منقاد گرديد

لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك

مر اورا هر چيزى و خوار گرديد مر اورا هر چيزى و ببزرگوارى تو

التي غلبت بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم

كه غالب كرده باو هر چيزى و بعزت تو كه برابرى نيستد

لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل شيء وبسلطانك
مر او را چیزی و بعظمت تو که پر کرده هر چیزی و بسلطنت تو
الذي علا كل شيء وبوجهك الباقي بعد
که برتر است بر هر چیزی و بذات تو که باقیست بعد از
فناء كل شيء وبأسمائك التي ملأت أركان
فانی بودن هر چیزی و بنامهای تو که پر کرده رکنهای
كل شيء وبعلمك الذي أحاط بكل شيء
هر چیزی و بدانائی تو که فرا گرفته بهر چیزی
وبنور وجهك الذي أضاء له كل شيء يا نور
و بروشنائی ذات تو که روشن کرده مر او را هر چیزی ای هویدا
يا قدوس يا أول الأولين ويا آخر الآخرين
ای پاکیزه ای پیشتر از پیشینان و ای پستر از پسینان
اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم
خداوندا بیامرز مرا گناهانی که میدرد پرده عصمت را
اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم
خداوندا بیامرز مرا گناهانی که فرود می آورد عذاب را

اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم اللهم
خداوندا بیامرز مرا گناهانی که تغییر میدهد نعمتها را خداوندا
اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم
بیامرز مرا گناهانی که حبس میکند دعا را خداوندا
اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم
بیامرز مرا گناهانی که فرود می آورد بلا را خداوندا
اغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء اللهم
بیامرز مرا گناهانی که میبرد امید را خداوندا
اغفر لي كل ذنب أذنبته وكل خطيئة
بیامرز مرا هر گناهیکه کردم آنرا و هر خطائیکه
أخطأتها اللهم إني أتقرب إليك بذكرك و
نادانی بجا آوردم آنرا خداوندا بدرستیکه نزدیکی میجویم بسوی تو بیاد تو و
أستشفع بك إلى نفسك وأسألك بجودك
شفیع میگردانم ترا بسوی ذات تو و سؤال میکنم ترا ببخشش تو
أن تدنيني من قربك وأن توزعني شكرك
که نزدیک گردانی مرا بقرب خود و آنکه توفیق دهی مرا بشکر خود

وَاَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ سُؤالَ

و الهام کنی مرا بذکر خود خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو سؤال کسی

خاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ اَنْ تُسامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي

با خضوع باشد و اظهار ذلت نماید با خشوع باشد که مسامحه نمائی مرا و رحم کنی او بگردانی مرا

بِقِسْمِكَ راضِياً قانِعاً وَفِي جَمِيعِ الْاَحْوالِ مُتَواضِعاً

بقسمت خود راضی قانع و در همه احوال تواضع کننده

اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ

خداوندا و سؤال میکنم از تو سؤال کسی که سخت شده احتیاج او

وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدائِدِ حاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيما

و فرود آورده بتو نزد سختیها حاجت او و بزرگ شده در آنچه

عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطانُكَ وَعَلا

نزد تست خواهش او خداوندا بزرگست پادشاهی تو و بلند است

مَكانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ اَمْرُكَ وَغَلَبَ

جای تو و پنهان است مکر تو و ظاهر است امر تو و غالب است

قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

قهر تو و جاریست قدرت تو و ممکن نیست گریختن از حکومت تو

اللهم

اَللّٰهُمَّ لا اَجِدُ لِذُنُوبِي غافِراً وَلا لِقَبائِحِي ساتِراً

خداوندا نمی یابم مر گناهان خود را آمرزنده و نه مر قبایح خود را پوشنده

وَلا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ

و نه مر چیزی از کردار قبیح به نیکی بدل کننده غیر تو

لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي

نیست خدائی مگر تو پاکی تو و بحمد تو ستم کردم خود را

وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ اِلىٰ قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي

و جرأت کردم بنادانی خود و ساکن شدم به دیرینه یاد تو مرا

وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَوْلايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ

و منت تو بر من خداوندا ای آقای من بسا از قبیح که پوشانیدی او را

وَكَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ اَقَلْتَهُ وَكَمْ

و بسا از گران از بلاها که کم کرده او را و بسا

مِنْ عِثارٍ وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ

از لغزشها که نگاه داشتی او را و بسا از ناخوشی که دفع کردی او را

وَكَمْ مِنْ ثَناءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ

و بسا از ثنای جمیل که نیستم سزاوار آن که پهن کردی او را

اللّهمّ عظم بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت

خداوندا بزرگست بلای من و از حد در گذشته بدی حالم و نارسانید

بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي

کردار من و عاجز کرده مرا غلهای من و منع کرده مرا از نفع من

بعد آمالي وخدعتني الدّنيا بغرورها ونفسي

دوری آرزوی من و فریب داده مرا دنیا بفریب خود و نفس من

بجنايتها ومطالي يا سيّدي فاسئلك بعزّتك

بجنایت خود و درنگ انداختن من ای سید من پس میخواهم از تو بعزت تو

ان لا يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي و

که منع نکند از تو دعای مرا بدی عمل من و کردار من و

لا تفضحني بخفيّ ما اطّلعت عليه من سرّي

رسوا مکن مرا به پنهانی آنچه مطلع شدی بر آن از راز من

ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي

و زود مگیر مرا بعقوبت بر آنچه کردم آن را در جایهای تنهای خود

من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي

از بدی کردار من و بدی من و دوام کردن تقصیر من و نادانی من

وكثرة

وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللّهمّ بعزّتك لي

و بسیاری شهوتهای من و غفلت من و باش خداوندا بعزت تو مرا

في الاحوال كلّها رؤفا وعليّ في جميع الامور

در احوال همه او بخشنده و بر من در همه امور

عطوفا الهي وربّي من لي غيرك اسئله كشف ضرّي

مهربان ای خدای من و پرورده کار من کیست مرا غیر تو که میخواهم ازو گشودن بلای من

والنّظر في امري الهي ومولاي اجريت عليّ حكما

و نگریستن در کار خود ای خدای من و آقای من جاری ساختی بر من حکمی را

اتّبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من

پیروی کردم در آن خواهش نفس خود و نگاهداری نکردم در آن از

تزيين عدوّي فغرّني بما اهوى واسعده

زینت دادن دشمن خود پس فریفت مرا بآنچه خواست و یاری کرد او را

على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى عليّ من

بر این حکم پس در گذشتم بآنچه جاری شد بر من از

ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك

این پاره حدهای تو و مخالفت کردم پاره امرهای تو

فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى

پس مر تراست حمد بر من در همه این و نیست حجتی مرا در آنچه جاری شد

علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد

بر من در آن قضای تو و لازم کرده مرا حکم تو و بلای تو و بتحقیق

اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي

آمدم نزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود و از حد در گذشتن مرا بر خود

معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا

عذر خواهنده پشیمان شکسته خواهان عفو طلب آمرزش کننده

منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما

بازگردنده اقرار کننده تصدیق کننده نمی یابم گریزگاهی از آنچه

كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري

صادر شده از من و نه پناهی که رو کنم بسوی او در امر خود

غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة

بجز از قبول کردن تو عذر مرا و در آوردن تو مرا در گشادگی

من رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم

از رحمت تو خداوندا پس بپذیر عذر مرا و رحم کن

شدة

شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب

گشودن بر حالی خود [illegible] مرا از بستن بند خود ای پروردگار

ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي

رحم کن ناتوانی بدن مرا و باریکی پوست مرا و تنگی استخوان مرا

يا من بدء خلقي وذكري وتربيتي وبري

ای آنکه ابتدا کردی آفرینش مرا و یاد مرا و تربیت مرا و نیکی مرا

وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك

و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدای کرم خود و نیکیهای گذشته اش

بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك

بمن کرده ای خدای من و سید من و پروردگار من آیا می بینی خود را که عذاب کننده مرا به آتش خود

بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي

بعد از یگانگی تو و پس از آنکه در پیچیده براو دل من

من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك و

از شناخت تو و گویا شده بآن زبان من از یاد تو و

اعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي

[illegible] دل من از دوستی تو و بعد از راستی اعتراف من

ودعائي خاضعاً لربوبيتك هيهات انت اكرم
و دعای من از زاری خضوع مر پروردگاری تو دور است تو کریمتری
من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته
از اینکه ضایع کنی کسی را که خود تربیت کرده‌ای او را یا دور کنی کسی را که نزدیک کرده
او تشرد من آويته او تسلم الى البلاء من كفيته
یا برانی آنرا که جا داده‌ای او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع کرده
ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي و
و رحم کرده او را و کاش میدانستم ای سید من و خدای من و
مولاي اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك
آقای من آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر روها یکه در افتادند از عظمت تو
ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك
سجود کنندگان و بر زبانها یکه گویا شده بیگانگی تو
صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب
راست گویان و بشکر تو مدح گویان و بر دلها یکه
اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت
اعتراف کردند بخدائی تو از روی تحقیق و بر خاطرها یکه جا داده

من العلم

من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح
از دانش بتو تا گردید با خشوع و بر عضوی چند
سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت
که سعی کرده بمحلهای عبادت تو بطوع و اشاره کرده
باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك
با آمرزش تو از روی اذعان نیست این گمان بتو
ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت
و خبر نداده ما را بفضل تو از تو ای کریم ای پروردگار و تو
تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها
میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلای دنیا و عقوبتهای او
وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان
و آنچه جاری شود در او از مکروهات بر اهل او بر آنکه
ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه
این بلا و ناخوشی است که اندک است درنگ او و کم است بقای او
قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة و
کوتاه است مدت او پس چگونه تاب آورم مر بلای آخرت و

حلول وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته

بزرگ و واقع شدن مکروهات در آن و او بلاییست که طولانی است مدت

ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون

و دایم است مقام او و سبک کرده نشود از اهل او زیرا که او نمی باشد

الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا

مگر از غضب تو و انتقام تو و خشم تو و این

ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي

چیزیست که در برابر او نمی ایستد آسمانها و زمین ای سید من

فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير

پس چگونه تاب آورم و منم بنده تو ناتوان خوار حقیر

المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي

شکسته تضرع کننده ای خدای من و پروردگار من و سید من

ومولاي لاي الامور اليك اشكو ولما منها

و آقای من برای کدام امور بسوی تو شکایت کنم و برای کدام از آنها

اضج وابكي لاليم العذاب وشدته او لطول

بخروشم و بگریم بر دردناکی عذاب و شدت او یا بر درازی

وجليل

البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات

بلا و مدت آن پس اگر گردانی مرا در عقوبتها

مع اعدائك وجمعت بيني وبين اهل بلائك

با دشمنان تو و جمع کنی میان من و میان اهل بلای تو

وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك

و جدایی افکنی میان من و میان دوستان خود و اولیای خود

فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي

پس گرفتم ای خدای من و سید من و آقای من و پروردگار من

صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك و

که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر مفارقت تو و

هبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن

گرفتم که صبر کردم بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی

النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النار و

از نظر بسوی گرامی داشتن تو یا چگونه ساکن شوم در آتش و حال آنکه

رجائي عفوك فبعزتك يا سيدي ومولاي

امید من عفو تو بود پس بعزت تو ای آقای من و صاحب اختیار من

أقسم صادقاً لئن تركتني ناطقاً لأضجن إليك

قسم میخورم براستی که اگر واگذاری مرا سخن گوی هر آینه خروش برآورم بسوی تو

بين أهلها ضجيج الآملين ولأصرخن إليك

میان اهل جهنم خروش امیدواران و ناله کشم بسوی تو

صراخ المستصرخين ولأبكين عليك بكاء

ناله استغاثه کنندگان و بگریم بر محرومی از رحمت تو گریستن

الفاقدين ولأنادينك أين كنت يا ولي المؤمنين

آنکه دوست خود را گم کرده اند و البته ندا کنم ترا که کجائی ای دوست مؤمنان

يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين

ای نهایت آرزوی عارفان ای فریادرس دادخواهان

يا حبيب قلوب الصادقين ويا إله العالمين

ای دوست دلهای راستگویان ای خداوند عالمیان

أفتراك سبحانك يا إلهي وبحمدك تسمع فيها

آیا پس گر تنزیه میکنم ترا ای خدای من و بحمد تو مشغولم که بشنوی در آن

صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق

صدای بنده مسلمانی را که زندان کرده باشی آنرا بسبب مخالفت او و چشیده

طعم

طعم عذابها بمعصيته وحبس بين أطباقها

مزه عذاب آنرا بسبب نافرمانی او و بند کرده باشند ورا در میان طبقات جهنم

بجرمه وجريرته وهو يضج إليك ضجيج مؤمل

بجرم او و جنایت آن و او خروش کند بسوی تو خروش کسی که امیدوار باشد

لرحمتك ويناديك بلسان أهل توحيدك

رحمت ترا و ندا کند ترا بزبان یگانه پرستان تو

ويتوسل إليك بربوبيتك يا مولاي فكيف

و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو ای قادر من پس چگونه باشد

يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك

ماندن در عذاب و حال آنکه امید دارد آنچه را پیش دیده از بردباری تو

ورأفتك ورحمتك أم كيف تؤلمه النار

و مهربانی تو و رحمت تو یا چگونه درد آورد او را آتش

وهو يأمل فضلك ورحمتك أم كيف يحرقه

و او امید دارد فضل ترا و رحمت ترا یا چگونه بسوزاند او را

لهيبها وأنت تسمع صوته وترى مكانه أم كيف

زبانه آتش و تو بشنوی صدای او را و ببینی جای او را یا چگونه

يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه

مشتمل شود بر او زفیر آن و تو دانی ناتوانی آنرا

ام كيف يتغلغل بين اطباقها وانت تعلم صدقه

یا چگونه مضطرب باشد میان طبقات جهنم و تو دانی راستی او را

ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه

یا چگونه زجر دهد او را زبانهٔ آتش و او ندا کند ترا که ای پروردگار من

ام كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه

یا چگونه امید دارد فضل ترا در آزاد کردن او از جهنم پس وا گذاری او را

فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من

در آن هیهات نیست این گمان بتو و نه شناخته شده است از

فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين

فضل تو و نه شبیه است مر آنچه را معامله کرده با آن یگانه پرستان

من برك واحسانك فباليقين اقطع لولا

از نیکی تو و احسان تو پس بیقین قطع دارم که اگر نه

ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت به

آن بود که حکم کردهٔ بآن که عذاب کنی منکران خود را و مقرر کرده با آن

من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا

که همیشه بداری در جهنم معاندان خود را هر آینه گردانیدی آتش را همه او سرد

وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا ولا مقاما

و سلامت و نبود مر احدی را در آن قراری و نه اقامتی

لكنك تقدست اسماؤك اقسمت ان تملاها

لیکن تو که پاکیزه است نامهای تو سوگند خوردهٔ که پر کنی جهنم را

من الكافرين من الجنة والناس اجمعين

از کافران از جنیان و مردمان همگی

وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك

و اینکه همیشه بداری در جهنم معاندان را و تو که بزرگست ثنای تو

قلت مبتدئا وتطولت بالانعام متكرما

گفتهٔ ابتدا کننده و بخشش کردی بنعمت دادن کرم کننده

افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون

آیا پس آنکه باشد گرونده مانند آنکه باشد نافرمان یکسان نباشند

الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة التي قدرتها

ای خدای من و ای سید من پس میخواهم از تو بتوانائی که مقدر کردهٔ او را

وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من

و بجملگی که حتم کرده اورا و حکم کرده اورا و غالب شده کسی که

عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة

بر او جاری کرده اورا که ببخشی مرا در این شب

وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل

و در این ساعت هر جرمی که کسب کردم آنرا و هر

ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل

گناهی که کردم آنرا و هر کار زشتی که پوشانیدم آنرا و هر نادانی که

عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته

کردم پنهان یا آشکار مخفی یا ظاهر

وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين

و هر بدی که امر کردی باثبات او بزرگواران نویسندگان

الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم

که موکل کردی ایشانرا که نگاه دارند آنچه صادر میشود از من و گردانیدی ایشانرا

شهودا علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب علي

گواه بر من با جوارح من و بودی تو نگهبان بر من

من

من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك

از پس ایشان و گواه هر آنچه پنهانست از ایشان و برحمت تو

اخفيته وبفضلك سترته وان توفر حظي

مخفی کردم آنرا و بفضل تو پوشانیدم آنرا و اینکه وافر کنی

من كل خير تنزله او احسان تفضله او بر

از هر نیکی که فرو آوردی اورا یا احسانی که زیادتی دادی اورا یا نیکی

تنشره او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطا

که پراکنده کردی آنرا یا روزی که فراخ گردانیدی آنرا یا گناهی که آمرزیدی آنرا یا خطائی که

تستره يا رب يا رب يا الهي وسيدي

پوشانیدی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدای من و سید من

ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي

و آقای من و مالک بندگی من ای آنکه بدست اوست موی پیش سر من

يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري

ای دانا به بدحالی و بیچارگی من ای آگاه بفقر

وفاقتي يا رب يا رب اسئلك بحقك

و فاقه من ای پروردگار من ای پروردگار من درمیخواهم از تو بحق تو

وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ
و قدس و پاکی تو و بزرگترین صفات تو و نامهای تو اینکه
تَجْعَلَ أَوْقَاتِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً
بگردانی اوقات مرا در شب و روز بیاد تو آبادان
وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً
و بخدمت تو پیوسته و کردار من نزد تو پذیرفته
حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وِرْدًا وَاحِدًا
تا باشد کردار من و وردهای من همه یک ورد
وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا يَا سَيِّدِي يَا مَنْ
و حال من در خدمت تو پیوسته ای سید من ای آنکه
عَلَيْهِ مُعَوَّلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكَوْتُ أَحْوَالِي يَا رَبِّ
بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم حال خود را
يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ
ای پروردگار من توانا گردان بر خدمت خود جوارح مرا و سخت کن
عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ
بر عزم بندگی دل مرا و ببخش مرا جد در ترس تو

وَالدَّوَامَ فِي الِاتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أَسْرَحَ
و مداومت در متصل بودن بخدمت تو تا بشتابم
إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي
بسوی تو در میدانهای پیش روان و شتاب کنم بسوی تو
الْمُبَادِرِينَ وَأَشْتَاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ
در پیشی گیرندگان و مشتاق شوم بسوی قرب تو در میان مشتاقان
وَأَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ
و نزدیک شوم بتو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن
الْمُوقِنِينَ وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ
صاحبان یقین و گرد آیم در همسایگی قرب تو با گروندگان
اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي
خداوندا و هر که اراده کند مرا ببدی پس اراده کن او را و هر که مکر کند
فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عَبِيدِكَ نَصِيبًا
پس مکر کن با او و گردان مرا از نیکوترین بندگان خود بهره
عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَأَخَصِّهِمْ زُلْفَةً
نزد تو و نزدیکترین ایشان در منزلت بسبب تو و مخصوص‌ترین ایشان

لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك وجد لي

در نزد تو زیرا که بهشت ان رسیدن نیست مگر بفضل تو و بخشش کن برای من

بجودك واعطف علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل

بجود خود و مهربانی کن بزرگواری خود و نگاهدار مرا برحمت خود و بگردان

لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي

زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا بدوستی خود بیتاب و منت بنه بر من

بحسن اجابتك واقلني عثرتي واغفر لي زلتي

به نیکی اجابت خود و درگذر از لغزش من و بیامرز گناه مرا

فانك قضيت على عبادك بعبادتك وامرتهم

پس بدرستی که تو حکم کرده بر بندگان خود به بندگی خود و امر کرده ایشان

بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب

بدعای خود و ضامن شده برای ایشان مستجاب کردن پس بسوی تو ای پروردگارا

نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي

بازداشته ام روی خود را و بسوی تو پروردگارا کشیده ام دست خود را

فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا

پس بعزت تو که مستجاب کن برای من دعای مرا و برسان مرا بآرزوی خود و

تقطع

تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن و

قطع کن از فضل خود امید مرا و باز دار از من شر جن و

الانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر

انس را از دشمنان من ای زود خشنود بیامرز

لمن لا يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء

کسیرا که ازو نمی آید هیچ کاری مگر دعا را پس بدرستی که تو کننده هر آنچه خواهی

يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته

ای آنکه نام او دوای دردها است و یاد او شفای بیماریهاست و فرمانبرداری او

غنى ارحم من راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء

توانگری رحم کن کسیرا که سرمایه او امید است و حربه او گریست

يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين

ای صاحب نعمت کامل ای دفع کننده عذاب ای روشنی وحشت یافتگان

في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل

در تاریکیها ای دانائی که نیاموخته از کسی رحمت فرست بر محمد و آل

محمد وافعل بي ما انت اهله وصلى الله

محمد و بکن بمن آنچه تو لایق آنی سزاوار آن رحمت فرستد خدا

على رسوله والأئمة الميامين من آله وسلم

بر رسول خود و پیشوایان با میمنت که از آل وی‌اند و درود فرستاد

تسليما كثيرا

هذا دعاء صباح

درود بسیار

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه و

ای آنکه بیرون آورد زبان صباح را بگویایی درخشندگی او و

سرّح قطع الليل المظلم بغياهب تلجلجه

رها کرد پاره‌های شب تاریک را از تیرگیهای بهم برآمدگی او

واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير تبرجه

و استوار کرد آفرینش چرخ را گردنده در اندازه‌های زینت او

وشعشع ضياء الشمس بنور تأججه يا من دل

و درخشنده کرد روشنی آفتاب بنور افروختگی او ای آنکه دلالت کرده

على ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته

بر ذات خود بذات خود و منزه است از هم‌جنسی و مشابهت آفریدهای خود

وجلّ

وجل عن ملائمة كيفياته يا من قرب من خواطر

و بلند است از چگونگیهای خلق خود ای آنکه نزدیک است از اندیشهای

الظنون وبعد عن ملاحظة العيون وعلم بما

خواطر و دور است از نگریستن چشمها و دانسته بآنچه

كان قبل ان يكون يا من ارقدني في مهاد

بود پیش از آنکه یافت شود ای آنکه خوابانیده مرا در بستر

امنه وامانه وايقظني الى ما منحني به من منته

امن خود و امان خود و بیدار ساخته مرا بسوی آنچه بخشش فرموده مرا بآن از نعمت

واحسانه وكف اكف السوء عني بيده

و احسان خود و باز داشته سرپنجهای بدی را از من بدست خود

وسلطانه صل اللهم على الدليل اليك

و حجت خود رحمت فرست خداوندا بر راهنمای بسوی تو

في الليل الأليل والماسك من اسبابك

در شب بسیار تاریک و دست زننده از جمله اسبابهای تو

بحبل الشرف الأطول والناصع الحسب في

بریسمان بزرگواری بسیار بلند و صاحب حسب پاکیزه در

ذروة الكاهل الأعبل والثابت القدم
بلندی دوش ستبر وثابت قدم
على زحاليفها في الزمن الأول وعلى آله الأخيار
بر مکان سرا شیب در زمان اول و بر آل او که نیکان
المصطفين الأبرار وافتح اللهم لنا مصاريع
برگزیدگان نیکوکارانند و بگشا خداوندا برای ما درهای
الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسنا
صباح را بکلیدهای رحمت و رستگاری و بپوشان ما را
اللهم من أفضل خلع الهداية والصلاح
خداوندا از بهترین خلعتهای راهنمائی و صلاح
واغرس اللهم بعظمتك في شرب جناني
و بکار خداوندا در عظمت و بزرگواری خود در بهره آب زندگانی من
ينابيع الخشوع وأجر اللهم لهيبتك من آماقي زفرات
چشمهای فروتنی و روان ساز خداوندا از کنجهای چشم من [illegible]
الدموع وأدب اللهم نزق الخرق مني بأزمة
اشکها و ادب کن خداوندا تندی خوئی مرا بمهارهای

القنوع

القنوع إلهي إن لم تبتدئني الرحمة منك
خواری الهی من اگر ابتدا نکند مرا رحمتی از جانب تو
بحسن التوفيق فمن السالك بي إليك في واضح
به نیکوئی توفیق پس کیست براه آورنده مرا بتو در روشن ترین
الطريق وإن أسلمتني أناتك لقائد الأمل
راههای رحمت و اگر واگذارد مرا حلم تو بکشاننده آرزوی
والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى
و خواهشها پس کیست در گذراننده لغزشهای من از سر در آمدنهای هوس
وإن خذلني نصرك عند محاربة النفس والشيطان
و اگر خوار کند مرا نصرت تو نزد کارزار نفس و شیطان
فقد وكلني خذلانك إلى حيث النصب و
پس چنین که واخواهد گذاشت مرا خواری تو فرو گذاشتن بسوی رنج و
الحرمان إلهي أتراني ما أتيتك إلا من حيث الآمال
نومیدی ای الهی من آیا می بینی مرا که نیامدم بتو مگر از برای آرزوها
أم علقت بأطراف حبالك إلا حين باعدتني
یا در آویزم بکناره ریسمانهای تو مگر هنگامی که دور کرده مرا

ذنوبي عن دار الوصال فبئس المطية التي

گناهان من از سرای وصال پس بد شتر مرکبیست که

امتطت نفسي من هواها فواها لها لما سولت

سوار شده نفس من از هوسهای خود پس درد و غم باد مر او را بجهت زینت داده

لها ظنونها ومناها وتبا لها لجرأتها على سيدها

مر او را گمانهای او و هلاک او مر آن نفس را بسبب جرات او بر آقای خود

ومولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي

و صاحب اختیار خود الهی من کوفته ام در رحمت ترا بدست امید خود

وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت

و گریخته ام بسوی تو در حالت پناه آورندن از درگذشتن آرزوهای تو و آویخته ام

باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح اللهم

بکنار ریسمانهای تو بسر انگشتهای محبت خود پس درگذر خدایا

عما كنت اجرمته من زللي وخطائي واقلني اللهم

از آنچه گناه کرده ام آنرا از لغزش خود و خطای خود و درگذر مرا خدایا

من صرعة ردائي فانك سيدي ومولاي و

از افتادن در دام من زیرا که توای آقای من و صاحب اختیار من و

معتمدی

معتمدي ورجائي وغاية مناي في منقلبي و

محل اعتماد من و امیدگاه من و منتهای خواهش من در بازگردیدن من و

مثواي الهي كيف تطرد مسكينا التجا اليك

در آمدگاه من الهی چگونه تو میرانی مسکینی درمانده را که پناه آورده بسوی تو

من الذنوب هاربا ام كيف تخيب مسترشدا

از گناهان گریزان یا چگونه تو نومید میکنی راه راست جوینده را

قصد الى جنابك ساعيا ام كيف ترد ظمآنا

که رو آورده بسوی آستان تو شتابان یا چگونه رد میکنی تشنه را که

ورد الى حياضك شاربا كلا وحياضك

وارد شده باشد بسوی حوضهای تو آب جویان حاشا و حوضهای تو

مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب و

لبالبست در تنگی خشک سال و درگاه تو گشاده است مر طلب کردن

الوغول وانت غاية السؤل ونهاية المامول

و داخل شدن و تو نهایت سوال کرده شده و منتهای امید داشته شده

الهي هذه ازمة نفسي عقلتها بعقال مشيتك

الهی اینها مهار نفس منست که بسته کرده ام او را بزانوبند ارادت تو

وهذه اعباء ذنوبي درأتها برحمتك وعفوك

و این طرفهای گناهان منست که دفع کردم آنرا برحمت تو و عفو تو

ورأفتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها

و مهربانی تو و اینها هواها و هوسهای گمراه کننده منست که واگذاشتم آنرا

الى جناب لطفك فاجعل اللهم صباحي

بسوی آستانه لطف تو پس بگردان خدایا صباح مرا

هذا نازلا علي بضياء الهدى والسلامة

این فرود آینده بر من بروشنائی هدایت و سلامتی

في الدين والدنيا ومسائي جنة من كيد

در دین و دنیا و بگردان شام مرا سپری از مکر

العدى ووقاية من مرديات الهوى انك

دشمنان و نگاه دارنده از هلاک کننده خواهش که تو

قادر على ما تشاء تؤتي الملك من تشاء وتنزع

توانائی بر آنچه خواهی میدهی پادشاهی را هرکرا خواهی و میگیری

الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء

پادشاهی را از هرکه خواهی و عزیز میگردانی هرکرا خواهی و خوار گردانی هرکرا خواهی

بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج

بدست تست نیکی که تو بر هر چیزی توانائی در می آری

الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج

شب را در روز و در می آری روز را در شب و بیرون آری

الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من

زنده را از مرده و بیرون آری مرده را از زنده و روزی دهی هرکرا

تشاء بغير حساب لا اله الا انت سبحانك

خواهی بیشمار نیست خدائی مگر تو منزهی تو

اللهم وبحمدك من ذا يعرف قدرك فلا يخافك

خداوندا و بحمد تو کیست که بشناسد توانائی ترا پس نترسد ترا

ومن ذا يعلم ما انت فلا يهابك الفت بقدرتك

و کیست که بداند کیستی تو پس بیم نداشته از تو الفت دادی بتوانائی خود

الفرق وفلقت برحمتك الفلق وانرت بكرمك

طایفهها را و شکافتی برحمت خود سپیده صبح را و روشن کردی بکرم خود

دياجي الغسق وانهرت المياه من الصم الصياخيد

تاریکیهای شب تار را و روان کردی آبهارا از سنگهای صلب میان سخت

عذباً واجاجاً وانزلت من المعصرات ماءً ثجاجاً

بشیرین و شوری تلخ . و فرستادی از ابرهای [illegible] باران

وجعلت الشمس والقمر للبرية سراجاً وهاجاً

و گردانیدی آفتاب و ماه را مر آفریدگان چراغی تابان

من غير ان تمارس فيما ابتدأت به لغوباً ولا

از غیر آنکه ممارست کنی در آنچه ابتدا کرده ای بو ماندگی و نه

علاجاً فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر

علاجی پس ای آنکه یگانه شده بغلبه و پایندگی [illegible]

عباده بالموت والفناء صل على محمد وآله

بندگان خود را بمرگ و نیستی رحمت فرست بر محمد و آل او

الاتقياء واستمع ندائي واستجب دعائي

که پرهیزکارانند و بشنو آواز مرا و بپذیر دعای مرا

وحقق بفضلك املي ورجائي يا خير من دعي

و ثابت دار بفضل خود آرزوی مرا و امید مرا ای بهتر آنکه خوانده شده

لكشف الضر والمأمول لكل عسر ويسر بك

جهت رفع بدحالی و امید مر هر دشواری و آسانی بتو

انزلت حاجتي فلا تردني يا سيدي من سني

فرود آوردم حاجت خود را پس برمگردان مرا ای سید من از بلند بهای

مواهبك خائباً يا كريم يا كريم يا كريم انك على

بخشش خود نومید ای کریم ای بزرگوار ای کریم که تو بر

٣٧ كل شيء قدير وبالاجابة جدير وصلى الله

هر چیزی توانائی و باجابت سزاوار و رحمت فرستد خدا

على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بر آقای ما محمد و آل او که پاکان پاکیزگانند

دعاء سمات في عصر يوم الجمعة

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم اني اسئلك باسمك الاعظم الاعظم

خدایا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنام بزرگ تو بزرگتر

الاعظم

الاعز الاجل الاكرم الذي اذا دعيت به

غالب تر بزرگوارتر گرامی تر که چون خوانده شوی باو

عَلٰى مَغَالِقِ اَبْوَابِ السَّمَآءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ
بر بستهای درهای آسمان بجهة گشودن برحمت گشوده شود
وَاِذَا دُعِيتَ بِهٖ عَلٰى مَضَآئِقِ اَبْوَابِ الْاَرْضِ لِلْفَرَجِ
و هرگاه خوانده شود بر تنگیهای درهای زمین بجهة گشایش
انْفَرَجَتْ وَاِذَا دُعِيتَ بِهٖ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ
گشاده شود و هرگاه خوانده شود باو بر دشواری بر آسانی آسان شود
وَاِذَا دُعِيتَ بِهٖ عَلَى الْاَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ
و هرگاه خوانده شود باو بر مردگان جهة زنده شدن زنده شوند
وَاِذَا دُعِيتَ بِهٖ عَلٰى كَشْفِ الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ
و هرگاه خوانده شود باو بر گشودن بدحالی و گزند
انْكَشَفَتْ وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَكْرَمِ
گشاده شود و ببزرگی ذات بزرگوار تو که بزرگترست
الْوُجُوهِ وَاَعَزِّ الْوُجُوهِ الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَ
از ذاتها و ارجمندتر از ذاتها که قصد میکنند مراورا ذاتها و
خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَخَشَعَتْ لَهُ الْاَصْوَاتُ
منقاد میشوند مراورا گردنها و پست میشوند مراورا صداها

وَجِلَتْ

وَ وَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ وَبِقُوَّتِكَ
و میترسند مراورا دلها از ترس تو و بتوانائی تو
الَّتِي تُمْسِكُ السَّمَآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِكَ
که نگاه میدارد آسمانرا که نیفتد بر زمین مگر بفرمان تو
وَتُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا
و نگاه میدارد آسمان و زمین را از اینکه برطرف شود و هرآینه اگر برطرف شود
اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِكَ وَبِمَشِيَّتِكَ
نگاه نمیدارد آنهارا هیچکس پس از تو و بخواستن تو
الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ
که ساختن بان دانایان و بکلمه تو که آفریدی
بِهَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ
بان آسمانها و زمین را و بحکمت تو که ساختی
بِهَا الْعَجَآئِبَ وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا
بان عجایب و آفریدی باو تاریکیها و گردانیدی آنرا
لَيْلًا وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ
شب و گردانیدی شب را آرام و پدید آوردی بان روشنائی

وجعلته نهاراً وجعلت النهار نشوراً مبصراً
وكردانيدي آنرا روز وكردانيدي روز را زندكي بعد از خواب روشن
وخلقت بها الشمس وجعلت الشمس ضياءً
وبديد آوردي باو آفتاب وكردانيدي آفتاب را روشن
وخلقت بها القمر وجعلت القمر نوراً وخلقت
وبديد آوردي باو ماه وكردانيدي ماه را روشني وبديد آوردي
بها الكواكب وجعلتها نجوماً وبروجاً و
باو ستارها وكردانيدي اورا اختارها وبرجها و
مصابيح وزينة ورجوماً وجعلت لها مشارق
چراغها وزينتها ورجمها وكردانيدي مر اورا مشرقها
ومغارب وجعلت لها مطالع ومجاري وجعلت
ومغربها وكردانيدي مر اورا محل برآمدن وجاري شدن وكردانيدي
لها فلكاً ومسابح وقدّرتها في السماء منازل
براي آن فلكي وشناوري وباندازه نهادي آنرا در آسمان منزلها
فأحسنت تقديرها وصوّرتها فأحسنت تصويرها
پس نيكو ساختي منزلهاي آنرا وصورت نكاشتي آنرا پس نيكو ساختي صورت اورا

واحصيتها

واحصيتها باسمائك احصاءً ودبّرتها بحكمتك
وشمردي اورا بنامهاي خود شمردني وتدبير كردي اورا بحكمت خود
تدبيراً فأحسنت تدبيرها وسخّرتها بسلطان
تدبير كردني باستواري خود تدبير كردني ورام كردي اورا بپادشاهي
الليل وسلطان النهار والساعات وعدد
شب وپادشاهي روز وساعتها وشماره
السنين والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس
سالها وحسابها وكردانيدي ديدن اورا بر همه مردمان
مرأى واحداً واسئلك اللهم بمجدك الذي كلّمت
يك ديدن وسوال ميكنم ترا خداوندا ببزركواري تو كه سخن كفتي
به عبدك ورسولك موسى بن عمران عليه السلام
باو بنده تو ورسول تو موسى پسر عمران سلام باد ودرود
في المقدسين فوق احساس الكروبيين
در جاهاي پاكيزه بالاي ديدن فرشتكان
فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة في عمود
بالاي پردهاي روشني بالاي تابوت شهادت در ستون

النار وفي طور سيناء وفي جبل حوريث في
آتش ودرکوه طور سینا ودرکوه حوریث در
الواد المقدس في البقعة المباركة من
وادی پاکیزه درمکان مبارکه از
جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر
سمت راست طور از درخت ودرزمین مصر
بتسع آيات بينات ويوم فرقت لبني اسرائيل
بنه معجزهای روشن ودرروزیکه جدا کردی مر بنی اسرائیل
البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب
دریارا ودرمنبجسات آنچنانی که کردی باو عجایب
في بحر سوف وعقدت ماء البحر في قلب الغمر
دردریای سوف وبستی آب دریارا دردل رود
كالحجارة وجاوزت ببني اسرائيل البحر و
مانند سنگها وگذرانیدی فرزندان یعقوب را از دریا و
تمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم
تمام شد کلمه تو که نیکوست بر ایشان بآنچه صبر کردند ومیراث دادی ایشانرا

مشارق الارض ومغاربها التي باركت فيها
مشرقهای زمین ومغربهای او که برکت دادی بر ایشان
فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده ومراكبه
دران مرجهانیان وغرق نمودی فرعون ولشکریان او را وچهارپایان او را
في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعز الاجل
دردریا وبنام تو که بزرگست بزرگ عزیزتر بلندمرتبه
الاكرم وبمجدك الذي تجليت به لموسى
صاحب کرم وببزرگی تو که روشنی بخشیدی باو مر موسی
كليمك عليه السلام في طور سيناء و
هم سخن تو براو باد درود درطور سینا و
لابراهيم خليلك عليه السلام في مسجد
مر ابراهیم را دوست خود براو باد درود درمسجد
الخيف ولاسحق صفيك عليه السلام في
خیف ومر اسحق برگزیده او براو باد سلام در
بئر شيع وليعقوب نبيك عليه السلام في
چاه شیع ومر یعقوب پیغمبر تو براو باد درود در

بيت ايل واوفيت لابرهيم عليه السلام
خانه ایل ووفا نمودی برای ابراهیم براو باد درود
بميثاقك ولاسحق عليه السلام بحلفك و
بسوگند خود ومراسحق براو باد درود بسوگند تو و
ليعقوب عليه السلام بشهادتك وللمؤمنين
مر یعقوب براو باد درود بگواهی خود در گروندگان
بوعدك وللداعين باسمائك فاجبت بمجدك
بوعده تو ومر خوانندگان بنامهای تو پس اجابت کردی ببزرگی
الذي ظهر لموسى بن عمران عليه السلام على
که هویدا شد برای موسی پسر عمران براو باد درود بر
قبة الرمان وبايتك التي وقعت على ارض
قبه زمان وبآیت تو که واقع شد بر زمین
مصر بمجد العزة والغلبة بايات عزيزة و
مصر ببزرگی عزت وغلبه بنشانهای ارجمند و
بسلطان القوة وبعزة القدرة وبشان الكلمة
بپادشاهی توانائی وبعزت توانائی وبشان کلمه

التامة

التامة وبكلماتك التامات التي تفضلت بها
تامه وبکلمات تمام تو که زیادتی دادی بان
على اهل السموات والارض واهل الدنيا
بر اهل آسمانها وزمین واهل دنیا
والاخرة وبرحمتك التي مننت بها على
وآخرت وبرحمت خود که منت گذاشتی بان بر
جميع خلقك وباستطاعتك التي اقمت بها
همه خلق تو وبتوانائی خود که برپا داشتی آن
على العالمين وبنورك الذي قد خر من فزعه
بر جهانیان وبنور خود که بهیبتش افتاد از ترس او
طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك
طور سینا وبدانائی تو وبزرگی تو وبزرگواری تو
وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض
وعزت تو وشوکت تو که توانائی نداردش زمین
وانخفضت لها السموات وانزجرلها العمق الاكبر
وپست شده مراورا آسمانها وایستاده برای او بزرگ

وركدت لها البحار والأنهار وخضعت لها
و ایستاده مرا ورا دریاها و نهرها و منقاد شده مراورا
الجبال وسكنت لها الأرض بمناكبها و
کوهها و ساکن شد مراورا زمین بر پشت خود و
استسلمت لها الخلائق كلها وخفقت لها
آسایش یافته مراورا خلایق همه او و نگاهداشتی مراورا
الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في أوطانها
بادها در روان شدن او و خاموش شد مراورا آتشها در آتشکدها
وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة
و بپادشاهی تو که شناخته شده با آن غالب شدن
دهر الدهور وحمدت به في السموات والأرضين
زمانهای دهور و ثنا گفته شده باو در آسمانها و زمینها
وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لأبينا
و بکلمهای تو کلمه راستی که پیشی گرفته مر پدر ما
آدم وذريته بالرحمة وأسئلك بكلمتك التي
آدم و فرزندان او برحمت و سؤال میکنم ترا بکلمه تو که

غلبت

غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت به
غالب شده در هر چیزی و بروشنائی ذات تو که روشنی بخشیدی باو
للجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا وبمجدك
مر کوه پس گردانیدی اورا افتاده و بر رو درافتاد موسی بیهوش شده و به بزرگواری
الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك
که هویدا شده بر طور سینا پس سخن گفتی باو بنده تو
ورسولك موسى بن عمران عليه السلام و
و رسول تو موسی پسر عمران براو باد درود و
بطلعتك في ساعير وظهورك في جبل فاران
بظاهر شدن در ساعیر و هویدا شدن تو در کوه فاران
بربوات المقدسين وجنود الملائكة الصافين
قرارگاه پاکیزگان و لشکرهای فرشتگان صف زده
وخشوع الملائكة المسبحين وبركاتك
و شعار شدن فرشتگان تسبیح گذاران و ببرکتهای خود
التي باركت فيها على ابرهيم خليلك عليه
که برکت فرستادی در آن بر ابراهیم دوست تو براو باد

السلام في امة محمد صلى الله عليه وآله

درود در امت محمد رحمت فرستنده خدا براو وآل او

وباركت لاسحق صفيك في امة عيسى عليه

وبرکت دادی مر اسحق برگزیده تو در امت عیسی براو باد

السلام وباركت ليعقوب اسرائيلك عليه

درود وبرکت دادی مر یعقوب اسرائیل تو براو باد

السلام في امة موسى عليه السلام وباركت

درود در امت موسی براو باد درود وبرکت دادی

لحبيبك محمد صلى الله عليه وآله في عترته

مر دوست خود محمد رحمت فرستنده خدا براو وآل او در عترت

وذريته وامته اللهم وكما غبنا عن ذلك

و ذریت او و امت او خداوندا و چنانکه نهان بودیم از این

ولم نشهده وآمنا به ولم نره صدقا وعدلا

و مشاهده نکردیم باو و ایمان آوردیم باو و ندیدیم او را براستی و درستی

نسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان

میخواهیم از تو که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تبارك على محمد وآل محمد وان ترحم على

برکت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه رحم کنی

محمد وآل محمد كافضل ما صليت وباركت

محمد و آل محمد مانند زیادتی آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی

ورحمت وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك

و رحم کرده و بخشش کرده بر ابراهیم و آل ابراهیم که تو

حميد مجيد فعال لما تريد وانت على كل

ستوده بزرگواری کننده هر آنچه خواهی و تو بر همه

شيء قدير يس رقتها ابرزيا يا الله يا حنان

چیزی توانائی نزی قبکو ای خدا المهربان

يا منان يا بديع السموات والارض يا ذا

ای بخشنده ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای خداوند

الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا ارحم

بزرگوار و گرامی ای زنده ای پاینده ای رحم‌ترین

الراحمين اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه

رحیمان خداوندا بحق این دعا و بحق این

الأسماء التي لا يعلم تفسيرها ولا تأويلها

نامها که نمیدانند تفسیر آنرا و نه تأویل آنرا

ولا يعلم ظاهرها ولا باطنها غيرك صل على

و نمیدانند ظاهر آنرا و نه باطن آنرا غیر تو رحمت فرست بر

محمد وآل محمد پس هر حاجتی که خواهی یاد کن و بگو ۵

محمد و آل محمد

واغفر لي ذنوبي ما تقدم منها وما تأخر ووسع

و بیامرز مرا گناهان مرا آنچه مقدم داشتم از آن و آنچه بازپس داشتی و وسعت ده

علي من حلال رزقك واكفني مؤنة إنسان

بر من از حلال روزی خود و کفایت کن مرا مؤنت انسان

سوء وجار سوء وسلطان سوء إنك على

بدی و همسایه بدی و پادشاهی بدی بدرستی که تو بر

ما تشاء قدير وبكل شيء عليم آمين يا رب

آنچه خواهی توانائی و بهر چیزی دانائی بپذیر ای پروردگار

العالمين پس بگو صل على محمد وآل محمد

جهانیان رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وافعل بي ما أنت أهله ولا تفعل بي ما أنا

و بکن بمن آنچه تو سزاوار آنی و مکن بمن آنچه من

أهله وانتقم لي ممن يؤذيني واغفر لي ذنوبي

سزاوار آنم و انتقام بکش مرا از آنکه اذیت رساند مرا و بیامرز گناهان مرا



اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه الأسماء

خداوندا بحق این دعا و بحق این نامها

التي لا يعلم تفسيرها ولا تأويلها ولا باطنها

که نمیدانند تفسیر آنرا و نه تأویل آنرا و نه باطن آنرا

ولا ظاهرها غيرك أن تصلي على محمد وآل محمد

و نه آشکار آنرا غیر تو که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وأن ترزقني خير الدنيا والآخرة و بعضی در نسخ چنین است

و آنکه روزی دهی مرا خیر دنیا و خیر آخرت

وافعل بي ما أنت أهله ولا تفعل بي ما أنا أهله

و بکن بمن آنچه تو سزاوار آنی و مکن بمن آنچه من سزاوار آنم

وانتقم لي من فلان بن فلان واغفر لي من
و انتقام کش مرا از فلان پسر فلان و بیامرز مرا از
ذنوبي ما تقدم منها وما تأخر ولوالدي ولجميع
گناهان من آنچه پیش فرستاده‌ام از آن و آنچه باز پس مانده و مر پدر و مادر مرا و همه
المؤمنين والمؤمنات ووسع علي من حلال
مردان گروینده و زنان گروینده و وسعت ده بر من از حلال
رزقك واكفني مؤنة انسان سوء وجار سوء
روزی خود و کفایت کن مرا مؤنت انسان بدی و همسایه بدی
وسلطان سوء وقرين سوء ويوم سوء و
و پادشاه بدی و همنشین بدی و روز بدی و
ساعة سوء وانتقم لي ممن يكيدني وممن
ساعت بدی و انتقام کش مرا از آنکه مکر کند مرا و از آنکه
يبغي علي ويريد بي سوء وباهلي واولادي و
ستم کند بر من و میخواهد مرا بدی و باهل من و فرزندانم و
اخواني وجيراني وقراباتي من المؤمنين والمؤمنات
برادرانم و همسایگانم و خویشانم از مردان گروینده و زنان گروینده

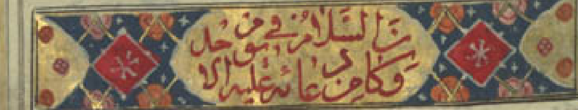
ظلما انك على ما تشاء قدير وبكل شيء عليم
ستمی بدرستی که تو بر آنچه خواهی توانائی و بهر چیزی دانائی
آمين رب العالمين پس بگو اللهم بحق هذا
بپذیر ای پروردگار جهانیان خدایا بحق این
الدعاء تفضل على فقراء المؤمنين والمؤمنات
دعا که زیادتی واده بر فقرا مردان گروینده و زنان گروینده
بالغنى والثروة وعلى مرضى المؤمنين والمؤمنات
بتوانگری و نکبت و بر بیماران مردان گروینده و زنان گروینده
بالشفاء والصحة وعلى احياء المؤمنين والمؤمنات
بشفا و تندرستی و بر زندگان مردان گروینده و زنان گروینده
باللطف والكرم وعلى اموات المؤمنين
بمهربانی و کرم نمودن و بر مردگان مردان گروینده
والمؤمنات بالمغفرة والرحمة وعلى مسافر
و زنان گروینده بآمرزش و رحمت و بر مسافر
المؤمنين والمؤمنات بالرد الى اوطانهم
مردان گروینده و زنان گروینده بهر گردانیدن بسوی وطنهای خود

سالمین غانمین برحمتک یا ارحم الراحمین و
سلامت و غنیمت بندگان برحمت تو ای رحیم‌ترین رحیمان و
صلی الله علی سیدنا محمد خاتم النبیین و
رحمت فرستد خدا بر بزرگ ما محمد آخر پیغمبران و
عترته الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا
ذریهٔ او که پاکانند و درود فرستد درود بسیار



یا عدتی فی کربتی ویا غیاثی عند شدتی و
ای معتمد من در اندوه من و ای فریادرس من نزد سختی من و
یا ولیی فی نعمتی ویا منجحی فی حاجتی ویا مفزعی
ای دوست من در نعمت من و ای مطلوب من در حاجت من و ای پناه من
فی ورطتی ویا منقذی من هلکتی ویا کالئی
در ورطه من و ای نجات دهنده من از هلاک من و ای ... من
فی وحدتی صل علی محمد وآل محمد واغفر لی
در تنهائی من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا

خطیئتی ویسر لی امری واجمع لی شملی وانجح لی
خطای مرا و آسان کن برای من کار مرا و فراهم آور برای من شمل مرا و برآور برای من
طلبتی واصلح لی شأنی واکفنی ما اهمنی واجعل
حاجت مرا و به اصلاح آور برای من کار مرا و دفع کن از من آنچه قصد کرده مرا و بگردان
لی من امری فرجا ولا تفرق بینی وبین العافیة
برای من از کار من گشایشی و جدائی میفکن میان من و میان عافیت
ابدا ما ابقیتنی وعند وفاتی اذا توفیتنی یا
هرگز مادامی که باقی داری مرا و نزد وفاتم هرگاه بمیرانی مرا ای
ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد و
بخشنده‌ترین بخشندگان و رحمت فرستد خدا بر آقای ما محمد و
آل محمد یا رب العالمین
آل محمد ای پروردگار جهانیان



بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای بخشاینده مهربان

بسم الله الذي لا أرجو إلا فضله ولا أخشى إلا

بنام خدائی که امید ندارم مگر فضل اورا و نترسم مگر

عدله ولا أعتمد إلا قوله ولا أمسك إلا بحبله

عدل اورا و اعتماد ندارم مگر گفتار اورا و نمی چسبم مگر بریسمان او

بك أستجير يا ذا العفو والرضوان من الظلم

بتو زنهار میجویم ای خداوند عفو و خشنودی از ستم

والعدوان ومن غير الزمان وتواتر الأحزان

و جور و از حادثهای زمانه و پی در پی شدن اندوهها

وطوارق الحدثان ومن انقضاء المدة قبل

و رسیدنهای عوارض روزگار و از منقضی شدن مدت پیش از

التأهب والعدة وإياك أسترشد لما فيه

تهیه کردن و ساز راه کردن و از تو راه میجویم مر آنچه در آن

الصلاح والإصلاح وبك أستعين فيما يقترن

صلاح و اصلاح است و بتو یاری میجویم در آنچه مقرونست

به النجاح والإنجاح وإياك أرغب في لباس العافية

باین فیروزی و فیروزی دادن و از رغبت دارم در پوشیدن عافیت

دعائها

وتمامها وشمول السلامة ودوامها وأعوذ بك

و تمامی آنها و در رسیدن سلامت و دوام آن و بناه میبرم بتو

يا رب من همزات الشياطين وأحترز بسلطانك

ای پروردگار از وسوسهای شیاطین و پرهیز میکنم بپادشاهی تو

من جور السلاطين فتقبل ما كان من صلاتي

از جور پادشاهان پس قبول کن از آنچه بوده از نماز من

وصومي واجعل غدي وما بعده أفضل من

و روزه من و بگردان فردای مرا و آنچه پس از آنست بهتر از

ساعتي ويومي وأعزني في عشيرتي وقومي و

ساعت من و روز من و عزیز کن مرا در میان خویشانم و قوم من و

احفظني في يقظتي ونومي فأنت الله خير حافظا

نگاه دار مرا در بیداری من و خواب من پس توئی خدا بهترین نگاه دارنده

وأنت أرحم الراحمين اللهم إني أبرأ إليك في

و توئی رحیم‌ترین رحم کنندگان بار خدایا بدرستی که من بیزاری میجویم بتو در

يومي هذا وما بعده من الآحاد من الشرك و

روز من امروز و آنچه پس از آنست از یکشنبه‌ها از شرک و

الا لحاد واخلص لك دعائي بلا اثابة فصل على

الحاد و خالص کردانم برای تو دعای خود را مر ثواب پس رحمت فرست

محمد خير خلقك الداعي الى حقك واعزني

محمد بهترین خلق تو خواننده بسوی حق تو و عزیز کن مرا

بعزك الذي لا يضام واحفظني بعينك التي لا تنام

بعزت خود که ستم کرده نشود و نگاهدار مرا بچشم خود که خواب نکند

واختم بالانقطاع اليك امري وبالمغفرة

و ختم کن ببقطع شدن بتو امر خود و با آمرزش

عمري انك انت الغفور الرحيم

عمر مرا بدرستیکه تو توئی آمرزگار مهربان

وكان من دعائه عليه السلام في يوم الاثنين

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله الذي لم يشهد احدا حين فطر

سپاس مر خدا را که حاضر ساخته کسی را هنگامی که آفریده

السموات

السموات والارض ولا اتخذ معينا حين برا

آسمانها و زمین و فرا گرفته مدد کاری هنگامی که خلق کرد

النسمات لم يشارك في الالهية ولم يظاهر

آدمیان را شریک داشته نشده در خدائی و یاری کرده نشده

في الوحدانية كلت الالسن عن غاية

در یکتائی کند شده زبانها از نهایت

صفته والعقول عن كنه معرفته وتواضعت

صفت او و عاجز شده از کنه معرفت او و فروتنی

الجبابرة لهيبته وعنت الوجوه لخشيته و

جباران مر هیبت او و خواری نموده اند روبها از ترس او و

انقاد كل عظيم لعظمته فلك الحمد متواترا

گردن نهاده هر بزرگی مر بزرگی او پس ترا است حمد پی در پی

متسقا ومتواليا مستوثقا وصلواته على رسوله

پیوسته پی در پی مستحکم و رحمتهای خدا بر رسول او

ابدا وسلامه دائما سرمدا اللهم اجعل اول

همیشه و درود او دایم جاویدان خداوندا بگردان اول

يومي هذا صلاحا وأوسطه فلاحا وآخره نجاحا

روز خود این روز صلاح و میان آن را فیروزی و آخر آن را رستگاری

وأعوذ بك من يوم أوله فزع وأوسطه جزع و

و پناه میبرم بتو از روزی که اول او ترس و میان او بی تابی است و

آخره وجع اللهم إني أستغفرك لكل نذر نذرته

آخر او درد است خداوندا بدرستی که من طلب آمرزش میکنم ترا هر نذری که نذر کرده ام آن را

وكل وعد وعدته وكل عهد عاهدته

و هر وعده که وعده کرده ام او را و هر عهدی که بسته ام آن را

ثم لم أف به وأسألك في مظالم عبادك عندي

پس وفا نکرده ام باو و سؤال میکنم ترا در باره حقهای بندگان تو نزد من

فأيما عبد من عبيدك أو أمة من إمائك كانت له

پس هر بنده از بندگان تو یا کنیزی از کنیزان تو بوده باشد او را

قبلي مظلمة ظلمتها إياه في نفسه أو في عرضه أو

نزد من حقی که ستم برده باشد او را در نفس او یا در ناموس او یا

في ماله أو في أهله وولده أو غيبة اغتبته بها

در مال او یا در اهل او و فرزند او یا غیبتی که غیبت کرده باشم آن را

او تحامل

أو تحامل عليه بميل أو هوى أو أنفة أو رياء

یا چیزی که بار کرده باشم بر او بسبب میل یا خواهش یا کبر یا رشکی

أو سمعة أو عصبية غائبا كان أو شاهدا

یا سمعه یا تعصبی غائب باشد یا حاضر

وحيا كان أو ميتا فقصرت يدي وضاق

و زنده باشد یا مرده پس کوتاه باشد دست من و تنگ شده باشد

وسعي عن ردها إليه والتحلل منه فأسألك

طاقت من از رد کردن آن بسوی او و حلالی خواستن از او پس سؤال میکنم ترا

يا من يملك الحاجات وهي مستجيبة لمشيئته

ای خداوند حاجتها و آنها اجابت کرده اند مر خواسته او

ومسرعة إلى إرادته أن تصلي على محمد وآل محمد

و شتابنده بسوی اراده او که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وأن ترضيه عني بما شئت وتهب لي من عندك

و اینکه خشنود سازی او را از من بانچه خواهی و ببخشی مرا از نزد خود

رحمة إنه لا تنقصك المغفرة ولا تضرك الموهبة

رحمتی که کم نمیکند ترا آمرزش و ضرر نمیرساند ترا بخشش



يا أرحم الراحمين اللهم أولني في كل يوم اثنين

ای رحیم‌ترین رحیمان خداوندا عطا کن مرا در هر روز دوشنبه

نعمتين منك ثنتين سعادة في أوله بطاعتك

دو نعمت از تو دو تا نیکبختی در اول و بطاعت تو

ونعمة في آخره بمغفرتك يا من هو الإله ولا

و نعمتی در آخر آن بآمرزش تو ای آنکه اوست خدا و نمی

يغفر الذنوب سواه يا إله العالمين

آمرزد گناهان را بجز او ای خدای جهانیان



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله والحمد حقه كما يستحقه حمدا كثيرا

سپاس مر خدای را و حمد سزاوار اوست چنانچه سزاوار است او را حمد بسیار

وأعوذ به من شر نفسي إن النفس لأمارة بالسوء

و پناه می‌برم باو از شر نفس خود بدرستیکه نفس فرماینده است به بدی

إلا ما رحم ربي وأعوذ به من شر الشيطان

مگر آنکه رحم کند پروردگار من و پناه می‌برم باو از شر شیطان

الذي يزيدني ذنبا إلى ذنبي وأحترز به من كل

که می‌افزاید مرا گناهی بسوی گناهان من و پرهیز میکنم باو از هر

جبار فاجر وسلطان جائر وعدو قاهر اللهم

جبار گناهکاری و پادشاه ستم کننده و دشمن قهر کننده خداوندا

اجعلني من جندك فإن جندك هم الغالبون

بگردان مرا از لشکر خود پس بدرستیکه لشکر تو ایشانند غلبه کنندگان

واجعلني من حزبك فإن حزبك هم المفلحون

و بگردان مرا از گروه خود پس بدرستیکه گروه تو ایشان رستگارانند

واجعلني من أوليائك فإن أوليائك لا خوف

و بگردان مرا از دوستان خود پس بدرستیکه دوستان تو نیست بیمی

عليهم ولا هم يحزنون اللهم أصلح لي ديني

بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند بار خدایا باصلاح آور برای من دین مرا

فإنه عصمة أمري وأصلح لي آخرتي فإنها دار مقري

پس بدرستیکه او نگاه دارنده کار منست و باصلاح آور برای من آخرت مرا پس بدرستیکه آن سرای قرارگاه منست

وإليهما من مجاورة اللئام مفرّي واجعل الحيوة

و بسوی او از همسایگی لئیمان گریز من و بگردان زندگانی را

زيادة لي في كل خير والوفاة راحة لي من كل

زیادتی برای من در هر چیزی و وفات راحتی برای من از هر

شر اللهم صل على محمد خاتم النبيين

بدی خدایا رحمت فرست بر محمد آخر پیغمبران

وتمام عدة المرسلين وعلى آله الطيبين الطاهرين

و تمام شمار مرسلان و بر آل او که پاکان پاکیزه گانند

وأصحابه المنتجبين وهب لي في الثلثاء ثلثا

و یاران او که برگزیدگانند و ببخش مرا در این سه شنبه سه چیز

لا تدع لي ذنبا إلا غفرته ولا غما إلا أذهبته

وامگذار برای من گناهی که بیامرزی او را و اندوهی مگر که ببری آن را

ولا عدوا إلا دفعته ببسم الله خير الأسماء

و نه دشمنی مگر که دفع کنی آن را بنام خدا بهترین نامها

بسم الله رب الأرض والسماء أستدفع كل مكروه

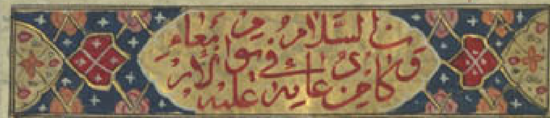
بنام خدای پروردگار زمین و آسمان دفع می‌کنم هر ناخوشی

أوله سخطه وأستجلب كل محبوب أوله رضاه

که اول او غضب او باشد و می‌کشم هر پسندیده اول آنها رضای او باشد

فاختم لي منك بالغفران يا ولي الإحسان

پس ختم کن برای من از تو بآمرزش ای دوست نیکان



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله الذي جعل الليل لباسا والنوم سباتا

سپاس مر خدای را که گردانید شب را پوشش و خواب را راحتی

وجعل النهار نشورا لك الحمد أن بعثتني من مرقدي

و گردانید روز را زنده کردن مر تراست حمد اینکه برانگیختی مرا از خوابگاهم

ولو شئت جعلته سرمدا حمدا دائما لا ينقطع

و اگر میخواستی گردانیدی او را پیوسته حمدی دایم که منقطع نشود

أبدا ولا يحصي له الخلائق عددا اللهم لك الحمد أن

هرگز و نشمارند آن را خلایق شمار کردنی خداوندا مر تراست حمد که

خَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ وَقَدَّرْتَ وَقَضَيْتَ وَأَمَتَّ وَ
آفریدی پس راست کردی و تقدیر کردی و حکم کردی و میراندی و
أَحْيَيْتَ وَأَمْرَضْتَ وَشَفَيْتَ وَعَافَيْتَ وَأَبْلَيْتَ
زنده کردی و بیمار کردی و شفا دادی و عافیت دادی و محنت دادی
وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ وَعَلَى الْمُلْكِ احْتَوَيْتَ
و بر عرش نشستی و بر پادشاهی احاطه کردی
أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ ضَعُفَتْ وَسِيلَتُهُ وَانْقَطَعَتْ
میخوانم ترا خواندن کسی که سست شده وسیله او و بریده شده
حِيلَتُهُ وَاقْتَرَبَ أَجَلُهُ وَتَدَانَى فِي الدُّنْيَا أَمَلُهُ
چاره او و نزدیک شده اجل او و نزدیک شده در دنیا امید او
وَاشْتَدَّتْ إِلَى رَحْمَتِكَ فَاقَتُهُ وَعَظُمَتْ لِتَفْرِيطِهِ
و سخت شده بسوی رحمت تو حاجت او و بزرگ شده بر تقصیر او
حَسْرَتُهُ وَكَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَعَثْرَتُهُ وَخَلَصَتْ
حسرت او و بسیار شده لغزش او و بسر درآمدن او و خالص شده
لِوَجْهِكَ تَوْبَتُهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
مر ذات تو توبه او پس رحمت فرست بر محمد خاتم پیغمبران

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَارْزُقْنِي
و بر خانواده او که پاکان پاکیزگانند و روزی کن مرا
شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا
شفاعت محمد رحمت کناد خدا بر او و آل او و
تَحْرِمْنِي صُحْبَتَهُ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
محروم مساز مرا از صحبت او بدرستی که تویی رحیم‌ترین رحم کنندگان خداوندا
اقْضِ لِي فِي الْأَرْبِعَاءِ أَرْبَعًا اجْعَلْ قُوَّتِي فِي
برآور برای من در چهارشنبه چهار چیز بگردان قوت مرا در
طَاعَتِكَ وَنَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَغْبَتِي فِي
طاعت خود و نشاط مرا در عبادت تو و رغبت مرا در
ثَوَابِكَ وَزُهْدِي فِيمَا يُوجِبُ لِي أَلِيمَ عِقَابِكَ إِنَّكَ
ثواب تو و پرهیز مرا در آنچه واجب سازد برای من عذاب دردناک تو بدرستی که تو

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ
لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ
مهربانی مر آنچه خواهی
السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله الذي اذهب الليل مظلما بقدرته

سپاس مر خدای را که برد شب را در حالی که تاریک بود بتوانایی او

وجاء بالنهار مبصرا برحمته وكساني ضياءه

و آورد روز را روشن برحمت خود و پوشانید مرا روشنایی او

وانا في نعمته اللهم فكما ابقيتني له فابقني

و منم در نعمت او خداوندا پس چنانکه باقی داشتی مرا پس باقی دار مرا

لامثاله وصل على النبي محمد واله ولا

مرا مثل آن و رحمت فرست بر پیغمبر محمد و آل او و

تفجعني فيه وفي غيره من الليالي والايام و

دردناک مکن مرا در این روز و در غیر او از شبها و روزها و

بارتكاب المحارم واكتساب المآثم و

بسبب ارتکاب حرامها و کسب کردن گناهها و

ارزقني خيره وخير ما فيه وخير ما بعده و

روزی کن مرا خیر او را و خیر آنچه در او است و خیر آنچه پس از او است و

اصرف عني شره وشر ما فيه وشر ما بعده

بگردان از من شر این و شر آنچه در او است و شر آنچه پس از او است

اللهم

اللهم اني بذمة الاسلام اتوسل اليك

خداوندا بدرستی که من به پیمان اسلام توسل میجویم بسوی تو

وبحرمة القران اعتمد عليك وبمحمد المصطفى

و بحرمت قرآن اعتماد میکنم بر تو و بمحمد برگزیده

صلى الله عليه واله استشفع لديك فاعرف اللهم

رحمت فرستد خدا بر او و آل او شفاعت میجویم نزد تو پس بشناس خداوندا

ذمتي التي رجوت بها قضاء حاجتي يا ارحم الراحمين

پیمان مرا که امید داشته‌ام آن را برای روا شدن حاجت خود ای مهربانترین مهربانان

اللهم اقض لي في الخميس خمسا لا يتسع لها الا

خداوندا بجا آور برای من در روز پنجشنبه پنج چیز که طاقت ندارد آن را که

كرمك ولا يطيقها الا نعمك سلامة اقوى

کرم تو و توانایی ندارد آن را مگر نعمتهای تو سلامتی که قوی باشم

بها على طاعتك وعبادة استحق بها جزيل مثوبتك

با او بر طاعت تو و عبادتی که سزاوار باشم با او ثواب بسیار را

وسعة في الحال من الرزق الحلال وان تؤمنني

و وسعتی در حال از روزی حلال و اینکه ایمن گردانی مرا

في موقف الخوف بأمنك وتجعلني من طوارق

در جاهای خوف بامن خود و بگردانی مرا از بندهای

الهموم والغموم في حصنك صل على محمد وعلى

اندوهها وغمها در پناه خود رحمت فرست بر محمد و بر

آل محمد واجعل توسلي به شافعا يوم القيمة

آل محمد و بگردان وسیله مرا با و شفاعت کننده در روز رستخیز

نافعا إنك ارحم الراحمين

سود دهنده بدرستی که توئی رحیمتر از رحیمان



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله الأول قبل الإنشاء والآخر بعد

سپاس مر خدایرا که اولست پیش از آفریدن و آخرست پس از

فناء الأشياء العليم الذي لا ينسى من ذكره

فناء چیزها داناست که فراموش نمیکند هر که یاد کرده اورا

ولا ينقص من شكره ولا يخيب من دعاه ولا

و کم نمیکند هر که شکر گذارد اورا و نومید نکرد هر که خواند اورا و

يقطع رجاء من رجاه اللهم إني أشهدك وكفى

قطع نمیشود امید آنکه امید دارد اورا خداوندا بدرستی که گواه میگیرم ترا و بس است

بك شهيدا وأشهد جميع ملائكتك ورسلك

ترا گواه و گواه میگیرم همه فرشتگان تو و رسولان ترا

وسكان سمواتك وحملة عرشك ومن بعثت

و ساکنان آسمانهای تو و بردارندگان عرش تو و آنکه برانگیختی

من أنبيائك ورسلك وأنشأت من أصناف

از پیغمبران خود و رسولان خود و آفریدی از اصناف

خلقك أني أشهد أنك أنت الله لا إله إلا أنت

خلق خود که من گواهی میدهم که توئی خدا نیست خدائی که تو

وحدك لا شريك لك ولا عديل ولا خلف لقولك

یگانه نیست شریکی مر ترا و نه مانندی و نه خلافی مر قول تو

ولا تبديل وأن محمدا صلى الله عليه وآله

و نه تبدیلی است و آنکه محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اَدّىٰ مَا حَمَّلْتَهُ اِلَى الْعِبَادِ

بنده تو و رسول تو رسانید آنچه حمل کرده او را به بندگان

وَجَاهَدَ فِي اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقَّ الْجِهَادِ وَاَنَّهُ بَشَّرَ

و کارزار کرده در راه خدای عز و جل حق کارزار و بتحقیق او مژده داد

بِمَا هُوَ حَقٌّ مِنَ الثَّوَابِ وَاَنْذَرَ بِمَا هُوَ صِدْقٌ مِنَ

بآنچه او حق است از ثواب و بیم داد بآنچه او راست است از

الْعِقَابِ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلٰى دِينِكَ مَا اَحْيَيْتَنِي

عقاب خداوندا ثابت دار مرا بر دین خود مادام که زنده داری مرا

وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

و مپیچان دل مرا پس از آنکه راهنمونی مرا و ببخش مرا از نزد خود

رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى

رحمتی بدرستی که توئی بخشنده رحمت فرست بر محمد و بر

اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ اَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَ

آل محمد و بگردان مرا از پیروان او و شیعه او و

اُحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ وَوَفِّقْنِي لِاَدَاءِ فَرْضِ الْجُمُعَاتِ

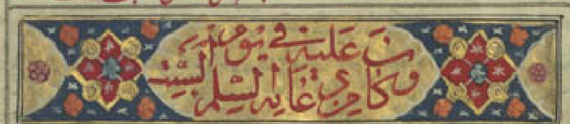
حشر کن مرا در گروه او و توفیق ده مرا برای ادا کردن فرض جمعها

وَمَا اَوْجَبْتَ فِيهِ مِنَ الطَّاعَاتِ وَقَسَمْتَ لِاَهْلِهَا

و آنچه واجب ساخته در آن از طاعتها و قسمت کرده مر اهل آن

مِنَ الْعَطَاءِ فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

از عطا در روز جزا بدرستی که توئی غالب درست کردار



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

بِسْمِ اللّٰهِ كَلِمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ وَمَقَالَةِ الْمُتَحَرِّزِينَ وَ

نام خدا کلمه چنگ در زدگان و گفتگوی پرهیزکنندگان و

اَعُوذُ بِاللّٰهِ تَعَالٰى مِنْ جَوْرِ الْجَائِرِينَ وَكَيْدِ

پناه میبرم بخدای تعالی از جور ستم کنندگان و مکر

الْحَاسِدِينَ وَبَغْيِ الظَّالِمِينَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْوَاحِدُ

حاسدان و از حد در گذشتن ظالمان خداوندا تو یگانه

بِلَا شَرِيكٍ وَالْمَلِكُ بِلَا تَمْلِيكٍ لَا تُضَادُّ فِي

بی انباز و پادشاهی بی آنکه ترا پادشاه کرده باشند غالب کرده نتوانی در

حكمك ولا تنازع في ملكك أسئلك

حكم تو و منازعه كرده نشود در پادشاهی خود درخواهم از تو

أن تصلي على محمد عبدك ورسولك وأن توزعني

كه رحمت فرستی بر محمد بنده تو و رسول تو و آنكه در دل اندازی

من شكر نعمائك ما تبلغني غاية رضاك وأن

از شكر نعمتهای تو آنچه رسانی مرا بنهایت خشنودی خود و آنكه

تعينني على طاعتك ولزوم عبادتك واستحقاق

یاری دهی مرا بر طاعت خود و لزوم عبادت خود و استحقاق

مثوبتك بلطف عنايتك وترحمني وتصدني عن

ثواب خود بلطف عنایت خود و رحم كنی مرا و بازداری مرا از

معاصيك ما أحييتني وتوفقني لما ينفعني ما أبقيتني

معصیتهای خود چندانكه زنده داری مرا و توفیق دهی مرا از آنچه سود دهد مرا چندانكه باقی داری

وأن تشرح بكتابك صدري وتحط وزري و

و آنكه گشاده سازی بكتاب خود سینه مرا و دور نهی بار گران مرا و

تمنحني السلامة في ديني ونفسي ولا توحش بي أهل

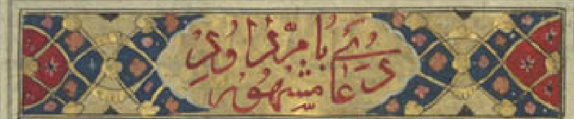
عطا كنی مرا سلامتی را در دین خود و نفس خود و وحشت ندهی بمن اهل

أنسي وتتم إحسانك فيما بقي من عمري كما

انس مرا و تمام كنی احسان خود را در آنچه باقی مانده از عمر من چنانكه

أحسنت فيما مضى منه يا أرحم الراحمين

نیكی كرده در آنچه گذشته از آن ای رحیمتر از رحیمان



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

صدق الله العظيم الذي لا إله إلا هو الحي القيوم

راست گفت خدای بزرگ كه نیست خدای مگر او زنده پاینده

ذو الجلال والإكرام الرحمن الرحيم الحليم الكريم

خداوند بزرگوار و گرامی بخشاینده مهربان بردبار بزرگوار

الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير

كه نیست مانند او چیزی و اوست شنوای بینا

العليم الخبير شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة

دانای آگاه گواهی داد خدا كه نیست خدای مگر او و فرشتگان

واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز

و خداوند دانش ایستاده براستی نیست خدائی مگر او غالب

الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وبلغت

درست کردار بدرستی که دین پاینده نزد خدا اسلام است و رسانیدند

رسله الكرام وانا على ذلك من الشاهدين

فرستادگان که بزرگوارانند و من بر این از جمله گواهانم

اللهم لك الحمد ولك المجد ولك العز ولك

بارخدایا مرتراست حمد و مرتراست بزرگواری و مرتراست عزت و مرتراست

الفخر ولك القهر ولك النعمة ولك العظمة

بزرگواری و مرتراست غلبه و مرتراست نعمت و مرتراست بزرگی

ولك الرحمة ولك المهابة ولك السلطان ولك

و مرتراست رحمت و مرتراست ترس و مرتراست پادشاهی و مرتراست

البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح ولك

نیکویی و مرتراست احسان و مرتراست تسبیح و مرتراست

التقديس ولك التهليل ولك التكبير ولك

پاکیزگی و مرتراست تهلیل و مرتراست تکبیر و مرتراست

ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق

آنچه دیده میشود و مرتراست آنچه دیده نمیشود و مرتراست آنچه بالای

السموات العلى ولك ما تحت الثرى ولك

آسمانهای بلند است و مرتراست آنچه در زیر خاکست و مرتراست

الارضون السفلى ولك الآخرة والاولى ولك

زمینهای پست و مرتراست آن جهان و این جهان و مرتراست

ما ترضى به من الثناء والحمد والشكر والنعماء

آنچه پسندی باو از ثنا و ستایش و شکر و نعمتها

اللهم صل على جبرئيل امينك على وحيك

بارخدایا رحمت فرست بر جبرئیل امین تو بر وحی تو

والقوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحال

و توانا بر امر تو و فرمانبرده شده در آسمانهای تو و جاهای

كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لانبيائك

نوازشهای تو بردارنده کلمات تو یاری کننده پیغمبران تو

المدمر لاعدائك اللهم صل على ميكائيل

هلاک کننده دشمنان تو بارخدایا رحمت فرست بر میکائیل

ملكِ رحمتك والمخلوق لرأفتك والمستغفرِ
فرشته رحمت تو وآفریده شده مرمهربانی تو وآمرزش خواهنده
المعينِ لأهل طاعتك اللهم صلّ على
یاری کننده مراهل طاعت تو بارخدایا رحمت فرست بر
اسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر
اسرافیل بردارنده عرش تو وصاحب صور منتظر برنده
لأمرك الوجل المشفق من خيفتك اللهم صلّ
مرامر تو ترسنده بیمناک از ترس تو بارخدایا رحمت فرست
على عزرائيل ملك الموت الموكل على عبادك
بر عزرائیل فرشته مرگ موکل بر بندگان تو
وأمنائك المطيع في أرضك وسمائك قابض
وگیرندگان تو فرمانبرنده در زمین تو و آسمانهای تو گیرنده
أرواح عبادك وأمنائك قابض أرواح جميع
ارواح بندگان خود و گیرندگان خود گیرنده ارواح همه
خلقك اللهم صلّ على حملة العرش الطاهرين
خلق تو بارخدایا رحمت فرست بر بردارنده عرش که پاکانند

وعلى ملائكة الذكر أهل الثناء أمين على دعاء
وبر فرشتگان ذکر بر دعای
المؤمنين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين
گروهنده وبر بزرگواران نیکوکاران نیکان پاکیزگان
وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى
وبر فرشتگان تو که بزرگواران نویسندگانند و
ملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت
فرشتگان بهشت و خازنان دوزخ و فرشته مرگ
والأعوان يا ذا الجلال والإكرام اللهم
و یاوران ای خداوند بزرگواری و کرامی بارخدایا
صلّ على أبينا آدم بديع فطرتك الذي كرّمته
رحمت فرست بر پدر ما آدم نو پیدا آورنده آفرینش تو که گرامی داشتی او را
بسجود ملائكتك وأبحته جنتك اللهم
بسجود فرشتگان تو و حلال گردانیدی او را بهشت خود بارخدایا
صلّ على أمّنا حوّاء المطهرة من الرجس المصفّاة
رحمت فرست بر مادر ما حوا پاکیزه از هر نجس صاف کرده

مِنَ الْبَدَنِ الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْاِنْسِ الْمُتَرَدَّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ

از هر جزی که زیادتی داده شده از آدمی آمد و شد کننده در میان جاهای

الْقُدْسِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى هَابِيلَ وَشِيثٍ وَ

پاکیزگی بارخدایا رحمت فرست بر هابیل و شیث و

اِدْرِيسَ وَنُوحٍ وَهُودٍ وَصَالِحٍ وَاِبْرٰهِيمَ وَ

ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و

اِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْاَسْبَاطِ

اسمعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و اسباط

وَلُوطٍ وَشُعَيْبٍ وَاَيُّوبَ وَمُوسٰى وَهٰرُونَ وَيُوشَعَ

و لوط و شعیب و ایوب و موسی و هرون و یوشع

وَمِيشَا وَالْخِضْرِ وَذِي الْقَرْنَيْنِ وَيُونُسَ وَاِلْيَاسَ

و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس و الیاس

وَالْيَسَعَ وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ وَ

و الیسع و ذا الکفل و طالوت و داود و

سُلَيْمٰنَ وَزَكَرِيَّا وَشَعْيَا وَيَحْيٰى وَتُورَخَ وَمَتّٰى

سلیمان و زکریا و شعیا و یحیی و تورخ و متا

وارميا

وَاَرْمِيَا وَحَيْقُوقَ وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرٍ وَعِيسٰى وَشَمْعُونَ

و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون

وَجِرْجِيسَ وَالْحَوَارِيِّينَ وَالْاَتْبَاعِ وَخَالِدٍ وَحَنْظَلَةَ

و جرجیس و حواریین و اتباع و خالد و حنظله

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا

بارخدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد

وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ

و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی

وَبَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده بزرگی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ وَالْاَوْصِيَاءِ وَ

بارخدایا رحمت فرست بر پیغمبران و اوصیا و

السُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَاَئِمَّةِ الْهُدٰى اَللّٰهُمَّ

نیکبختان و گواهان و پیشوایان هدایت بارخدایا

صَلِّ عَلَى الْاَبْدَالِ وَالْاَوْتَادِ وَالسُّيَّاحِ وَ

رحمت فرست بر ابدال و اوتاد و روندگان و

العباد والمخلصين والزهاد واهل الجد و
عبادت کنندگان و مخلصان و زهاد و اهل سعی و
الاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل
کوشش و مخصوص گردان محمد و اهل بیت او بهترین
صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه
رحمتهای تو و وافر کن نوازشهای تو و برسان روح او را
وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا
و بدن او را از من درودی و سلامی و بیفزا او را فضیلت و شرف
وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف
و کرم تا برسانی او را بلندترین مرتبهای اهل شرف
من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين
از پیغمبران و فرستادگان و صاحبان فضل که مقرب‌اند
اللهم وصل على من سميت ومن لم اسم من
خداوندا و رحمت فرست بر آنکه نام بردم و آنکه نام نبردم از
ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك
فرشتگان تو و پیغمبران تو و رسولان تو و سزاوار فرمانبرداری تو

واوصل

واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم
و برسان درودهای مرا بسوی ایشان و بسوی ارواح ایشان و بگردان ایشان را
اخواني فيك واعواني على دعائك اللهم اني
برادران من در راه تو و یاوران من بر دعای خود خداوندا بدرستی که من
استشفع بك اليك وبكرمك الى كرمك
شفاعت میکنم بتو بسوی تو و بکرم تو بسوی کرم تو
وبجودك الى جودك وبرحمتك الى رحمتك
و ببخشش تو بسوی بخشش تو و برحمت تو بسوی رحمت تو
وباهل طاعتك اليك واسئلك اللهم
و باهل طاعت تو بسوی تو و سؤال میکنم ترا خداوندا
بكل ما سئلك به احد منهم من مسئلة
بهر آنچه سؤال کردند ترا با او احدی از ایشان از سؤالهای
شريفة غير مردودة وبما دعوك به من دعوة
با رفعت که نباشد بازگردیده و بآنچه خواندند ترا بآن از دعاهای
مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم
اجابت کرده نه نا امید ای خدا ای بخشنده ای مهربان

يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل

اى بردبار اى بزرگوار اى بزرگ اى بزرگوار اعطا كننده اى نيكو

يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير

اى ضامن اى كارگذار اى در گذرنده اى زنهار دهنده اى آگاه

يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا مجيل يا كبير

اى روشن كننده اى هلاك كننده اى برآرنده اى دولت دهنده اى بزرگ

يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر

اى توانا اى بينا اى جزا دهنده اى نيكوكار اى پاك اى پاكيزه كننده

يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ

اى هويدا اى پنهان اى پوشنده اى حافظ كننده اى توانا اى نگهبان

يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد

اى بزرگوار اى نزديك اى دوست اى ستوده اى بزرگوار

يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل

اى ابتدا كننده اى باز گرداننده اى گواه اى نيكوكار اى نيكو

يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي

اى نعمت دهنده اى بخشنده اى گيرنده اى گشاينده اى راهنما

يا مرسل

يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع

اى فرستنده اى رهنما اى آرزو دهنده اى عطا كننده اى بازدارنده

يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا رزاق يا خلاق

اى دفع كننده اى بلند كننده اى پاينده اى نگاه كننده اى روزى دهنده اى آفريننده

يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح

اى بخشنده اى توبه پذيرنده اى گشاينده اى سود بخش اى رحمت بخش

يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤوف

اى آنكه بدست اوست هر كليدى اى سود بخش اى مهربان

يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي

اى مهربان اى كفايت دهنده اى شفا دهنده اى عافيت بخشنده اى كفايت دهنده

يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر

اى وفا كننده اى نگهبان اى غالب اى كارروا اى بزرگوار

يا سلام يا مؤمن يا أحد يا صمد يا نور يا مدبر

اى سالم اى ايمن كننده اى يگانه اى پناه نيازمندان اى هويدا اى تدبير كننده

يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث

اى تنها اى يكتا اى منزه اى مددكار اى مونس اى برانگيزنده

یا وارث یا عالم یا حاکم یا بادی یا متعالی یا مصوّر

ای میراث برنده ای دانا ای داور دادار ای آفریدگار ای بلند قدر ای صورت دهنده

یا مسلّم یا متحبّب یا قائم یا دائم یا علیم یا حکیم

ای تسلیم کننده ای دوستی نماینده ای برپا دارنده ای موجود ای دانا ای درست کردار

یا جواد یا باری یا بارّ یا سارّ یا عدل یا فاصل

ای بخشنده ای آفریننده ای نیکوکار ای خشنود کننده ای عادل ای بخشنده

یا دیّان یا حنّان یا منّان یا سمیع یا بدیع

ای جزا دهنده ای مهربان ای بخشاینده ای شنوا ای نو پدید آورنده

یا خفیر یا معین یا ناشر یا غافر یا قدیم یا مسهّل

ای مهربان ای یاری کننده ای برانگیزاننده ای آمرزنده ای دیرینه ای هموار کننده

یا میسّر یا ممیت یا محیی یا نافع یا رازق یا مقتدر

ای آسان کننده ای میراننده ای زنده کننده ای سود دهنده ای روزی دهنده ای مقتدر کننده

یا مسبّب یا مغیث یا مغنی یا مقنی یا خالق

ای سبب سازنده ای فریادرس ای بی‌نیاز ای ای آفریننده

یا راصد یا واحد یا حاضر یا جابر یا حافظ یا شدید

ای نگهدارنده ای یگانه ای حاضر ای شکسته بند ای نگهدارنده ای توانا

یا غیاث یا عائذ یا قابض یا منیب یا مبین یا طاهر

ای فریادرس ای رجوع نماینده ای گیرنده ای بازگرداننده ای هویدا ای پاک

یا مجیب یا متفضّل یا مستجیب یا عادل یا ناصر

ای اجابت کننده ای بخشنده ای مستجاب کننده ای عادل ای مددکار

یا مؤمّل یا مسدی یا آواب یا وافی یا راشد

ای خواهنده ای بازگردنده ای وفا کننده ای راهنما

یا ملک یا ربّ یا مذلّ یا معزّ یا ماجد یا رازق

ای پادشاه ای پروردگار ای خوار کننده ای ارجمند سازنده ای بزرگوار ای روزی دهنده

یا ولیّ یا فاضل یا سبحان یا من علا فاستعلی

ای دوست ای بخشنده ای منزه ای آنکه بلند است پس بلند است

فکان بالمنظر الأعلی یا من قرب فدنی

پس هست در دیدنگاه بلند ای آنکه نزدیک است پس نزدیک

و بعد فنائ و علم السرّ و اخفی یا من الیه التدبیر

و دور است پس دور و داند آشکارا و نهان را ای آنکه بسوی اوست تدبیر

و له المقادیر یا من العسیر علیه سهل یسیر

و مراوراست اندازه‌ها ای آنکه هر دشواری بر او سهل و آسان است

ويا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح

و ای آنکه او بر هر چه خواهد تواناست ای فرستنده بادها

يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود

ای شکافنده عمود صبح ای برانگیزاننده روحها ای خداوند بخشش

والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا

و ای برگرداننده آنچه که فوت شده ای برانگیزاننده مردگان ای

جامع الشتات يا رازق من يشاء بغير حساب

فراهم آورنده پراکنده‌ها ای روزی دهنده هر که خواهی بی شمار

ويا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال و

و ای کننده آنچه خواهد چگونه خواهد ای خداوند بزرگوار و

الاكرام يا حي يا قيوم يا حيا حين لا حي يا حي

کرامی ای زنده ای پاینده ای زنده هنگامی که نیست زنده ای زنده

يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت يا بديع

ای زنده کننده مردگان ای زنده نیست خدائی مگر تو ای نو پدید آورنده

السموات والارض يا الهي وسيدي صل على

آسمانها و زمین ای خدای من و سید من رحمت فرست بر

محمد

محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك

محمد و آل محمد و رحم کن محمد و آل محمد را و برکت ده

على محمد وآل محمد كما صليت وباركت و

بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی و

رحمت وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم

رحم کردی و ترحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم

انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري

بدرستی که تو ستوده بزرگواری و رحم کن خواری مرا و حاجت مرا و فقر مرا

وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك

و تنهائی مرا و یگانگی مرا و فروتنی مرا در پیش تو

واعتمادي عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء

و اعتماد مرا بر تو و زاری مرا بسوی تو میخوانم ترا مانند خواندن

الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس

فروتنی کننده خوار با خشوع ترسان بیمناک بدحال

المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير

خوار بیمقدار گرسنه محتاج پناه آورنده زنهار جوینده

المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه

اقرار دارنده بگناه او آمرزش خواهنده از او نشستگی کننده مر پروردگار خود

دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته و

دعای آنکه واگذاشته او را اعتماد او و واگذاشته او دوستان او و

عظمت فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين

بزرگ شده دردا او دعای سوخته اندوهناک ناتوان خوار

بائس مسكين بك مستجير اللهم واسئلك

بد حال محتاج بتو زنهار جوینده بار خدایا و سؤال میکنم ترا

بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكن

بآنکه تو پادشاهی و آنکه تو آنچه خواهی از امری میشود

وانك على ما تشاء قدير واسئلك بحرمة هذا

و آنکه تو بر آنچه خواهی توانائی و سؤال میکنم ترا بحرمت این

الشهر الحرام والبيت الحرام والركن والمقام

ماه حرام و خانه محترم و رکن و مقام

والمشاعر العظام وبحق نبيك محمد عليه وآله السلام

و جاهای عبادت و بحق پیغمبر تو محمد بر او و آل او باد سلام

یامن

يا من وهب لآدم شيثا ولابرهيم اسمعيل

ای آنکه بخشید مر آدم را شیث و ابراهیم اسمعیل

واسحق يا من رد يوسف على يعقوب ويا من

و اسحق را ای آنکه رد کرد دهنده یوسف را بر یعقوب و ای آنکه

كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى

زایل کرد بعد از بلا ضرر ایوب ای باز گرداننده موسی

على امه يا زائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود

بر مادرش ای افزاینده خضر در دانش او و ای آنکه بخشید مر داود را

سليمن ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ

سلیمان و بزکریا یحیی را و بمریم عیسی ای نگهدارنده

بنت شعيب ويا كافل ولد ام موسى اسألك

دختر شعیب و ای پرورنده فرزند مادر موسی سؤال میکنم ترا

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي

آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرزی مرا

ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي

گناهان مرا همه او و زنهار دهی مرا از عذاب خود و واجب گردانی برای من

رِضوانَكَ وَاَمانَكَ وَاِحسانَكَ وَغُفرانَكَ وَجِنانَكَ

خشنودی خود را و ایمنی خود را و احسان خود را و آمرزش خود را و بهشتهای خود را

وَاَسئَلُكَ اَن تَفُكَّ عَنّی كُلَّ حَلقَةٍ بَینی

و سؤال میکنم ترا اینکه بر داری از من هر حلقه‌ای که باشد میان من

وَبَینَ مَن یُؤذینی وَتَفتَحَ لی كُلَّ بابٍ وَتُلَیِّنَ لی

و میان آنکه برنجاند مرا و بگشائی برای من هر دری و نرم سازی برای من

كُلَّ صَعبٍ وَتُسَهِّلَ لی كُلَّ عَسیرٍ وَتُخرِسَ عَنّی كُلَّ

هر مشکل را و هموار کنی برای من هر دشواری را و گنگ سازی از من هر

ناطِقٍ بِسوءٍ وَتَكُفَّ عَنّی كُلَّ باغٍ وَتَكبِتَ لی كُلَّ

سخن گوئی را به بدی و باز داری از من هر ستم کننده و خوار سازی برای من

عَدُوٍّ لی وَحاسِدٍ وَتَمنَعَ مِنّی كُلَّ ظالِمٍ وَتَكفِیَنی كُلَّ

دشمنی که مراست و بدخواهی و باز داری از من هر ستم کننده و کفایت کنی از من

عائِقٍ یَحولُ بَینی وَبَینَ وَلَدی وَیُحاوِلُ اَن یُفَرِّقَ

مانعی که حایل شود میان من و میان فرزند من و حایل شود که جدائی اندازد

بَینی وَبَینَ طاعَتِكَ وَیُثَبِّطَنی عَن عِبادَتِكَ یا مَن

میان من و میان فرمانبرداری تو و مشغول سازد مرا از عبادت تو ای آنکه

الجم

اَلجَمَ الجِنَّ المُتَمَرِّدینَ وَقَهَرَ عُتاةَ الشَّیاطینِ وَ

لجام نمود دیوان سرکش را و قهر کرده تجاوز کنندگان دیوان را و

اَذَلَّ رِقابَ المُتَجَبِّرینَ وَرَدَّ كَیدَ المُتَسَلِّطینَ

خوار کرده گردنهای بزرگی کنندگان و برگردانید مکر دست یابندگان را

عَنِ المُستَضعَفینَ اَسئَلُكَ بِقُدرَتِكَ عَلی ما تَشاءُ

از ناتوانان سؤال میکنم ترا بتوانائی تو بر آنچه خواهی

وَتَسهیلِكَ لِما تَشاءُ كَیفَ تَشاءُ اَن تَجعَلَ قَضاءَ

و آسان کردن تو مر آنچه خواهی چگونه خواهی اینکه بگردانی روا کردن

حاجَتی فیما تَشاءُ [illegible] اَللّهُمَّ لَكَ

حاجت مرا در آنچه خواهی بار خدایا مر ترا

سَجَدتُ وَبِكَ آمَنتُ فَارحَم ذُلّی وَفاقَتی وَ

سجده کردم و بتو گرویدم پس رحم کن خواری مرا و احتیاج مرا و

اجتِهادی وَتَضَرُّعی وَمَسكَنَتی وَفَقری

کوشش مرا و زاری مرا و درویشی مرا و احتیاج مرا

اِلَیكَ یا رَبِّ و در روایت دیگر وارد شده است که این دعا را در سجده بخوانند اَللّهُمَّ لَكَ

بسوی تو ای پروردگار بار خدایا مر ترا

[illegible]

سجدت وبك امنت فارحم ذلي وخضوعي بين يديك

سجده کردم و بتو تصدیق نمودم پس رحم کن خواری مرا و فروتنی مرا در پیش تو

وفقري وفاقتي اليك وارحم انفرادي وخشوعي

و تنگدستی مرا و احتیاج مرا بسوی تو و رحم کن تنهائی مرا و فروتنی مرا

واجتهادي بين يديك وتوكلي عليك اللهم

و کوشش مرا در پیش تو و توکل مرا بر تو بار خدایا

بك استفتح وبك استنجح وبمحمد عبدك ورسولك

بتو طلب گشایش میکنم و بتو طلب پیروزی میکنم و بوسیله محمد بنده تو و رسول تو

واله اتوجه اليك اللهم سهل لي كل حزونة

و آل او رو می آورم بسوی تو بار خدایا هموار کن برای من هر ناهمواری

وذلل لي كل صعوبة واعطني من الخير اكثر مما

و آسان کن برای من هر مشکل را و عطا کن مرا از نیکی بیشتر از آنچه

ارجو وعافني من الشر واصرف عني السوء [illegible]

امیدوارم و عافیت بخش مرا از بدی و بگردان از من بدی

صد مرتبه در سجده بگوید یا قاضي حوائج الطالبين اقض حاجتي

ای برآورنده حاجتهای طلب کنندگان برآور حاجت مرا

بلطفك

بلطفك يا خفي الالطاف

وكان من دعائه عليه السلام اذا نظر الى الهلال

بلطف خود ای آنکه پنهانست لطفها

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

ايها الخلق المطيع الدائب السريع المتردد في

ای آفریده شده فرمانبردار رنج کشیده شتابنده تردد کننده در

منازل التقدير المتصرف في فلك التدبير

منزلهای تقدیر تصرف کننده در فلک تدبیر

امنت بمن نور بك الظلم واوضح بك البهم

گرویدم بآنکه منور ساخت بتو تاریکیها را و واضح کرد بتو پوشیدهها را

وجعلك اية من ايات ملكه وعلامة من علامات

و گردانید ترا نشانه از نشانهای پادشاهی او و علامتی از علامتهای

سلطانه وامتهنك بالزيادة والنقصان

سلطنت خود و خوار کرد ترا به زیاده شدن و کم شدن

والطلوع والافول والانارة والكسوف

و بر آمدن و فرو رفتن و نورانی شدن و سیاه شدن

في كل ذلك انت له مطيع والى ارادته سريع

در همهٔ این تو مر او را فرمان برداری و بسوی خواهش او شتابنده

سبحانه ما اعجب ما دبر في امرك والطف ما

پاکا او چه عجیب آنچه تدبیر کرده در امر تو و چه لطیف آنچه

صنع في شانك جعلك مفتاح شهر حادث

کرده در کار تو کرده است ترا کلید ماه تازه

لامر حادث فاسال الله ربي وربك وخالقي

از برای کار تازه پس مطلبم از خدا پروردگار من و پروردگار تو و آفریننده من

وخالقك ومقدري ومقدرك ومصوري

و آفریننده تو و اندازه کننده من و اندازه کننده تو و نگارنده من

ومصورك ان يصلي على محمد وآله وان يجعلك

و نگارنده تو که رحمت فرستد بر محمد و آل او و بگرداند ترا

هلال بركة لا تمحقها الايام وطهارة لا تدنسها

هلال برکتی که نیست نکند آنرا روزها و پاکیزگی که چرکین نسازد آنرا

الآثام هلال امن من الآفات وسلامة

گناهان هلال ایمنی از آفتها و سلامتی

من

من السيئات هلال سعد لا نحس فيه و

از بدیها هلال سعدی که نحس در او نباشد و

يمن لا نكد معه ويسر لا يمازجه عسر وخير

میمنتی که سختی نباشد با او و آسانی که با او آمیزد دشواری و نیکی

لا يشوبه شر هلال امن وايمان ونعمة و

که آمیخته نشود با او بدی هلال ایمنی و ایمانی و نعمتی و

احسان وسلامة واسلام اللهم صل على

احسانی و سلامتی و اسلام بار خدایا رحمت فرست بر

محمد وآله واجعلنا من ارضى من طلع

محمد و آل او و بگردان ما را از خشنودترین آنکه طلوع کرده است

عليه وازكى من نظر اليه واسعد من تعبد

بر او و پاکیزه‌تر آنکه نظر کرده است بر او و نیکبخت‌تر آنکه پرستش نموده

لك فيه ووفقنا فيه للتوبة واعصمنا فيه

مر ترا در آن و توفیق ده ما را در این ماه مر توبه و نگاهدار ما را در آن

من الحوبة واحفظنا فيه من مباشرة معصيتك

از گناه و نگاهدار ما را در آن از مباشرت کردن نافرمانی تو

واوزعنا فيه شكر نعمتك والبسنا فيه

ودر دل انداز ما را در آن شکر نعمت تو و بپوشان ما را در آن

جنن العافية واتمم علينا باستكمال طاعتك

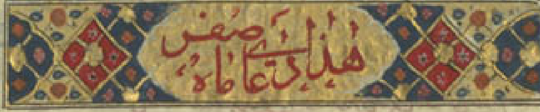
پردهای عافیت و تمام کن بر ما سبب کامل ساختن فرمانبرداری

فيه المنة انك المنان الحميد وصلى الله

در آن نعمت را بدرستی که تو نعمت دهنده ستوده و رحمت فرستد خدا

على محمد وآله الطيبين الطاهرين

بر محمد و آل او که پاکان و پاکیزگانند



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم لك الحمد شكرا ولك المن تفضلا

خداوندا مر تراست حمد شکرگذاری و مر تراست منت زیادتی بخشش

انا عبدك رقا وانت لذلك اهل استودعك

منم بنده تو آزاد و تو مر این سزاواری امانت میگذارم بتو

نفسي وديني ودنياي وآخرتي وخواتيم عمري

جان خود و دین خود و دنیای خود و آخرت خود و خاتمه عمر خود

وعملي واستودعك عرضي وعزتي في خلقك

و کردار خود و بامانت میگذارم ناموس خود و عزت خود در خلق خود

من فضلك واستودعك جميع امة محمد

از فضل تو و بامانت میگذارم بتو همه امت محمد

صلى الله عليه وآله شدة حولك وبطشك

رحمت فرستد خدا براو و آل او سختی غضب تو و فضل تو

وقوتك فان مستودعك مصان وحكمك

و توانائی تو پس امانت شده نزد تو محفوظ است و فرمان تو

نافذ وقضاءك غالب يا احكم الحاكمين ويا اسرع

جاریست و حکم تو غالبست ای حکم کننده ترین حکم کنندگان و ای شتابنده

الحاسبين يا اكرم مامول ويا اجود مسؤول

حساب کنندگان ای گرامی ترین امیدواران و ای بخشنده ترین سوال کنند

يا حي يا قيوم يا حنان يا منان يا الله يا احد

ای زنده ای پاینده ای مهربان ای منت نهنده ای خدا ای یگانه

يا صمد يا فرد يا وتر يا من لم يلد ولم يولد ولم

اى بى‌نياز اى تنها اى يگانه اى آنكه نزاده و نزاده شده و

يكن له كفوا احد اللهم انى اعوذ بك من

نباشد مر او را مانندى هيچكس خداوندا بدرستى كه من پناه ميبرم بتو از

شرور هذا الشهر ومن كل شدة وبلية

بدى اين ماه و از هر سختى و بلائى

التى ما قدرت فيه اللهم ما قدرت لى فيه

كه اندازه كردى در آن خداوندا آنچه مقدر كرده براى من در آن

فاجعل عاقبته رشدا يا دهير يا دهور يا ديهار

پس بگردان عاقبتش را سرافرازى الموجد دهر اى آفريننده روزگار

يا ازل يا ابد يا كائن يا كينون يا كينان يا

اى بى ابتدا اى بى انتها اى بوده اى بوده شده اى بوده اى

مبدئ يا معيد انت تفعل ما تريد اللهم

ابتدا كننده اعاده نماينده آنچه ميكنى آنچه خواهى خداوندا

احرس بعينك نفسى واهلى ومالى واخوانى وذريتى

نگاهبانى كن بچشم خود جان من و اهل من و مال من و برادرانم و ذريتم

ودنياى واخرتى وخواتيم عملى التى ابتليتنى

و دنياى من و آخرت من و خاتمه كردار من كه مبتلا كردى مرا

بصحبتها بحرمة الاخيار الابرار برحمتك يا ارحم

بصحبت او بحرمت نيكان برگزيدگان برحمت تو اى رحم‌تر

الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد واله

رحيمان و رحمت فرستد خدا بر آقاى ما محمد و آل او

جليل القدر [illegible] — اجمعين — بخوانند هر صبح [illegible]

همه ايشان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشاينده مهربان

سبحان الله ملاء الميزان ومنتهى العلم ومبلغ

پاكست خدا پرى ترازو و منتهاى دانش و رساننده

الرضا وزنة العرش وسعة الكرسى لا

خشنودى و وزن عرش و فراخى كرسى نيست

ملجا ولا منجا من الله الا اليه سبحان الله

پناهى و نه رستگارى از خدا مگر بسوى او پاكست خدا

عدد الشفع والوتر وعدد كلماتك التامات

بشماره شفع و وتر و شماره كلمهاى تمام او

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وهو

نيست بازى و نه توانائى مگر بخداى بلند مرتبه بزرگ واو

حسبي ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير

بس است مرا و نيكو كارسازيست نيكو يارى و نيكو مددگار است

وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين

و رحمت فرستد خدا بر بهترين آفريدگان او محمد وآل او همه

الطيبين الطاهرين برحمتك يا ارحم الراحمين

كه پاكان پاكيزگانند برحمت تو اى رحيمتر از رحيمان

پس ده مرتبه صلوات بفرستد پس بگويد

يا فارج كرب ذي النون يا جامع

اى گشاينده اندوه خداوند ماهى اى فراهم آورنده

شمل يعقوب يا كاشف ضر ايوب يا غافر ذنب

شمل يعقوب اى ظاهر كننده گزند ايوب اى آمرزنده گناه

داود يا سامع دعوة موسى وهرون يا رحمن

داود اى شنونده دعاى موسى و هارون اى بخشاينده

الدنيا

الدنيا والآخرة ورحيمهما صل وسلم

دنيا و آخرت و مهربانى آنها درود فرست و رحمت فرست

عليهم وعلى جميع الانبياء والمرسلين واقض

بر ايشان و بر همه پيغمبران و فرستادگان و برآور

حاجاتي في الدنيا والآخرة برحمتك يا ارحم

حاجتهاى مرا در دنيا و آخرت برحمت تو اى رحيمتر از

بعد از اين دعا را

الراحمين

رحيمان

بخوانند هر نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشاينده مهربان

اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم ان

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد خداوندا بدرستى كه

رسولك الصادق المصدق وصلواتك عليه

فرستاده تو كه راست گوست باورداشته كه رحمتهاى تو براو

وآله فاكانك قلت ما ترددت في شيء انا

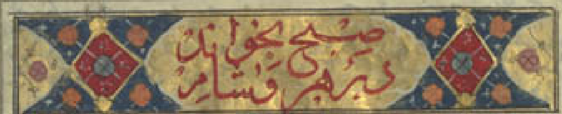
وآل او باد گفت بدرستى كه تو گفته باز نمى گردانم در چيزى كه من

فاعله كترددي في قبض روح عبدي المؤمن
کننده آنم مانند بازگرداننده من در گرفتن جان بنده من گرویده
يكره الموت وانا اكره مساءته اللهم فصل
کراهیت میدارد مرگ را و من ناخوش میدارم بدی او را خدایا پس رحمت بفرست
على محمد وآل محمد وعجل لوليك الفرج
بر محمد و آل محمد و شتاب کن مر دوست خود را گشایش
والعافية والنصر ولا تسوءني في نفسي ولا
و عافیت و یاری و بد مدار در نفس من و نه
في احد من احبتي
در باره احدی از دوستان من

ابتدا عبادة شب جمعه هفت مرتبه بخواند

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
يا دائم الفضل على البرية يا باسط اليدين
ای همیشه تفضل کننده بر خلایق ای گشاینده دستها را
بالعطية يا صاحب المواهب السنية
بعطاها ای صاحب بخششهای بزرگ

صل على محمد وآله خير الورى سجية
رحمت فرست بر محمد و آل او بهترین خلایق
واغفر لنا يا ذا العلى في هذه العشية
و بیامرز مارا ای خداوند بلند مرتبه درین زندگانی
وادفع عنا الآفات والعاهات والبلية
و دفع کن از ما آفتها و سختیها و بلاها



بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض
بنام خدا بهترین نامها بنام خدا پروردگار زمین
والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
و آسمان بنام خدا که ضرر نرساند با نام او
سم ولا داء بسم الله اصبحت وعلى الله توكلت
کشنده و نه دردی بنام خدا صبح کردم و بر خدا توکل کردم

بسم الله على قلبي ونفسي بسم الله على ديني و

بنام خدا بر دل من و جان من بنام خدا بر دین من و

عقلي بسم الله على اهلي ومالي بسم الله على

عقل من بنام خدا بر اهل من و مال من بنام خدا بر

ما اعطاني ربي بسم الله الذي لا يضر مع اسمه

آنچه عطا کرده مرا پروردگار من بنام خدا که ضرر نرساند با اسم

شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم

چیزی در زمین و نه در آسمان و اوست شنوای دانا

الله الله ربي حقا لا اشرك به شيئا

خداست پروردگار من براستی شرک نیاورم باو چیزی

الله اكبر الله اكبر الله اعز واجل مما

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا غالب و بزرگوارتر است از آنچه

اخاف واحذر عز جارك وجل ثناؤك

بترسم و حذر نمایم غالبست همسایه تو و بزرگست ستودن تو

وتقدست اسماؤك ولا اله غيرك اللهم اني

و پاکیزه است نامهای تو و نیست خدائی غیر تو خدایا بدرستی که من

اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل سلطان

پناه میبرم بتو از شر نفس من و از شر هر سلطان

شديد ومن شر كل شيطان مريد ومن شر

سختی و از شر هر دیو رانده شده و از شر

كل جبار عنيد ومن شر قضاء السوء و

هر ستیزه گردنکش و از شر حکم بدی و

من شر كل دابة انت آخذ بناصيتها انك

از شر هر جنبنده تو فراگیرنده موی پیش سر او که تو

على صراط مستقيم وانت على كل شيء حفيظ

بر راه راستی و تو بر هر چیزی نگهبانی

ان وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى

بدرستی که دوست من خداییست که فرستاد کتاب را و او یاری دهد

الصالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا

شایستگان را . پس اگر روگردانند پس بگو بس است مرا خدا نیست

اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم

خدائی مگر او براو توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

پس زود کفایت کند ایشان را خدا و اوست شنوای دانا

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و نیست باری و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ قدر

ایضا ابتدعا بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَى اللّٰهِ وَ

را بخواند بنام خدا و بخدا و از خدا و بسوی خدا و

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

در راه خدا و بر ملت رسول خدا رحمت فرستد خدا

عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ

بر او و آل او خداوندا بسوی تو اسلام آوردم جود را و

اِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَاِلَيْكَ فَوَّضْتُ اَمْرِي

بسوی تو برد آوردم روی خود را و بسوی تو باز میگذارم کار خود را

وَاِلَيْكَ اَلْجَاْتُ ظَهْرِي فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْاِيمَانِ

و بسوی تو پناه آوردم پشت خود را پس نگاه دار مرا بنگاه داشتن ایمان

مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي

پیش از من و پس از من و از جانب راست من و از جانب چپ من

وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمَا قِبَلِي وَادْفَعْ عَنِّي

و از بالای من و از زیر من و از پیش من و دفع کن از من

كُلَّ مَكْرُوهٍ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ

هر ناخوشی بیاری خود و توانائی خود پس بدرستی که نیست یاری

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ایضا ابتدعا

و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ قدر را بخواند

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَلَيْكَ

خداوندا توئی پروردگار من نیست خدائی مگر تو بر تو

تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا حَوْلَ

توکل کردم و توئی پروردگار عرش بزرگ نیست یاری

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللّٰهُ

و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ قدر آنچه خواهد خدا

كَانَ وَمَا لَمْ يَشَاْ لَمْ يَكُنْ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ

بشود و آنچه نخواهد نشود میدانم که خدا

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ

بر هر چیزی تواناست و آنکه خدا بحقیق فراگرفته

بكل شيء علما اللهم إني أعوذ بك من شر نفسي

بهر چیزی دانا خداوندا بدرستی که من پناه میبرم از شر نفس خود

ومن شر كل دابة أنت آخذ بناصيتها

و از شر هر جنبنده تو فرا گیرنده موی پیش سر او را

إنك على صراط مستقيم سه مرتبه فسبحان الله

بدرستی که تو بر راه راستی بگوید پس پاکا خدا

حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في

هنگامی که شام میکنید و هنگامی صبح میکنید و مر او راست حمد در

السموات والأرض وعشيا وحين تظهرون

آسمانها و زمین و نماز عشا و هنگامی که پیشین کنید

ایضا لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم بگوید

منت باری و توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ قدر

توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي

توکل کردم بر زنده که نمیرد و حمد مر خدا را که

لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك

فرا نگرفته فرزندی و نباشد مر او را شریکی در پادشاهی

ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا

و نباشد مر او را دوستی از خواری و بزرگی یاد کن او را بزرگی یاد کردنی

بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظيم وبحمده أستغفر

پاک است خدای بزرگ و بحمد او مشغولم طلب آمرزش میکنم

الله وأسئله من فضله ایضا هر صبح و شام بگوید

از خدا و طلب میکنم او را از فضل او

تحصنت بذي الملك والملكوت واعتصمت

بحصار امن در آمدم بخداوند پادشاهی و پادشاه آن و چنگ در زدم

بذي العزة والجود والجبروت توكلت على

بخداوند غلبه و بخشش و بزرگواری توکل کردم بر

الحي الذي لا يموت دخلت في حفظ الله وفي

زنده که نمیرد در آمدم در حفظ خدا و در

حرز الله وفي أمان الله من شر البرية أجمعين

نگهبانی خدا و در امان خدا از گزند مردمان همه

كهيعص حمعسق ولا حول ولا قوة إلا بالله

کهیعص حمعسق و نیست باری و توانائی مگر بخدای

العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله

بلند مرتبه بزرگ قدر و رحمت فرستد خدا بر بهترین آفریدگان او محمد و آل او

الطاهرين بعد از هر سبحان الله كلما

که پاکانند نماز بگوید پاکست خدا هر آنچه

سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح وكما

تسبیح گوید خدا را چیزی و چنانکه دوست دارد خدا که تسبیح کرده شود و چنانچه

هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله

او سزاوار اوست و چنانچه سزاوار است مر بزرگواری ذات او و غلبه جلال او

والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله

و سپاس مر خدا را هر گاه سپاس کرده خدا را چیزی و چنانچه دوست دارد خدا

ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه

که سپاس کرده شود و همچنین او سزاوار است و چنانچه سزاوار است مر بزرگی ذات او

وعز جلاله ولا اله الا الله كلما هلل الله شيء

و غلبه جلال خود و نیست خدائی مگر خدا هر گاه تهلیل کرده خدا را چیزی

وكما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما

و همچنانکه دوست دارد خدا که تهلیل کرده شود و چنانچه او سزاوار است و چنانکه

ينبغي

ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والله اكبر

سزاوار است مر بزرگواری ذات او و غلبه جلال او و خدا بزرگتر است

كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر و

هر آنچه بزرگ شمرده خدا چیزی و چنانکه دوست دارد خدا که بزرگ شمرده شود و

كما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله

همچنانکه او سزاوار اوست و چنانکه سزاوار است مر بزرگواری او و غلبه جلال او

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله

پاکست خدا و سپاس مر خدا را و نیست خدائی مگر خدا و خدا

اكبر على عدد كل نعمة انعمها علي وعلى كل

بزرگتر است بر شماره هر نعمتی که انعام کرده بر من و بر هر

احد من خلقه ممن كان او يكون الى يوم القيمة

احدی از خلق او از آنکه بود یا میباشد تا روز رستخیز

اللهم صل على محمد وآل محمد واسئلك

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم ترا

من خير ما ارجو ومن خير ما لا ارجو واعوذ

از بهتر آنچه امید دارم و از بهتر آنچه امید ندارم و پناه میبرم

بكَ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا اَحْذَرُ
بتو از شر آنچه میترسم واز شر آنچه نمیترسم
بعد از نماز پیشین بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ
نیست خدائی مگر خدای یگانه وماهم اورا
مُسْلِمُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ
گردن نهادگانیم نیست خدائی مگر خدا خدای یگانه وماهم اورا
مُخْلِصُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ
مخلصانیم نیست خدائی مگر خدا خدای یگانه وماهم اورا
عَابِدُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ
پرستندگانیم نیست خدائی مگر خدا نمیپرستیم مگر اورا
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
خالص کننده مر اورا دین واگر کاره اند مشرکان
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْاَوَّلِينَ
نیست خدائی مگر خدا پروردگار ما وپروردگار پدرهای ما پیشینان
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ
نیست خدائی مگر خدای یگانه یگانه وفا کرده وعده خودرا ویاری کرد

عبده

عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ
بنده خودرا وغالب کرد لشکر خودرا وپراکنده کرد لشکرها را یگانه
فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي
پس مراورا است پادشاهی ومراورا است حمد زنده میکند ومیمیراند ومیمیراند وزنده میکند
وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ
واو زنده است که نمیمیرد بدست اوست نیکی واو بر هر
شَيْءٍ قَدِيرٌ اَيْضًا بعد از نماز پیشین اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ
چیزی توانا است بگوید بعد از نماز عصر آمرزش میخواهم از خدا که نیست خدائی
اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
مگر او زنده پاینده خداوند بزرگوار وگرامی
وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اَيْضًا اللّٰهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ
وبازگشت میکنم بسوی او بگوید بعد از نماز عصر راه نما مرا از نزد خود
وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ
وبریز برمن از فضل خود وپهن کن برمن از رحمت خود
وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا
وفرو فرست برمن از برکتهای خود منزهی تو نیست خدائی مگر

أنت اغفر لي ذنوبي كلها جميعا فإنه لا يغفر الذنوب

تو بیامرز مرا گناهان من همه او همه را که بنامرزد گناه را

إلا أنت اللهم إني أسألك من كل خير أحاط

مگر تو خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا از هر نیکی که فرا گرفته

به علمك وأعوذ بك من كل شر أحاط به

بآن دانش تو و پناه میبرم بتو از هر بدی که فرا گرفته باو

علمك اللهم إني أسألك عافيتك في أموري

دانش تو خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا عافیت تو در امرهای خود

كلها وأعوذ بك من خزي الدنيا وعذاب

همه او و پناه میبرم بتو از خواری دنیا و عذاب

الآخرة ومن أهوال يوم القيامة وأعوذ بوجهك

آخرت و از شدت روز قیامت و پناه میبرم بذات

الكريم وعزتك التي لا ترام وقدرتك التي لا يمتنع

بزرگوار تو و عزت تو که قصد کرده نشود و قدرت تو که مانع نمیشود

منها شيء من شر الدنيا والآخرة ومن شر

از او چیزی از شر دنیا و آخرت و از شر

الأوجاع كلها ومن شر كل دابة أنت آخذ

دردها همه او و از شر هر جنبنده تو فرا گیرنده

بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم ولا

موی پیش سر او را که پروردگار من بر راه راست است و نیست

حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم توكلت

بازی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ توکل کردم

على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ

بر زنده که نمیمیرد و سپاس مر خدا را که فرا نگرفته

ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له

فرزندی و نباشد مر او را شریکی در پادشاهی و نباشد مر او را

ولي من الذل وكبره تكبيرا لا إله

دوستی از خواری و بزرگی یاد کن او را بزرگی یاد کردنی نیست خدای

إلا الله إن الله وملائكته يصلون على النبي

مگر خدا بدرستی که خدا و فرشتگان او رحمت میفرستند بر پیغمبر

يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما

ای آنانیکه گرویدند دعا کنید بر او و سلام کنید سلام کردنی

لبيك اللهم لبيك وسعديك اللهم صل على

فرمانبردارم مرا خداوندا فرمانبردارم مرا وجوياى سعادتم از تو خداوندا رحمت فرست

محمد وعلى اهل بيت محمد وعلى ذرية محمد

محمد و بر خانواده محمد و بر فرزندان محمد

عليه وعليهم السلام ورحمة الله وبركاته

بر او و بر ايشان باد درود و رحمت خدا و بركتهاى او

اشهد ان التسليم منا لهم والائتمام بهم و

گواهى ميدهيم كه منقاد بودن از ما مر ايشان را و پيروى نمودن ايشان را و

التصديق لهم ربنا آمنا بك وصدقنا رسولك

باور داشتن مر ايشان را پروردگارا گرويديم بتو و باور داشتيم پيغمبر تو را

وسلمنا تسليما ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا

و گردن نهاديم گردن نهادنى پروردگارا گرويديم بآنچه فرستادى و پيروى كرديم

الرسول وآل الرسول فاكتبنا مع الشاهدين

پيغمبر را و آل پيغمبر را پس بنويس ما را با گواهان

اللهم صب الرزق صبا صبا بلاغا للآخرة والدنيا

خداوندا بريز روزى را بريختنى فراوان كه رسا باشد مر آخرت و دنيا

من غير كد ولا نكد ولا من من احد من خلقك

از غير مشقتى و زحمتى و منتى از يكى از خلق تو

الا سعة من رزقك وطيبا من وسعك من

گشادگى از رزق تو و پاكيزگى از وسع تو از

يدك الملأى عفوا لا من يد لئام خلقك

دست تو كه پر و تمام است نه از دست خسيس ترين خلق تو

انك على كل شيء قدير اللهم اجعل النور

بدرستى كه تو بر هر چيزى توانائى خداوندا بگردان نور را

في بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي و

در ديده من و بينائى در دين من و يقين در دل من و

الاخلاص في عملي والسلامة في نفسي والسعة

پاك بودن در كردار من و سلامتى در نفس من و گشادگى

في رزقي وذكرك بالليل والنهار على لساني

در روزى من و ياد تو در شب و روز بر زبانم

والشكر لك ابدا ما ابقيتني اللهم لا تخيبني

و شكر مرا هميشه مادام كه باقى دارى مرا خداوندا نااميد مگردان

حَيثُ نَهيتَني وَبارِك لي فيما اَعطَيتَني وَارحَمني اِذا

هنگامی که بازداری مرا و برکت ده مرا در آنچه عطا کرده مرا و رحم کن مرا هرگاه

تَوَفَّيتَني اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ ايضا يا اَسمَعَ

بگوید

بمیرانی مرا که تو بر هر چیزی توانائی ای شنونده‌ترین

السّامِعينَ وَيا اَبصَرَ النّاظِرينَ وَيا اَسرَعَ

شنوندگان وای بیناتر بینندگان وای شتاب کننده‌تر

الحاسِبينَ وَيا اَحكَمَ الحاكِمينَ وَيا اَرحَمَ

حسابداران وای حکم کننده‌ترین حکم کنندگان وای رحیم‌تر از

الرّاحِمينَ وَيا صَريخَ المُستَصرِخينَ وَيا كاشِفَ

رحیمان وای دادرس دادخواهان وای زایل کننده

كَربِ المَكروبينَ يا مُجيبَ دَعوَةِ المُضطَرّينَ اَنتَ

اندوه اندوهناکان ای اجابت کننده دعای درماندگان توئی

اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ رَبُّ العالَمينَ وَاَنتَ اللهُ

خدا نیست خدائی مگر تو پروردگار جهانیان و توئی خدا

لا اِلهَ اِلّا اَنتَ العَلِيُّ العَظيمُ وَاَنتَ اللهُ لا اِلهَ

نیست خدائی مگر تو بلند مرتبه بزرگ قدر و توئی خدا نیست خدائی

اِلّا اَنتَ الرَّحمنُ الرَّحيمُ وَاَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ

مگر تو بخشاینده مهربان و توئی خدا نیست خدائی مگر تو

مالِكُ يَومِ الدّينِ وَاَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ

پادشاه روز جزا و توئی خدا نیست خدائی مگر تو

مِنكَ بَدؤُ الخَلقِ وَاِلَيكَ يَعودُ وَاَنتَ اللهُ لا

از تو پیدا آورده شد آفرینش و بسوی تست بازگشت و توئی خدا نیست

اِلهَ اِلّا اَنتَ خالِقُ الجَنَّةِ وَالنّارِ وَاَنتَ اللهُ

خدائی مگر تو آفریننده بهشت و دوزخ و توئی خدا

لا اِلهَ اِلّا اَنتَ لَم تَزَل وَلا تَزالُ وَاَنتَ اللهُ لا

نیست خدائی مگر تو همیشه بوده و همیشه خواهد بود و توئی خدا نیست

اِلهَ اِلّا اَنتَ مالِكُ الخَيرِ وَالشَّرِّ وَاَنتَ اللهُ لا

خدائی مگر تو پادشاه نیکی و بدی و توئی خدا نیست

اِلهَ اِلّا اَنتَ الاَحَدُ الصَّمَدُ الَّذي لَم يَلِد وَ

خدائی مگر تو یگانه پناه نیازمندان که نزاده و

لَم يولَد وَلَم يَكُن لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَاَنتَ اللهُ لا اِلهَ

زاده نشده و نباشد مر او را مانند همجنس و توئی خدا نیست خدائی

إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ

که تو دانای نهان و آشکار بخشاینده مهربان

وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ

و تویی خدا نیست خدایی که تو پادشاه پاک از عیبی

السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ

سالم از هر آفتی ایمنی بخشنده بسیار دانا غالب انتقام دهنده تکبر کننده

سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا

پاکست خدا از آنچه شریک او گردند و تویی خدا نیست خدایی که

أَنْتَ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

تو آفریننده پدید آورنده صورت بخش مر او راست نامهای نیکو

يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ

تسبیح گوید مر او را هر که در آسمانها و زمین است و تویی غالب

الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ

درست کردار و تویی خدا نیست خدایی که تو بزرگوار

الْمُتَعَالِ وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

برتر و بزرگواری صفت تست خداوندا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لَا تُغَادِرُ لِي

و آل محمد و بیامرز مرا آمرزشی ثابت پا برجا که وانگذاری برای من

ذَنْبًا وَلَا أَرْتَكِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّمًا وَعَافِنِي مُعَافَاةً

گناهی را و مرتکب نشوم بعد از آن حرامی را و معاف دار مرا چنان معافی که

لَا تَبْتَلِينِي بَعْدَهَا أَبَدًا وَاهْدِنِي هُدًى لَا

گرفتار نکنی مرا پس از او هرگز و راه نما مرا به راهی که

أَضِلُّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي وَانْفَعْنِي

گمراه نشوم پس از آن هرگز و بیاموز مرا آنچه که سود بخشد مرا و سود ده مرا

بِمَا عَلَّمْتَنِي وَاجْعَلْهُ حُجَّةً لِي لَا عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ

به آنچه که آموختی مرا و بگردان آن را سند برای من و روزی کن مرا از

فَضْلِكَ صَبًّا صَبًّا كَفَافًا كَفَافًا وَرَضِّنِي بِهِ

فضل خود بخششی فراوان کفایت کننده کفایت کردنی و خشنود کن مرا به او

يَا رَبَّاهُ وَتُبْ عَلَيَّ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَىٰ

ای پروردگار و توبه پذیر بر من ای خدا ای بخشاینده ای مهربان رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ

محمد و آل محمد و ببخش مرا و پناه ده مرا از آتش

ذات التيسير وابسط لي في سعة من رزقك واهدني

سوزنده وبهن كن در گشادگی روزی خود وره نما مرا

بهداك واغنني بغناك واجعلني من اوليائك

براهنمائی خود و بی نیاز کن مرا به بی نیازی خود و بگردان مرا از دوستان خود

المخلصين وبلغ محمدا وآل محمد تحية كثيرة

که با اخلاص‌اند و برسان محمد و آل محمد را درود بسیار

وسلاما واهدني لما اختلف فيه من الحق

و سلامی و راه نما مرا مر آنچه اختلاف کرده در آن از حق

باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

بفرمان تو که تو راه نمائی هر کرا خواهی بسوی راه راست

واعصمني من المعاصي كلها ومن الشيطان

و نگاه دار مرا از معصیتها همه او و از دیو

الرجيم آمين يا رب العالمين

رانده شده بپذیرای پروردگار جهانیان

هذا دعاء جوشن صغير مروي
عن علي بن الحسين

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الهي كم من عدو انتضى علي سيف عداوته

خداوندا بسا از دشمنی که کشید بر من شمشیر دشمنی او

وشحذ لي ظبة مديته وارهف لي شبا حده

و تیز کرد برای من دم کارد عداوت خود را و تنک کرد برای من سر حربه خود را

وداف لي قواتل سمومه وسدد نحوي صوائب

و گشاینده برای من کشنده زهرهای خود و راست کرد بجانب من تیرهای

سهامه ولم تنم عني عين حراسته واضمر ان

رونده خود و نخفت از من دیدهای پاسبانی خود و بخاطر گرفت

يسومني المكروه ويجرعني ذعاف مرارته فنظرت

بمن رساند هر مکروه مرا و جرعه دهد مرا از زهر تلخی او پس نظر کردی

يا الهي الى ضعفي عن احتمال الفوادح وعجزي

خداوندا بسوی ناتوانی من از برداشتن بار گران و عاجز بودن

عن ملمات الجوائح وقصوري عن الانتصار ممن

از بلاهای مستأصل و کوتاهی از انتقام کشیدن از آنکه

قصدني بمحاربته ووحدتي في كثير من ناواني

قصد كارزار من نمايد و تنهائی من در بسياری از آنكه دشمنی كردند

وارصادهم لي فيما لم اعمل فيه فكري في الارصاد

و در كمين نشستن ايشان بجهت چيزكه من بكار بردم در كمين

لهم بمثله فايدتني بقوتك وشددت ازري

ايشان بمانند او پس قوت دادی مرا بتوانائی خود و محكم كردی پشت مرا

بنصرك وفللت لي شباة حده وخذلته بعد

بياری خود و كند كردی از برای من دم حدت خود را و فرو گذاشتی او را بعد

جميع عديده وحشده واعليت كعبي عليه

جمع عددی بسيار و مسلط كردی مرا بر او

ووجهت ما سدده الي من مكائده اليه

و برگردانيدی آنچه راست كرده بودی از مكرهای خود بر او

ورددته في نحره ولم تشف غليله ولم تبرد حرارات

و بازگردانيدی او را و فرو ننشانيده خشم او را و سرو نشده گرمی

غيظه وقد عض على انامله وادبر موليا قد اخفقت

خشم او و زيرا كه بگزيد بر انگشتان او و پشت كرده گريزنده كه گريخته

سراياه فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب و

لشكرها پس مر تراست حمد ای پروردگار از توانائی كه مغلوب نشوی و

ذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد و

صاحب حلمی كه تعجيل نكنی رحمت فرست بر محمد و آل محمد و

اجعلني لانعمك من الشاكرين ولالائك

بگردان مرا مر نعمتهای خود از شكر كنندگان و مر عطاهای خود

من الذاكرين الهي وكم من باغ بغاني بمكائده

از ياد كنندگان الهی چه بسيار ستم كننده كه طلب كرد مرا

ونصب لي اشراك مصائده ووكل بي تفقد

و برپای كرد برای من دامهای شكارهای خود و گماشت بمن جستجوی

رعايته واضبا الي اضباء السبع لطريدته

رعايت كردن مانند كمين نشستن شير از برای شكار خود

انتظارا لانتهاز فرصته وهو يظهر لي بشاشة

بجهت انتظار يافتن مر انتظار يافتن فرصت خود و او ظاهر كرد برای من گشادگی

الملق ويبسط لي وجها غير طلق فلما رايت دغل

چاپلوسی را و بگشود برای من روی ناخندان خود را پس چون ديدی فساد

سَرِیرَتِهِ وَقُبْحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مِلَّتِهِ
و نهانی او و زشتی آنچه در خاطر دیده بود برا و برای شریک خود در ملت او
وَأَصْبَحَ مُجْلِباً إِلَيَّ فِي بَغْيِهِ أَرْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ
و با ما دکرده بود لشکر جمع کننده در طلب خود برگردانیدی او را سرنگون
وَأَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ فَصَرَعْتَهُ فِي زُبْيَتِهِ
و بنای شوکتش را از بیخ برکندی و در انداختی او را در چاهی
وَأَرْدَيْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ وَجَعَلْتَ خَدَّهُ
و دور اوکندی او را در ... از بهر کوی که از برای من ساخته بود و گردانیدی رخسار او را
طَبَقاً لِتُرَابِ رِجْلِهِ وَشَغَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ وَرِزْقِهِ
طبق خاک پای او و مشغول کردی او را در بدنش و در روزیش
وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ وَخَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ وَذَكَّيْتَهُ
و انداختی او را بسنگش و در گلو پیش کردی زه کمانش را و کشتی او را
بِمَشَاقِصِهِ وَكَبَبْتَهُ لِمَنْخِرِهِ وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ
به پیکانهای تیرش و برروی‌اش در انداختی و برگردانیدی مکر او را
فِي نَحْرِهِ وَوَبَقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ وَفَتَتَّهُ بِحَسْرَتِهِ
در گردنش و محکم بستی او را به پشیمانی خود و غدا کش کردی بحسرتش

وَاسْتَخْذَلَ وَاسْتَخْذَى وَتَضَاءَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ
پس بی یار ماند و بسیار حقیر شد بعد از تکبرش
وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلاً مَأْسُوراً فِي
و برگشت بعد از سرکشی خود خوار و بسته شده در
رِبَقِ حَبَائِلِهِ الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا
ریسمانهای دامهای خود که امید داشت که ببیند مرا در آن
يَوْمَ سَطْوَتِهِ وَقَدْ كِدْتُ يَا رَبِّ لَوْلَا رَحْمَتُكَ
در روز عقوبتش و بتحقیق که نزدیک بود ای پروردگار اگر رحمت تو نمی‌بود
أَنْ يَحُلَّ بِي مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
که فرود آید بمن آنچه فرود آید بسرای او پس مر تراست حمد ای پروردگار
مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ
از اقتداری که مغلوب نشوی و صاحب حلمی که تعجیل نکنی رحمت فرست
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ
بر محمد و آل محمد و بگردان مرا مر نعمتهای خود از شکرکنندگان
وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَكَمْ مِنْ سَحَائِبِ
و مر عطاهای خود از یاد کنندگان ای خدای من و بسا ابرهای

مكروهٍ قد جلّيتها وسماءِ نعمةٍ امطرتها وجداولِ
گروهی که گشودی آنرا و ابرهای نعمتی که بارانیدی آنرا و جدولهای
كرامةٍ اجريتها واعينِ احداثٍ طمستها و
لطفی که جاری کردی آنرا و چشمهای حادثها که پرکردی آنرا و
ناشئةِ رحمةٍ نشرتها وجُنّةِ عافيةٍ البستها
نو پیدا آمدهای رحمت که پهن کردی آنرا و سپر تندرستی که پوشانیدی آنرا
وغوامرِ كرباتٍ كشفتها وامورٍ جاريةٍ قدّرتها
و فرا گیرنده غمها که دفع کردی آنرا و امرهای روان که مقدر کردی آنرا
لم تُعجزك اذ طلبتها ولم تمتنع منك اذ اردتها
عاجز نکردند چون طلب کردی آنها را و سرباز نزدند از تو چون اراده کردی آنرا
فلك الحمد يا ربّ من مقتدرٍ لا يُغلب وذي اناةٍ
پس مر تراست حمد ای پروردگار از توانائی که مغلوب نمیشوی و خداوند حلمی که
لا يعجل صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعلني
تعجیل نکنی رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا
لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين
مر نعمتهای خود از شکرگذاران و مر عطاهای خود از یاد کنندگان

الهي وكم من حاسدٍ شرق بحسده وشجي بغيظه
ای خدای من بسا از حسد برنده که گرفته شده بود در گلویش و خشم او حلقش را گرفته بود
وسلقني بحدّ لسانه ووخزني بموق عينه
و آزار میکرد مرا به تیزی زبانش و گزید مرا بگوشه چشمش
وجعل عرضي غرضاً لمراميه وقلّدني خلالاً
و گردانید ناموس مرا نشانه مر بدگوئی خود و در گردن من انداخت صفتهائیرا
لم تزل فيه فناديتك يا ربّ مستجيراً بك واثقاً
که در خود وی بود پس خواندم ترا ای پروردگار پناه آورنده بتو اعتماد دارنده
بسرعة اجابتك متوكّلاً على ما لم ازل اعرفه
بزودی اجابت تو و توکل داشتم بر آنچه همیشه میدانستم
من حسن دفاعك عالماً انّه لن يضطهد من اوى
از نیکی دفع کردن تو دانائی را که ستم دیده نشود هر که پناه آورد
الى ظلّ كنفك ولن تقرع الفوادح من لجأ
بسوی سایه حمایت تو و نمیکوبد گرفتن کسی را که پناه آورد
الى معقل الانتصار بك فحصّنتني من بأسه بقدرتك
بسوی پناهگاه محکم تو دیاری کمند بتو پس نگاه داشتی مرا از صدمات او بتوانائی

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ
پس مر تراست حمد ای پروردگار از توانائی که غالب نشوی و خداوند حلمی که تعجیل نکنی
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا مر نعمتهای خود از
الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَ
شکرگذاران و مر عطاهای خود از یادکنندگان ای خدای من و
كَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ وَمِنْ عُدْمِ إِمْلَاقٍ
بسا از گمان نیکو که درست کردی و از نیستی پریشانی که
جَبَرْتَ وَمِنْ مَسْكَنَةٍ فَادِحَةٍ حَوَّلْتَ وَمِنْ
تدارک کردی و از درویشی گرانبار که گردانیدی و از
صَرْعَةٍ مُهْلِكَةٍ أَنْعَشْتَ وَمِنْ مَشَقَّةٍ أَرَحْتَ
افتادنی هلاک کننده که برداشتی و از مشقتی که دور کردی
لَا تُسْئَلُ يَا سَيِّدِي عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ
سوال کرده نمیشوی ای آقای من از آنچه میکنی و ایشان پرسیده شوند
وَلَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ وَلَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَيْتَ
و کم نمیکند خزانه ترا آنچه صرف میکنی و بتحقیق که از تو سوال کردند پس عطا کردی

وَلَمْ تُسْئَلْ

وَلَمْ تُسْئَلْ فَابْتَدَأْتَ وَاسْتُمِيحَ بَابُ فَضْلِكَ
و سوال کرده نشدی پس ابتدا کردی و طلب کرده شد از درگاه فضل تو
فَمَا أَكْدَيْتَ أَبَيْتَ إِلَّا إِنْعَامًا وَامْتِنَانًا وَ
پس باز نگردانیدی و نخواستی مگر نعمت دادن و اکرام نمودن و
إِلَّا تَطَوُّلًا يَا رَبِّ وَإِحْسَانًا وَأَبَيْتُ إِلَّا انْتِهَاكَ
مگر تفضل کردن ای پروردگار و احسان را و نخواستم مگر مرتکب شدن
حُرُمَاتِكَ وَاجْتِرَاءً عَلَى مَعَاصِيكَ وَتَعَدِّيًا لِحُدُودِكَ
حرامهای تو و جرات بر معصیتهای تو و درگذشتن از اندازه
وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ وَطَاعَةً لِعَدُوِّي وَ
و غافل بودن از وعدهای تو و فرمانبرداری دشمن من و
عَدُوِّكَ لَمْ يَمْنَعْكَ يَا إِلَهِي وَنَاصِرِي إِخْلَالِي
دشمن تو که مانع نشد ترا ای خدای من و یاور من ترک کردن من
بِالشُّكْرِ عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ وَلَا حَجَزَنِي ذَلِكَ
بشکر از تمام کردن احسان تو و مانع نشد مرا این نعمت
عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ اللَّهُمَّ وَهَذَا مَقَامُ
از متوجه شدن خشمهای تو خداوندا و این جای ایستادن

عبدٍ ذليلٍ ضعيفٍ اعترف لك بالتوحيد وأقرّ
بنده ء بمقدار ناتوان که اعتراف کرده مرترا بیگانگی واقرار کرده
على نفسه بالتقصير في أداء حقك وشهد لك
بر نفس خود بتقصیر در اداکردن حق تو وشهادت داد مرترا
بسبوغ نعمتك عليه وجميل عاداتك عنده
بکامل بودن نعمت تو براو وبنیکوئی عادتهای تو نزد او
وإحسانك إليه فهب لي يا إلهي وسيدي من فضلك
واحسان تو بسوی او پس بخش مرا ای خدای من وسید من از فضل تو
ما أريد إلى رحمتك وأتخذ سلّماً أعرج فيه
آنچه میخواهم بسوی رحمت تو وفرا گیرم نردبانی که بالا روم در آن
إلى مرضاتك وآمن به من سخطك بعزتك وطولك
بسوی خشنودی تو وایمن شوم بآن از غضب تو بعزت تو وانعام تو
وبحق نبيك محمد والأئمة صلواتك عليه وعليهم
وبحق پیغمبر تو محمد وپیشوایان رحمتهای تو براو وبرایشان باد
أجمعين فلك الحمد يا رب من مقتدرٍ لا يغلب وذي
همه پس مرتراست حمدای پروردگار از توانائی که مغلوب نشوی وخداوند

اناة

أناةٍ لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني
علمی که تعجیل نکنی رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا
لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين
مر نعمتهای خود از شکر گذاران ومر عطاهای خود از یاد کنندگان
إلهي وكم من عبدٍ أمسى وأصبح خائفاً مرعوباً
خدایا بسا از بنده که شام کند وصبح کند ترسان هراسان
مسهّداً مشفقاً وجلاً هارباً طريداً منجحراً في مضيقٍ
خواب نزده ودر ترس ترسان گریزان ورانده شده در رو اشده در تنگنای
أو مخباةٍ من المخابي قد ضاقت عليه الأرض
یا گریزگاهی از جاهای پنهان که تنگ شده براو زمین
برحبها لا يجد حيلةً ولا منجاً ولا مأوىً وأنا في
بوسعت خود ونمی یابد چاره ونه نجاتی ونه جایگاهی ومن در عافیتم
عافيةٍ من ذلك كله وفي أمنٍ وطمأنينةٍ من مثله
عافیتم ازاین همه ودر ایمنی وآرام از مثل او
فلك الحمد يا رب من مقتدرٍ لا يغلب وذي أناةٍ لا يعجل
پس مرتراست حمدای پروردگار از توانائی که مغلوب نشوی وخداوند علمی که تعجیل نکنی

صلِّ علی محمدٍ وآلِ محمدٍ واجعلنی لأنعمک من

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا مر نعمتهای خود از

الشاکرین ولآلائک من الذاکرین الهی وکم

شکرگذاران و مر عطاهای خود از یادکنندگان خداوندا بسا

من عبدٍ امسی واصبح مغلولاً مکبّلاً بالحدید

از بنده که شام کند و صبح کند غل در گردن و دست و پا با آهن

بایدی العداة لا یرحمونه بعیداً من اهله وولده

بدستهای دشمنانی که رحمش نکنند و دور از اهل و فرزندان خود

منقطعاً عن اخوانه وبلده یتوقّع کلّ ساعةٍ

جدا از برادران خود و شهر خود منتظر باشد در هر ساعت

بایّة قتلةٍ یقتل وبایّة مثلةٍ یمثّل وانا فی عافیةٍ

که بچه کشتنی او را بکشند و بچه سیاستی او را سیاست کنند و من در عافیتم

من ذلک کلّه فلک الحمد یا ربّ من مقتدرٍ لا یغلب

از اینها همه پس مر تراست حمد ای پروردگار از توانائی که غالب نشوی

وذی اناةٍ لا یعجل صلّ علی محمدٍ وآل محمدٍ

خداوند حلمی که تعجیل نکنی رحمت فرست بر محمد و آل محمد

واجعلنی

واجعلنی لأنعمک من الشاکرین ولآلائک من الذاکرین

و بگردان مرا مر نعمتهای خود از شکرگذاران و مر نعمتهای خود از یادکنندگان

الهی وکم من عبدٍ امسی واصبح یقاسی الحروب

ای خدای من و بسا از بنده که شام کند و صبح کند در مشقت جنگ

ومباشرة القتال قد غشیته الاعداء من کلّ

و مرتکب شدن کارزار که فرا گرفته باشند او را دشمنان از هر

جانبٍ بالسیوف والرماح وآلة الحرب

جانبی و شمشیرها و نیزه‌ها و آلتهای جنگ

یتقعقع فی الحدید قد بلغ مبلغ مجهوده لا یعرف

فرو رفته باشد در آهن بقدر طاقت خود و نداند

حیلةً ولا یجد مهرباً قد ادنف بالجراحات او

چاره و نیابد گریزگاهی که نزدیک بمردن شده باشد بسبب جراحات

متشحّطاً بدمه تحت السنابک والارجل یتمنّی

دست و پا در خون خود زند در زیر سم اسبان و پاهای مردم آرزو کند

شربةً من ماءٍ او نظرةً الی اهله وولده لا یقدر

یک شربت از آب را یا نظر کردن بسوی اهل خود و فرزندان خود قدرت ندهند

عَلَيْهَا وَاَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا

بر آن ومن در عافیتم از اینها همه پس مر تراست حمد ای

رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ

پروردگار از توانائی که مغلوب نشوی وخداوند حلمی که تعجیل نکنی

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِاَنْعُمِكَ مِنَ

رحمت فرست بر محمد و آل محمد وبگردان مرا مر نعمتهای خود از

الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اِلٰهِي

شکر گذاران ومر عطاهای خود از یاد کنندگان ای خدای من

وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَعَوَاصِفِ

وبسا از بنده که شام کند وصبح کند در تاریکیهای دریاها وشدتهای

الرِّيَاحِ وَالْاَهْوَالِ وَالْاَمْوَاجِ يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَ

بادها وبیمها وموجها منتظر باشد غرق و

الْهَلَاكَ لَا يَقْدِرُ عَلٰى حِيلَةٍ اَوْ مُبْتَلًى بِصَاعِقَةٍ

هلاک را قادر نباشد بر چاره یا مبتلا گردد بطوفان

اَوْ هَدْمٍ اَوْ غَرَقٍ اَوْ حَرَقٍ اَوْ شَرَقٍ اَوْ خَسْفٍ اَوْ مَسْخٍ

یا ابنوهی یا غرق شدن یا سوختن یا لقمه در گلو گرفتن یا در زمین فرو رفتن یا مسخ

اَوْ قَذْفٍ وَاَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ

یا عذابی ومن در عافیتم از این همه پس مر تراست

الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ

حمد ای پروردگار از توانائی که مغلوب نشوی و خداوند حلمی که

لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي

تعجیل نکنی رحمت فرست بر محمد و آل محمد وبگردان مرا

لِاَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ

مر نعمتهای خود از شکر گذاران ومر عطاهای خود از یاد کنندگان

اِلٰهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ اَمْسٰى وَاَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا

خداوندا وبسا از بنده که شام کند و صبح کند در سفر دور

عَنْ اَهْلِهِ وَوَطَنِهِ وَوَلَدِهِ مُتَحَيِّرًا فِي الْمَفَاوِزِ

از اهل او و وطن او و فرزند او حیران در بیابانها

تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ وَحِيدًا

راه گم کرده با وحشیان وحیوانات وجانوران تنها

فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا

وبیکس نداند چاره ونیابد راه

أو متأذٍّ ببردٍ أو حرٍّ أو جوعٍ أو عطشٍ أو عريٍ أو

یا در آزار باشد بسبب سرما یا گرما یا گرسنگی یا تشنگی یا برهنه یا

غيره من الشدائد ممّا أنا منه خلوٌ وأنا في عافيةٍ

غیر او از سختیها که من از آنها خالی ام و من در عافیتم

من ذلك كلّه فلك الحمد يا ربّ من مقتدرٍ لا

از این همه او پس مر تراست حمد ای پروردگار از توانائی که

يغلب وذي أناةٍ لا يعجل صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ

مغلوب نشوی و خداوند حلمی که تعجیل نکنی رحمت فرست بر محمد و آل محمد

واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من

و بگردان مرا مر نعمتهای خود از شکر گذاران و مر عطاهای خود از

الذاكرين إلهي وكم من عبدٍ أمسى وأصبح

یاد کنندگان خداوندا و بسا از بنده که شام کند و صبح کند

فقيرًا عائلًا عاريًا مملقًا مخفقًا مجهودًا خائفًا

پریشان و عیالمند و عریان و ناچیز و کار بسته و در تعب ترسان

جائعًا ظمآنًا ينتظر من يعود عليه بفضلٍ أو

گرسنه و تشنه انتظار کشد کسیرا که احسان نماید بر او بزیادتی یا

عبد

عبدٍ وجيهٍ هو أوجه منّي عندك أو أشدّ عبادةً

بنده روشناس که قربش بیشتر است از من نزد تو یا بیشتر باشد بندگیش

لك مغلولًا مقهورًا قد حمل ثقلًا من تعب العناء

مر ترا در غل و مظلوم باشد بحقیقتی که بار کرده بار گرانی از تعب و مشقتها

وشدّة العبوديّة وكلفة الرقّ وثقل

و سختی فرمانبرداری و مشقت بندگی و گرانی

الضريبة أو مبتلًى ببلاءٍ شديدٍ لا قبل له

مال یا مبتلا باشد ببلای سختی که طاقت نیاورد مراورا

إلّا بمنّك عليه وأنا المخدوم المنعم المكرّم

مگر باحسان تو بر او و منم خدمت کرده شده در نعمت و گرامی

في عافيةٍ ممّا هو فيه فلك الحمد يا ربّ من مقتدرٍ

در عافیتم از آنچه او در او است پس مر تراست حمد ای پروردگار از توانا

لا يغلب وذي أناةٍ لا يعجل صلّ على محمّدٍ

که مغلوب نشوی و خداوند حلمی که تعجیل نکنی رحمت فرست بر محمد

وآل محمّدٍ واجعلني لأنعمك من الشاكرين

و آل محمد و بگردان مرا مر نعمت خود از شکر گذاران

ولا لآلائك من الذاكرين الهي وسيدي وكم من

ومر عطاهای خود از یاد کنندگان الٰهی من و سید من بسا از

عبد امسى واصبح طريدا شريدا حيرانا متحيرا

بنده که شام کند و صبح کند رانده شده و آواره حیران راه گم کرده

جائعا خائفا خاسرا في الصحارى والبراري قد

گرسنه ترسان در صحراها و بیابانها که

احرقه الحر والبرد وهو في ضر من العيش وضنك

سوخته باشد از گرما و سرما و او در مشقتی باشد از تعیش و تنگی

من الحيوة وذل من المقام ينظر الى نفسه حسرة

از زندگانی و خواری از جایگاه که نگاه کند بسوی نفس خود از روی حسرت

لا يقدر لها على ضر ولا نفع وانا خلو من ذلك

که توانائی ندارد مر او را بر زیانی و نه سودی و من خالیم از اینها

كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت

همه بجود تو و کرم تو پس نیست خدائی مگر تو

سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل

پاکا کا تو از توانائی که مغلوب نشوی و خداوند حلمی که تعجیل نکنی

صل على محمد وال محمد واجعلني لانعمك من

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا مر نعمتهای خود از

الشاكرين ولالائك من الذاكرين وارحمني

شکر کنندگان و مر نعمتهای خود از یاد کنندگان و رحم کن مرا

برحمتك يا ارحم الراحمين الهي ومولاي وسيدي

برحمت تو ای رحیمتر از رحیمان الٰهی من و آقای من و سید من

وكم من عبد امسى واصبح عليلا مريضا

و بسا از بنده که شام کند و صبح کند گرفتار و بیمار

سقيما مدنفا على فرش العلة وفي لباسها

دردناک مشرف بر هلاک بر بستر بیماری و در جامهٔ درد

يتقلب يمينا وشمالا لا يعرف شيئا من لذة

خوابیده گردد بجانب راست و چپ نیابد چیزی از لذت

الطعام ولا من لذة الشراب ينظر الى نفسه

خوردنی و نه از لذت آشامیدن نظر افکند بسوی خود

حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من

بحسرت توانائی ندارد مر او را زیانی و نه سودی و من خالیم از

ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت

این همه بجود تو وکرم تو پس نیست خدائی مگر تو

سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل

منزهی تو از توانائی که مغلوب نشوی وخداوند حلمی که تعجیل نمی

صل على محمد وآل محمد واجعلني لك من العابدين

رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا برای خود از پرستندگان

ولانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين

ومر نعمتهای خود از شکرگذاران ومر عطاهای خود از یادکنندگان

وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي و

وببخش مرا برحمت تو ای رحیم ترین رحیمان آقای من و

سيدي وكم من عبد امسى واصبح قد دنا

سید من وبسا از بنده که شام کند وصبح کند که نزدیک باشد

من حتفه وقد احدق به ملك الموت في اعوانه

بمرگش واحاطه کرده باشد بامر ملک موت در یاورانش

يعالج سكرات الموت وحياضه تدور

در کار ه سختیهای مرگ وحوضهای او میگردد

عيناه

عيناه يمينا وشمالا ينظر الى احبائه واوليائه

چشمهایش از راست وچپ نگاه میکند بسوی دوستانش وآشنایانش

واخلائه قد منع من الكلام وحجب عن الخطاب

ودوستانش وحال آنکه او را منع کرده باشند از کلام وبازداشته باشند از جواب

ينظر الى نفسه حسرة فلا يستطيع لها ضرا ولا

نگاه کند بسوی نفس خود از روی حسرت پس نتواند مر او را زیانی ونه

نفعا وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك

سودی ومن خالیم از این همه او بجود تو وکرم تو

فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب

پس نیست خدائی مگر تو منزهی تو از قادری که مغلوب نشوی

وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد و

وصاحب حلمی که تعجیل نکند رحمت فرست بر محمد وآل محمد و

اجعلني لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين

بگردان مرا برای تو از پرستندگان ومر نعمتهای تو از شکرگذاران

ولآلائك من الذاكرين مولاي وسيدي

ومر عطاهای تو از یادکنندگان ای آقای من وسید من

وكم من عبد امسى واصبح قد استمر عليه القضاء

و بسا از بنده که شام کند و صبح کند که پیوسته باشد برو قضا

واحدق به البلاء وفارق اوداءه واحبائه و

و احاطه کرده باشد باو بلا و دور شده باشند از دوستان او و

اخلائه وامسى حقيرا اسيرا ذليلا في ايدي

محبتان او و شام کند حقیر اسیر خوار در دستهای

الكفار والاعداء يتداولونه يمينا و

کافران و دشمنان و دست بدست کرده باشند او را راست و

شمالا قد حصر في المطامير وثقل بالحديد لا

چپ که بسته باشند او را در زندانها و سنگینش کرده باشند باهن

يرى شيئا من ضياء الدنيا ولا من روحها

نه بینی چیزی از نورهای دنیا و نه از راحتهای او

ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا

نظر کند بسوی نفس خود حسرتی که توانائی ندارد مر او را زیانی و نه

نفعا وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك

سودی و من خالیم از این همه او بجود تو و کرم تو

فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب

پس نیست خدائی مگر تو پاکا تو از توانائی که غالب نشوی

وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد

و خداوند حلمی که تعجیل نکنی رحمت فرست بر محمد و آل محمد

واجعلني لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين

و بگردان مرا برای تو از پرستندگان و مر نعمتهای ترا از شکرگذاران

ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك

و مر نعمتهای خود از یادکنندگان و رحم کن مرا برحمت تو

يا ارحم الراحمين مولاي وسيدي وكم من

ای رحیمتر از رحیمان ای آقای من و سید من و بسا از

عبد امسى واصبح قد اشتاق الى الدنيا للرغبة

بنده که شام کند و صبح کند که اشتیاق داشته باشد بسوی دنیا بجهة رغبت

فيها الى ان خاطر بنفسه وماله حرصا منه

در آن تا آنکه بگذرد بنفس خود و مال از روی حرص از او

عليها وقد ركب الفلك وكسرت به فهو في

بر آن که سوار شده باشد در کشتی و شکسته شود باو پس او در

آفاق البحار وظلمها ينظر إلى نفسه حسرة لا يقدر

در اطراف دریا و تاریکیهای او نظر کند بنفس خود حسرت که قادر نباشد

لها على ضر ولا نفع وأنا خلو من ذلك كله بجودك

مرا او را بر زیانی و نه سودی و من خالیم از این همه بجود تو

وكرمك فلا إله إلا أنت سبحانك من

و کرم تو پس نیست خدائی مگر تو منزهی تو و

مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على

قادری که مغلوب نمیشوی و صاحب حلمی که تعجیل نمیکنی رحمت بر

محمد وآل محمد واجعلني لك من الشاكرين

محمد و آل محمد و بگردان مرا برای خود از شکرگزاران

ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا أرحم

و مر نعمتهای خود از یادکنندگان و رحم کن مرا برحمت خود ای رحیمترین

الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبد أمسى

رحیمان آقای من و سید من و بسا از بنده که شام کند

وأصبح قد استحر عليه القضاء وأحدق به البلاء

و صبح کند که مستمر شده باشد بر او قضا و احاطه کرده باو بلای

والكفار

والكفار والأعداء وأخذته الرماح والسيوف

و کافران و دشمنان گرفته باشند او را نیزه ها و شمشیرها

والسهام وجدل صريعا وقد شربت الأرض

و تیرها و از پا در آید در زمین افتد و بجنبش که بیاشامد زمین

من دمه وأكلت السباع والطير من لحمه

از خون او و بخورند درندگان و مرغان از گوشت او

وأنا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك

و من خالیم از اینها همه بجود تو و کرم تو

بلا استحقاق مني يا لا إله إلا أنت سبحانك

بی مستحق بودن من ای نیست خدائی مگر تو منزهی تو

من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل

از توانائی که مغلوب نشوی و خداوند حلمی که تعجیل نکنی رحمت فرست

على محمد وآل محمد واجعلني لنعمائك من

بر محمد و آل محمد و بگردان مرا مر نعمتهای خود از

الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني

شکرگزاران و مر عطاهای خود از یادکنندگان و رحم کن مرا

برحمتك يا ارحم الراحمين وعزتك يا كريم

برحمت تو ای رحمتر از رحیمان سوگند میخورم بعزت تو ای کریم

لأطلبن مما لديك ولألحن عليك ولألجأن

البته طلب میکنم از انچه نزد تست والحاح میکنم بر تو و پناه میبرم

عليك ولأمدن يدي نحوك مع جرمها اليك

بر تو و دراز میکنم دست خودرا بجانب تو با گناهی که کرده ام بتو

فبمن أعوذ يا رب وبمن ألوذ لا احد لي الا

پس بکه پناه برم ای پروردگار و بکه پناه گیرم که نیست احدی مرا مگر

انت افردتني وانت معولي وعليك متكلي

تو تنها مرا نومید بگردانی و تو اعتماد منی و بر تست توکل من

اسئلك باسمك الذي وضعته على السماء

درخواهم از تو بنام تو که گذاشته اورا بر آسمانها

فاستقلت وعلى الارض فاستقرت وعلى

پس درست ایستاده اند و بر زمین پس درست ایستاده اند و بر

الجبال فرست وعلى الليل فاظلم وعلى النهار

کوهها پس ثابت شده اند و بر شب پس تاریک شده و بر روز

فاستنار

فاستنار ان تصلي على محمد وآل محمد و

پس روشن شده که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و

ان تقضي لي جميع حوائجي وتغفر لي ذنوبي

اینکه برآوری همه حاجتهای مرا و بیامرزی گناه مرا

كلها صغيرها وكبيرها وتوسع علي

همه کوچک او و بزرگ او و فراخ گردانی بر من

من الرزق وما تبلغني به شرف الدنيا والآخرة

از روزی آنقدر که برسانی بمن شرف دنیا و آخرت

يا ارحم الراحمين مولاي بك استغثت فصل

ای رحمتر از رحیمان آقای من بتو استغاثه میکنم پس رحمت فرست

على محمد وآل محمد واغثني وبك استجرت

بر محمد و آل محمد و فریادرس مرا و بتو پناه آوردم

فصل على محمد وآل محمد واجرني واغنني

پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا و بی‌نیاز گردان مرا

بطاعتك وبمسئلتك عن مسئلة خلقك

بفرمانبرداری تو و بسؤال کردن تو از سؤال کردن بندگان تو

وانقلني من ذل الفقر الى عز الغنى ومن ذل

و بگردان مرا از خواری چیزی بسوی عزت بی‌نیازی و از خواری

المعاصي الى عز الطاعة فقد فضلتني على

گناهان بسوی عزت طاعت پس بتحقیق که فضیلت دادی مرا بر

كثير من خلقك جوداً وكرماً لا باستحقاقٍ

بسیاری از خلق تو بخشش و کرم بی آنکه من مستحق باشم

مني الهي فلك الحمد على ذلك كله صل على محمد

الهی مر ترا است حمد بر اینها همه رحمت فرست بر محمد

وآل محمد واجعلني لنعمائك من الشاكرين و

و آل محمد و بگردان مرا مر نعمتهای خود از شکرگذاران و

لآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم

مر عطاهای خود از یادکنندگان و رحم کن مرا برحمت خود ای بخشنده‌ترین

الراحمين

بخشندگان

زیارت ششم جناب امیر المؤمنین

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

السلام عليك يا رسول الله السلام عليك

درود بر تو ای رسول خدا درود بر تو

يا صفوة الله السلام عليك يا امين الله

ای برگزیده خدا درود بر تو ای امین خدا

السلام على من اصطفاه الله واختصه واختار

درود بر کسی که برگزید او را خدا و مخصوص کرد او را و برگزید او را

من بريته السلام عليك يا خليل الله ما دجى

از مخلوقات خود درود بر تو ای دوست خدا تا آنکه تاریک کند

الليل وغسق واضاء النهار واشرق السلام

شب را و تار شود و روشن شود روز را و صبح روشن شود درود

عليك ما صمت صامت ونطق ناطق وذر

بر تو مادام که ساکت باشد ساکتی و گویا شود گوینده و پراکنده شود

شارق ورحمة الله وبركاته السلام على

شارق و رحمت خدا و برکتهای او درود بر

مولانا امير المؤمنين علي بن ابي طالب صاحب

آقای ما پادشاه گروندگان علی پسر ابی طالب یار

السابق والمناقب والنجدة ومبيد الكتائب
پیشروان وصاحب مناقب وبزرگواری وظاهرکننده کتائب
الشديد البأس العظيم المراس المكين الأساس
سخت معرکهای بزرگ گستراننده اساس
ساقي المؤمنين بالكأس من حوض الرسول
ساقی گروندگان بکاس از حوض پیغمبر
المكين الأمين السلام على صاحب النهى و
صاحب آرام درود بر صاحب عقل و
الفضل والطوائل والمكرمات والنوائل
فضل ونعمتها وبزرگواری ونعمتها
السلام على فارس المؤمنين وليث الموحدين و
درود بر سواری گروندگان وشیر یگانه‌پرستان و
قاتل المشركين ووصي رسول رب العالمين
کشنده مشرکان ووصی فرستاده پروردگار جهانیان
ورحمة الله وبركاته السلام على من أيده الله
ورحمت خدا وبرکتهای او درود بر کسی که تقویت کرده او را خدا

بجبرئيل

بجبرئيل وأعانه بميكائيل وأزلفه في الدارين
بجبرئیل ویاری کرد او را بمیکائیل ونزدیک گردانید او را در دنیا وآخرت
وحباه بكل ما تقر به العين وصلى الله عليه
وبخشید او را بهرچه قرار گیرد باو چشم ورحمت خدا براو
وعلى آله الطاهرين وعلى أولاده المنتجبين وعلى
وبر آل او که پاکانند وبر اولاد او برگزیدگان وبر
الأئمة الراشدين الذين أمروا بالمعروف ونهوا
پیشوایان راه یافتگان آنانکه امر کردند بنیکی ونهی کردند
عن المنكر وفرضوا علينا الصلوات وأمروا بإيتاء
از ناشایسته وواجب شد بر ما درود وامر کردند بدادن
الزكوات وعرفونا صيام شهر رمضان وقراءة
زکوة وشناخت روزه ماه رمضان وخواندن
القرآن السلام عليك يا أمير المؤمنين ويعسوب
قرآن درود بر تو ای پادشاه گروندگان وسرور
الدين وقائد الغر المحجلين السلام عليك يا باب الله
دین وپیشرو سفیدسواران درود برتو ای باب خدا

السلام عليك يا عين الله الناظرة ويده الباسطة

درود بر تو اي چشم خدا كه نظر كننده است و دست او كه گشاينده است

واذنه الواعية وحكمته البالغة ونعمته

و گوش او نگاهدارنده و حكمت او رسنده و نعمت او كه

السابغة السلام على قسيم الجنة والنار

تمام است درود بر قسمت كننده بهشت و دوزخ

السلام على نعمة الله على الابرار ونقمته على

درود بر نعمت خدا بر نيكوكاران و عذاب او بر

الفجار السلام على سيد المتقين الاخيار

بدكاران درود بر بزرگ پرهيزگاران نيكوكاران

السلام على اخي رسول الله وابن عمه وزوج

درود بر برادر رسول خدا و پسر عم او و شوهر

ابنته والمخلوق من طينته السلام على الاصل

دختر او و آفريده شده از طينت او درود بر اصل

القديم والفرع الكريم السلام على الثمر الجني

ديرينه و شاخه با كرامت درود بر ميوه رسيده

السلام

السلام على ابي الحسن علي السلام على شجرة طوبى

درود بر پدر حسن علي درود بر درخت طوبى

وسدرة المنتهى السلام على ادم صفوة الله

و سدرة المنتهى درود بر آدم برگزيده خدا

ونوح نبي الله وابرهيم خليل الله وموسى

و نوح پيغمبر خدا و ابراهيم دوست خدا و موسى

كليم الله وعيسى روح الله ومحمد حبيب الله

سخن خدا و عيسى روح خدا و محمد دوست خدا

ومن بينهم من النبيين والصديقين و

و هر كه ميان ايشانست از پيغمبران و راستگويان و

الشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا

گواهان و صالحان و نيكويي آنگروه برفاقت

السلام على نور الانوار وسليل الاطهار

درود بر روشنايي روشنايها و سلاله پاكيزگان

وعناصر الاخيار السلام على والد الائمة

و عناصر برگزيده درود بر والد ائمه

الأبرار السلام على حبل الله المتين وجنبه
نیکوکاران درود بر ریسمان خدا محکم و پهلوی او
المكين ورحمة الله وبركاته السلام على
بلند قدرت و رحمت خدا و برکتهای او درود بر
امين الله في ارضه وخليفته والحاكم بامره
امین خدا در زمین او و جانشین او و حاکم بامر او
والقيم بدينه والناطق بحكمته والعامل
و بپا دارنده دین او و گویا بحکمت او و عمل کننده
بكتابه اخ الرسول وزوج البتول وسيف الله
بکتاب او برادر رسول و شوهر مقطوع الدم و شمشیر خدا
المسلول السلام على صاحب الدلالات و
که آویخته شده درود بر صاحب دلیلها و
الآيات الباهرات والمعجزات القاهرات و
آیات روشن و معجزهای با غلبه و
المنجي من الهلكات الذي ذكره الله في محكم
خلاص کننده از هلاکات که ذکر کرده او را خدا در استوار

الآيات

الآيات فقال تعالى وانه في ام الكتاب لدينا
آیات پس گفته برتر است و بدرستی که او در اصل کتاب نزد ما
لعلي حكيم السلام على اسم الله الرضي ووجهه
برآینه بلند مرتبه درست کردار است درود بر نام خدا پسندیده و روی او
المضيء وجنبه العلي ورحمة الله وبركا
که روشن است و قرب او که بلند است و رحمت خدا و برکتهای او
السلام على حجج الله واوصيائه وخاصة الله
درود بر حجتهای خدا و اوصیای او و مخصوصان خدا
واصفيائه وخالصته وامنائه ورحمة الله و
و برگزیدگان او و مخلصان او و امینان او و رحمت خدا و
بركاته قصدتك يا مولاي يا امين الله وحجته
برکتهای قصد کردم ترا ای مولای من ای امین خدا و حجت او
زائراً عارفاً بحقك موالياً لاوليائك معادياً
زیارت کننده شناسا بحق تو دوست مر دوستان تو دشمن
لاعدائك متقرباً الى الله بزيارتك فاشفع لي
مر دشمنان تو نزدیکی جسته بسوی خدا بزیارت تو پس شفیع شو مرا

عند الله ربي وربك في خلاص رقبتي من النار

نزد خدا پروردگار من و پروردگار تو در خلاصی کردن من از آتش

وقضاء حوائجي للدنيا والآخرة پس خود را بقبر بچسبان و بگو

و برآوردن حاجت مرا در دنیا و آخرت

السلام الله وسلام ملائكته المقربين وتسليمهم

سلام خدا و سلام فرشتگان او که مقربند و درود ایشان

لك بقلوبهم يا امير المؤمنين وعلى الناطقين بفضلك

مر ترا بدلهای ایشان ای پادشاه گروندگان و گوینده بفضل تو

والشاهدين على انك صادق امين صديق

و گواهان بر آنکه راستگو امین راستی

عليك ورحمة الله وبركاته اشهد انك

بر تو و رحمت خدا و برکتهای او گواهی میدهم که تو

طهر طاهر مطهر من طهر طاهر مطهر اشهد

پاکی پاک از پاک از پاک پاکی پاکیزه گواهی میدهم

لك يا ولي الله وولي رسوله بالبلاغ والاداء

مر ترا ای دوست خدا و ولی رسول او برسیدن و ادا

واشهد انك جنب الله وبابه وانك حبيب الله

و گواهی میدهم که تو پهلوی خدا و در او و آنکه تو دوست خدا

ووجهه الذي يؤتى منه وانك سبيل الله

و روی او آنچنانی که آمده میشود از او و آنکه تو راه خدا

وانك عبد الله واخو رسوله صلى الله عليه

و آنکه تو بنده خدا و برادر رسول او رحمت فرستد خدا بر او

وآله اتيتك متقربا الى الله عز وجل بزيارتك

و آل او آمدم ترا تقرب جوینده بسوی خدای عز و جل بزیارت تو

راغبا اليك في الشفاعة ابتغي بشفاعتك

رغبت نموده بتو در شفاعت میجویم بشفاعت تو

خلاص رقبتي من النار متعوذا بك من النار

خلاصی بندگی خود را از آتش پناه برنده بتو از آتش

هاربا من ذنوبي التي احتطبتها على ظهري فزعا

فرار نماینده ام از گناهانی که بار کرده ام آنرا بر پشت خود ناله کننده ام

اليك رجاء رحمة ربي اتيتك استشفع بك

بتو امیدوار رحمت پروردگار خود آمدم ترا شفاعت خواهی میکنم بتو

يا مولاي وأتقرب بك إلى الله بزيارتك لتقضي

ای آقای من ونزدیکی میجویم بتو بسوی خدا بزیارت تو تا برآورده

بك حوائجي فاشفع لي يا أمير المؤمنين إلى الله

بسبب تو حاجت مرا پس شفیع شو مرا ای پادشاه گروندگان بسوی خدا

فإني عبد الله ومولاك وزائرك ولك عند الله

پس من بنده خدا وخادم تو وزوار توام ومر تراست نزد خدا

المقام المحمود والجاه العظيم والشأن الكبير

مقام ستوده ومرتبه بزرگ وشان بزرگ

والشفاعة المقبولة اللهم صل على محمد وآل

وشفاعت پذیرفته شده خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل

محمد وصل على أمير المؤمنين عبدك المرتضى

محمد ورحمت فرست بر پادشاه گروندگان بنده تو پسندیده

وأمينك الأوفى وعروتك الوثقى ويدك العليا

وامین تو وفا کننده ودست آویز محکم تو ودست بلند تو

وجنبك الأعلى وكلمتك الحسنى وحجتك على

وجانب بلند تو وکلمه تو که نیکوست وحجت تو بر

الورى

الورى وصديقك الأكبر وسيد الأوصياء

خلقان وراستگوی بزرگتر تو وبزرگ اوصیاء

وركن الأولياء وعماد الأصفياء أمير المؤمنين

وجای محکم اولیا وستون برگزیدگان پادشاه گروندگان

ويعسوب الدين وقدوة الصالحين وإمام

وستون دین وپیشرو شایستگان وامام

المخلصين والمعصوم من الخلل المهذب من

مخلصان وپاک شده از شبهها وپاکیزه شده از

الزلل المطهر من العيب المنزه من الريب أخي

لغزشها پاک شده از عیب منزه از شک برادر

نبيك ووصي رسولك البائت على فراشه

پیغمبر تو ووصی رسول تو شب خوابنده در فراش او

والمواسي له بنفسه وكاشف الكرب عن وجهه

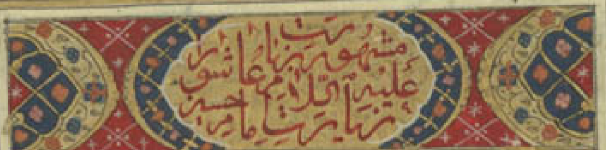
وحراست کننده مر او را بنفس خود وزایل کننده اندوهها از ذات او

الذي جعلته سيفا لنبوته وآية لرسالته

که گردانیدی او را بنبوت پیغمبری او ونشانه از برای رسالت او

وشاهداً على امته ودلالة على حجته وحاملاً
وگواه برامت او ودلالت بر حجت او وبردارنده
لرايته ووقاية لمهجته وهادياً لامته ويداً
مر علم او ونگاه دارنده جان او وراهنما مرامت او ودست
لبأسه وتاجاً لرأسه وباباً لسره ومفتاحاً
از براى كارزار او وتاج از براى سر او ودر مر نهانى او وكليد
لظفره حتى هزم جيوش الشرك باذنك وأباد
از براى فتح او تا منهزم ساخت لشكرهاى شرك بفرمان تو وبرطرف كرد
عساكر الكفر بامرك وبذل نفسه في مرضات
سپاه كفر را بامر تو وبخشيد جان خود در خشنودى
رسولك وجعلها وقفاً على طاعته فصل اللهم
رسول تو وگردانيد او را ايستاده بر طاعت او پس درود فرست خدايا
عليه صلوة دائمة باقية پس السلام عليك
براو درودى پيوسته پايدار بگويد درود بر تو
يا نبي الله والشهاب الثاقب والنور العاقب يا
اى پيغمبر خدا وستاره درخشنده وروشنائى عقب يكديگر اى

سليل الأطائب يا سر الله إن بيني وبين الله
سليل پاكان اى سر خدا كه ميان من وميان خداى
تعالى ذنوباً قد أثقلت ظهري ولا يأتي عليها
تعالى گناهى هست كه سنگين نموده پشت مرا ودر نميتوان داشت آنرا
إلا رضاك فبحق من ائتمنك على سره واسترعاك
مگر خشنودى تو پس بحق آنكه امين قرار داده بر سر او ودر رعايت نموده ترا
أمر خلقه كن لي إلى الله شفيعاً ومن النار مجيراً
امر خلق او باش مرا بخدا شفاعت جوينده وازآتش پناه
وعلى الدهر ظهيراً فإني عبد الله ووليك و
وبر روزگار پشت گيرنده پس منم بنده خدا ودوست تو و
زائرك صلى الله عليك پس بگويد السلام عليك
زيارت كننده تو رحمت فرستد خدا بر تو درود بر تو
يا أمير المؤمنين عليك مني سلام الله أبداً ما
اى پادشاه گروندگان بر تو باد از من سلام خدا هميشه مادام كه
بقيت وبقي الليل والنهار
باقى باشم وباقى باشد شب وروز



السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک

درود بر تو ای ابا عبد الله درود بر تو

یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین

ای پسر رسول خدا درود بر تو ای پسر پادشاه گروندگان

و ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن

و پسر بزرگ اوصیا درود بر تو ای پسر

فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام

فاطمه زهرا بزرگ زنان عالمیان درود

علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور السلام

بر تو ای خون خدا و پسر خون او و ای خوانخواه درود

علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک

بر تو و بر جانهائی که فرود آمدند بدرگاه تو

علیکم منی جمیعا سلام الله ابدا ما بقیت

بر شما از من همه درود خدا همیشه مادام که باقی باشم

و بقی اللیل و النهار یا ابا عبد الله لقد عظمت

و باقی باشد شب و روز ای ابا عبد الله بتحقیق که عظیم گردید

الرزیة و جلت المصیبة بک علینا و علی جمیع

اندوه و بزرگ گشته مصیبت تو بر ما و بر همه

اهل الاسلام و جلت و عظمت مصیبتک

اهل اسلام و بزرگ گشته و عظیم گشته مصیبت تو

فی السموات علی جمیع اهل السموات فلعن الله

در آسمانها بر همه اهل آسمانها پس لعنت کند خدا

امة اسست اساس الظلم و الجور علیکم

گروهیرا که بنا نهادند بنای ظلم و جور بر شما

اهل البیت و لعن الله امة دفعتکم عن مقامکم

اهل بیت و لعنت کند خدا گروهیرا بنا نهادند از جایگاه شما

و ازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها

و دفع کردند شما را از مرتبهای شما که بلند کرد شما را خدا در آن

و لعن الله امة قتلتکم و لعن الله الممهدین لهم

و لعنت کند خدا گروهیرا که کشتند شما را و لعنت کند خدا گروهیرا که ساز کردند مر شما را

بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ

بدست داشتن از کارزار شما بیزار گشتیم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان

وَمِنْ اَشْيَاعِهِمْ وَاَتْبَاعِهِمْ وَاَوْلِيَائِهِمْ يَا اَبَا

واز پیروان ایشان و تابعان ایشان و دوستان ایشان ای ابا

عَبْدِ اللّٰهِ اِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ

عبد الله بدرستی که من صلحم با کسی که صلح است با شما و جنگم مر آنکه

حَارَبَكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَعَنَ اللّٰهُ اٰلَ زِيَادٍ

جنگ است با شما تا روز قیامت و لعنت کند خدا آل زیاد

وَاٰلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ اللّٰهُ بَنِي اُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللّٰهُ

و آل مروان و لعنت کند خدا بنی امیه را قاطبة و لعنت کند خدا

اِبْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ اللّٰهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللّٰهُ

پسر مرجانه را و لعنت کند خدا عمر پسر سعد را و لعنت کند خدا

شِمْرًا وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ

شمر را و لعنت کند خدا گروهی را که زین کردند و لجام کردند و مهیا شدند

وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي لَقَدْ عَظُمَ

و پوشیده شدند برای مقاتله تو پدر و مادرم فدای تو بتحقیق بزرگ شده

مُصَابِي بِكَ فَاَسْئَلُ اللّٰهَ الَّذِي اَكْرَمَ مَقَامَكَ

مصیبت من بتو پس سؤال میکنم خدا را که گرامی داشت جای ترا

وَاَكْرَمَنِي بِكَ اَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ اِمَامٍ

و گرامی داشت مرا بتو اینکه روزی کند مرا طلب کردن خون ترا با پیشوای

مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

یاری کرده شده از اهل بیت محمد رحمت خدا بر او و آل او

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ

خداوندا بگردان مرا نزد تو خوش روی بمراعات مرتبه حسین علیه

السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اِنِّي

درود در دنیا و آخرت ای ابا عبد الله بدرستی که

اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَى رَسُولِهِ وَاِلَى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی رسول او و بسوی پادشاه گروندگان

وَاِلَى فَاطِمَةَ وَاِلَى الْحَسَنِ وَاِلَيْكَ بِمُوَالَاتِكَ وَ

و بسوی فاطمه و بسوی حسن و بسوی تو بدوست داشتن تو و

وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَ

و بیزاری از آنکه کارزار کردند و بر پا کردند مر ترا حرب را و

بالبراءة ممن اسس اساس الظلم والجور علیکم
بیزاری از آنکه بنا گذاشت بنای ظلم و ستم را بر شما
وابرأ الی الله والی رسوله ممن اسس اساس ذلك
و بیزاری بسوی خدا و بسوی رسول او از آنکه بنا گذاشت بنای ظلم را این
وبنی علیه بنیانه وجری فی ظلمه وجوره علیکم
و بنا گذاشت بر او بنای خود را و روان گردید در ستم او و جور او بر شما
وعلی اشیاعکم برئت الی الله والیکم منهم
و بر پیروان شما و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان
واتقرب الی الله والی رسوله ثم الیکم بموالاتکم
و نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی رسول و پس بسوی شما بدوستی شما
وموالاة ولیکم وبالبراءة من اعدائکم و
و دوستی دوست شما و بیزاری از دشمنان شما و
الناصبین لکم الحرب وبالبراءة من اشیاعهم
آنها که برپا کردند برای شما جنگ را و بیزاری از دوستان ایشان
واتباعهم انی سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم
و پیروان ایشان که من در صلحم با آنکه یار است شما را و جنگم با آنکه جنگ با شما

وولی لمن والاکم وعدو لمن عاداکم فاسئل الله
و دوستم مر آنکه با شما دوست است و دشمنم مر آنکه با شما دشمن است پس سوال میکنم از خدا
الذی اکرمنی بمعرفتکم ومعرفة اولیائکم
که گرامی داشت مرا بشناختن شما و شناختن دوستان شما
ورزقنی البراءة من اعدائکم ان یجعلنی معکم
و روزی کرد مرا بیزاری از دشمنان شما که بگرداند مرا با شما
فی الدنیا والآخرة وان یثبت لی عندکم قدم
در دنیا و آخرت و آنکه ثابت دارد مرا نزد شما ثابت قدم
صدق فی الدنیا والآخرة واسئله ان یبلغنی
راستی در دنیا و آخرت و سوال میکنم از او که برساند مرا
المقام المحمود الذی لکم عند الله وان یرزقنی
بمقام ستوده که مر شما را نزد خدا و آنکه روزی کند مرا
طلب ثارکم مع امام مهدی ظاهر ناطق
طلب کردن خون شما با امام هدایت یافته هویدا سخن گو
منکم واسئل الله بحقکم وبالشان الذی لکم
از شما و سوال میکنم از خدا بحق شما و بمرتبه بزرگی که شما راست

عند ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي مصاباً

نزد او که عطا کند مرا بمصیبت من بشما بهتر آنچه عطا کرده شود مصیبتی

بمصيبته مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في

بمصیبتی که چه بسیار بزرگست و عظیم است مصیبت آن در

الاسلام وفي جميع اهل السموات والارض

اسلام و در همه اهل آسمانها و زمین

اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن تناله منك

خداوندا بگردان مرا در اینجا که ایستاده ام از آنها که میرسد از تو بایشان

صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي

درودها و رحمت و آمرزش خداوندا بگردان زندگانی مرا

محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل

زندگانی محمد و آل محمد و مردن مرا مردن محمد و آل

محمد اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن

محمد خداوندا بدرستی که این روزیست که مبارک داشتند او را فرزندان امیه و پسر

آكلة الاكباد اللعين ابن اللعين على لسانك

خورنده جگرها ملعون پسر ملعون بر زبان تو

ولسان نبيك صلى الله عليه وآله في كل

و زبان پیغمبر تو درود خدا براو و آل او در هر

موطن وموقف وقف فيه نبيك صلواتك

وطن و محل ایستادن که ایستاد در آن پیغمبر تو درود تو

عليه وآله اللهم العن ابا سفيان ومعوية بن

براو و آل او خداوندا لعنت کن ابوسفیان را و معویه پسر

ابي سفيان ويزيد بن معوية عليهم منك اللعنة

ابوسفیان و یزید پسر معویه بر ایشان از تو لعنت

ابد الابدين وهذا يوم فرحت به آل زياد و

همیشه در آینده و این روزیست که شاد شدند باو آل زیاد و

آل مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه

آل مروان بکشتن حسین درود خدا براو

اللهم فضاعف عليهم اللعن منك والعذاب

خداوندا پس مضاعف گردان بر ایشان لعنت از تو و عذاب را

اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم وفي

خداوندا بدرستی که نزدیکی میجویم بتو در این روز و در

موقفي هذا وايام حياتي بالبراءة منهم واللعنة
این مقام را ایستاده ام و ایام زندگانی خود به بیزاری از ایشان و لعنت کردن
عليهم وبالموالاة لنبيك وآل نبيك عليهم السلام
بر ایشان و به دوستی پیغمبر تو و آل پیغمبر تو بر ایشان باد درود
پس صد مرتبه اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و
بگوید خداوندا لعنت کن اول ستم کننده که ستم کرد در حق محمد و
آل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة
آل محمد و آخر متابعت او کرد بر این خداوندا لعنت کن گروهی را که
التي جاهدت الحسين عليه السلام وشايعت
جنگ کردند با حسین بر او باد درود و پیروی کردند
وبايعت وتابعت على قتله اللهم العنهم جميعا
و بیعت کردند بر کشتن او خداوندا لعنت کن ایشان را همه
پس صد مرتبه السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى
بگوید درود باد بر تو ای ابا عبدالله و بر
الارواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام
جانها که فرود آمده از ساحت تو بر تو باد از من درود

الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله
خدا همیشه مادام که باقی باشد و باقی باشد شب و روز و نگرداند آن را
الله آخر العهد مني لزيارتكم السلام على الحسين
خدا آخر عهد از من مر زیارت شما درود بر حسین
وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى
و بر علی پسر حسین و بر اولاد حسین و بر
اصحاب الحسين عليه السلام پس اللهم
یاران حسین بر او باد درود بگوید خداوندا
خص انت اول ظالم باللعن مني وابدأ به اولا
مخصوص گردان تو اول ستم کننده بلعنت از من و ابتدا کن باو اول
ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن يزيد
پس دویم را پس سیم را پس چهارم را خداوندا لعنت کن یزید
ابن معوية خامسا والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة
پسر معویه را پنجم و لعنت کن عبیدالله پسر زیاد را و پسر مرجانه را
وعمر بن سعد وشمرا وآل ابي سفيان وآل زياد و
و عمر پسر سعد و شمر و آل ابو سفیان و زیاد را و

لزیارتک
صح

آل زیاد و مروان و آل مروان الی یوم القیمة

آل زیاد و مروان و آل مروان تا روز قیامت

پس بسجده برود

اللهم لک الحمد حمد الشاکرین لک

و بگوید بار خداوندا مر تراست حمد حمد کردن شکر کنندگان مر ترا

علی مصابهم الحمد لله علی عظیم رزیتی اللهم

بر مصیبتهای ایشان حمد مر خدا را بر مصیبت بزرگ من خداوندا

ارزقنی شفاعة الحسین علیه السلام یوم الورود

روزی کن مرا شفاعت حسین براو باد درود در روز قیامت

و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اولاد

و ثابت گردان مرا قدم راستی نزد تو با حسین و اولاد

الحسین و اصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم

حسین و یاران حسین که دادند جانهای خود را

دون الحسین علیه السلام پس دو رکعت نماز بگذارد و بگوید

نزد حسین براو باد درود

اللهم انی لک صلیت و لک رکعت و لک

خداوندا بدرستی که مر ترا نماز کردم و مر ترا رکوع کردم و مر ترا

سجدت

سجدت وحدک لا شریک لک لانه لا تجوز الصلوة

سجود کردم و یگانه تو نیست شریکی مر ترا زیرا که جایز نیست نماز

و الرکوع و السجود الا لک لانک انت الله لا اله

و رکوع و سجود مگر ترا زیرا که توئی خدا نیست خدائی

الا انت اللهم صل علی محمد و آل محمد و

مگر تو خداوندا رحمت بر محمد و آل محمد و

ابلغهم عنی افضل السلام و التحیة و اردد علی

برسان ایشان را از من بهتر درود و تحیت و برگردان بسوی

منهم السلام اللهم و هاتان الرکعتان هدیة منی

از ایشان درود خداوندا و این رکعتان هدایت از من

الی سیدی و مولای الحسین بن علی علیهما

بسوی آقای من و مولای من حسین پسر علی بر ایشان باد

السلام اللهم صل علی محمد و آله و تقبلهما

درود خداوندا رحمت بر محمد و آل او و قبول کن آنها را

منی و اجرنی علیهما افضل املی و رجائی فیک

از من و جزا کن مرا بر آن بهتر آرزوی من و امید من در تو

وفي وليك يا ولي المؤمنين بعد از فراغ از نماز
و در دوست تو اي دوست گردانندگان اينند عا را بخواند
يا الله يا الله يا الله يا مجيب دعوة المضطرين
ايخدا ايخدا ايخدا اي اجابت كننده دعاي بيچارگان
ويا كاشف كرب المكروبين ويا غياث
واي برطرف كننده اندوه غمناكان واي فرياد رس
المستغيثين ويا صريخ المستصرخين ويا من
پناه آورندگان واي چاره ساز ناله كنندگان واي آنكه
هو اقرب الي من حبل الوريد ويا من يحول بين
او نزديكتر است بمن از رگ گردن واي آنكه حايل ميشود ميان
المرء وقلبه ويا من هو بالمنظر الاعلى وبالافق
مرد و دل او واي آنكه اوست نظرگاه بلندتر و بر همه شرف
المبين ويا من هو الرحمن الرحيم على العرش استوى
روشن واي آنكه اوست بخشاينده مهربان بر عرش مستولي
ويا من يعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور
واي آنكه ميداند خيانت ديدها را وآنچه پنهان ميكنند سينها را

ويا من لا تخفى عليه خافية ويا من لا تشتبه عليه
واي آنكه پوشيده نيست بر او پنهاني واي آنكه مشتبه نميكردد براو
الاصوات ويا من لا تغلطه الحاجات ويا من
صداها واي آنكه بغلط نمي‌افكند او را حاجتها واي آنكه
لا يبرمه الحاح الملحين يا مدرك كل فوت ويا
دلتنك نميكردد از الحاح الحاح كنندگان اي دريابنده هر گريخته واي
جامع كل شمل ويا بارئ النفوس بعد الموت
جمع كننده هر پراكنده واي آفريننده جانها بعد از مردن
يا من هو كل يوم في شأن يا قاضي الحاجات يا
اي آنكه او هر روز در كاريست اي برآورنده حاجتها اي
منفس الكربات يا معطي السؤلات يا ولي
زايل كننده غمها اي عطا كننده سؤالها اي دهنده
الرغبات يا من يكفي من كل شيء ولا يكفي
خواهشها اي كفايت كننده در امور هر چيزي و كفايت نكند
منه شيء في السموات اسئلك بحق محمد خاتم
از او چيزي در آسمانها سوال ميكنم ترا بحق محمد آخر

النبيين وعلى امير المؤمنين وبحق فاطمة بنت نبيك

پیغمبران و علی پادشاه گروندگان و بحق فاطمه دختر پیغمبر تو

وبحق الحسن والحسين فاني بهم اتوجه اليك

و بحق حسن و حسین پس بدرستی که من بایشان رو کنم بسوی تو

في مقامي هذا وبهم اتوسل وبهم انشفع اليك

درین مقام و بایشان توسل میجویم و بایشان شفیع میگردانم بتو

وبحقهم اسئلك واقسم واعزم عليك وبالشان

و بحق ایشان سوال میکنم از تو و قسم میدهم و تاکید میکنم بر تو و بآن حالت

الذي لهم عندك وبالقدر الذي لهم عندك

که مر ایشانرا از نزد تو و باندازه آنچنانی که مر ایشانراست نزد تو

وبالذي فضلتهم على العالمين وباسمك الذي

و بآنچه فضیلت داده ایشانرا بر جهانیان و بنام تو که

جعلته عندهم وبه خصصتهم دون العالمين

گردانیده او را نزد ایشان و بآن مخصوص گردانیده ایشانرا بغیر از عالمیان

وبه ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العالمين

و بآن ممتاز گردانید ایشانرا و فضیلت داده ایشانرا از فضیلت عالمیان

حتى فاق فضلهم فضل العالمين اسئلك ان تصلي

تا آنکه فایق شده فضیلت ایشان بر فضیلت عالمیان سوال میکنم از که رحمت فرستی

على محمد وآل محمد وان تكشف عني غمي وهمي و

بر محمد و آل محمد و آنکه کشف کنی از من غم مرا و هم مرا

كربي وتكفيني المهم من اموري وتقضي عني

اندوه مرا و کفایت کنی مرا مهم مرا از امور من و برآوری از من

ديني وتجيرني من الفقر وتجيرني من الفاقة و

دین مرا و پناه دهی مرا از فقر و پناه دهی مرا از فاقه و

تغنيني عن المسئلة الى المخلوقين وتكفيني هم

بی نیاز گردانی مرا از طلب کردن بسوی مخلوقین و دفع کنی از من هم

من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة

آنکه میترسم از غم او و دشواری آنکه میترسم از دشواری او و ناهمواری

من اخاف حزونته وشر من اخاف شره ومكر

آنکه میترسم از ناهمواری او و بدی آنکه میترسم از بدی او و فریب آنکه

من اخاف مكره وبغي من اخاف بغيه وجور

میترسم از فریب او و زیادتی آنکه میترسم از زیادتی او و ستم

مَنْ اَخافُ جَوْرَهُ وَسُلْطانَ مَنْ اَخافُ سُلْطانَهُ

اگه میترسم از ستم او و استیلای اگه میترسم از استیلای او

وَمَقْدِرَةَ مَنْ اَخافُ بَلاءَ مَقْدِرَتِهِ عَلَيَّ وَتَرُدُّ

و قدرت او آنکه میترسم از بلای قدرت او بر من ورد کنی

عَنّي كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ اَللّٰهُمَّ

از من فریب فریب دهندگان و مکر مکرکنندگان خداوندا

مَنْ اَرادَني فَارِدْهُ وَمَنْ كادَني فَكِدْهُ وَاصْرِفْ عَنّي

هرکه اراده کند مرا پس اراده کن او را و هرکه مکر کند مرا پس مکر کن او را و بگردان از من

كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَاْسَهُ وَاَمانِيَّهُ وَامْنَعْهُ عَنّي

فریب او را و مکر او را و بدی او را و آرزوهای او را و منع کن او را از من

كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّى شِئْتَ اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنّي بِفَقْرٍ

بهر نحو که خواهی و هرجا که خواهی خداوندا مشغول گردان او را از من

لا تَجْبُرُهُ وَبِبَلاءٍ لا تَسْتُرُهُ وَبِفاقَةٍ لا تَسُدُّها

که برطرف نکنی از او و ببلائی که نپوشانی او را و بفاقه که سد نکنی از او

وَبِسُقْمٍ لا تُعافيهِ وَذُلٍّ لا تُعِزُّهُ وَبِمَسْكَنَةٍ لا تَجْبُرُها

و به بیماری که عافیت ندهی او را و بذلتی که بدل نکنی و ببدحالی که زایل نگردانی از او

اللهم

اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ وَاَدْخِلْ

خداوندا بگردان خواری را در برابر دیدهای او و داخل گردان

عَلَيْهِ الْفَقْرَ في مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ في بَدَنِهِ

بر او شکستگی را در خانه او و علت و بیماری در بدن او

حَتّى تَشْغَلَهُ عَنّي بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا فَراغَ لَهُ وَاَنْسِهِ

تا مشغول گردانی از من بشغلی مشغول که فارغ نگردد از آن و فراموش گردان

ذِكْري كَما اَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ وَخُذْ عَنّي بِسَمْعِهِ

ذکر مرا چنانکه فراموش کردی یاد خود را و بگیر او را از من بگوش او

وَبَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَميعِ جَوارِحِهِ

و دیده او و زبان او و دست او و پای او و دل او و جمیع اعضای او

وَاَدْخِلْ عَلَيْهِ في جَميعِ ذلِكَ السُّقْمَ وَلا تَشْفِهِ

و داخل گردان بر او در همه این بیماری و شفا مده او را

حَتّى تَجْعَلَ ذلِكَ لَهُ شُغْلاً شاغِلاً بِهِ عَنّي وَعَنْ

تا آنکه بگردانی آنرا برای او شغلی که مشغول گرداند او را از من و از

ذِكْري وَاكْفِني يا كافِيَ مَنْ لا يَكْفي سِواكَ فَاِنَّكَ

یاد من و بس باز ای کارساز آنچه نتواند ساخت غیر تو پس تو ای

الکافی لا کافی سواک ومفرج لا مفرج سواک
کارساز که بجز تو کارسازی نیست وتوئی فرج دهنده که نیست فرجی غیر تو
ومغیث لا مغیث سواک وجار لا جار سواک خاب
وتوئی فریادرسنده که نیست فریادرس غیر تو وتوئی امان دهنده که نیست امان دهنده
من کان رجاؤه سواک ومغیثه سواک ومفزعه
هرکه باشد امید او غیر تو وفریادرس او غیر تو وپناه او
الی سواک ومهربه وملجاؤه الی غیرک ومنجاه
بسوی غیر تو وگریزگاه او وپناه بردن او بسوی غیر تو وخلاص او
من مخلوق غیرک فانت ثقتی ورجائی ومفزعی
از آفریده غیر تو پس توئی محل اعتماد من وامیدگاه من وپناه من
ومهربی وملجائی ومنجای فبک استفتح وبک
ومحل التجا وخلاص من در تو طلب گشایش میکنم وبتو
استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه الیک
طلب برآوردن حاجت میکنم وبمحمد وآل محمد رو میکنم بتو
واتوسل واتشفع فاسئلک یا الله یا الله یا
وتوسل میجویم وطلب شفاعت میکنم پس سؤال میکنم از تو ای خدا ای خدا ای خدا

ومهربه وملجاه نسخه ام

فلک

فلک الحمد ولک الشکر والیک المستعان فاسئلک
پس تراست حمد ومر تراست شکر وبتست استعانت پس سؤال میکنم ترا
یا الله یا الله یا الله بحق محمد وآل محمد ان
ای خدا ای خدا بحق محمد وآل محمد که
تصلی علی محمد وآل محمد وان تکشف عنی غمی
رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وآنکه بگشائی از من غم مرا
وهمی وکربی فی مقامی هذا کما کشفت عن نبیک
وهم مرا واندوه مرا در مقام من این چنانکه گشوده از پیغمبر تو
همه وغمه وکربه وکفیته هول عدوه فاکشف
اندوه وغم وشدت ودفع کردی از او بیم دشمن او را پس بگشا
عنی کما کشفت عنه وفرج عنی کما فرجت
از من چنانکه گشودی از او وفرج ده از من چنانکه فرج دادی
عنه واکفنی کما کفیته واصرف عنی هول
از او وکفایت کن مرا چنانکه کفایت کردی از او وبگردان از من ترس
ما اخاف هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهم
آنچه میترسم از حرج او واندوه او آنچه میترسم از حرج او واندوه

ما اخاف همه بلا مؤنة على نفسي من ذلك وصرفني
آنچه میترسم از اندوه او بی آنکه مشقتی بوده بر جان من از آن و برگردان مرا

بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمني همه من امر
با براوردن حاجتهای من و کارسازی آنچه مرا باندوه دارد از امر

آخرتي ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله
آخرت من و دنیای من ای پادشاه گروندگان وای اباعبدالله

عليكما مني سلام الله ابدا ما بقي الليل والنهار
بر شما باد از من سلام خدا همیشه مادام که باقی باشد شب و روز

ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكما و
و نگرداند او را خدا آخر عهد من از زیارت شما و

لا فرق الله بيني وبينكما اللهم احيني حيوة
جدائی نیفکند خدا میان من و میان شما خداوندا زنده دار مرا زندگانی

محمد وذريته وامتني مماتهم وتوفني على
محمد و فرزندان او و بمیران مرا مردن ایشان و بمیران بر

ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم
ملت ایشان و حشر کن مرا در گروه ایشان و جدائی میفکن میان من و میان ایشان

طرفة عين ابدا في الدنيا والآخرة يا امير المؤمنين
یک چشم زدن همیشه در دنیا و آخرت ای پادشاه گروندگان

ويا ابا عبد الله اتيتكما زائرا ومتوسلا الى الله
وای اباعبدالله آمده ام نزد شما زیارت کننده و وسیله جوینده بخدا

ربي وربكما ومتوجها اليه بكما ومستشفعا
پروردگار من و پروردگار شما و توجه نماینده بسوی او بشما و طلب شفاعت جوینده

بكما الى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي فان لكما
بشما بسوی خدا در این حاجت این پس شفاعت کنید مرا که بدرستی شما را

عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه
نزد خدا منزلت پسندیده و مرتبه معلوم

والمنزل الرفيع والوسيلة اني انقلب عنكما
و مکان بلند و وسیله که من برمیگردم از شما

منتظرا لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها
انتظار برنده برای براوردن حاجت و حکم آن

من الله بشفاعتكما لي الى الله في ذلك فلا
از خدا بشفاعت شما از شما بسوی خدا در این پس

اخيب ولا يكون منقلبي منقلبا خائبا خاسرا
نا امید نشوم و نخواهد بود برگشتن من برگشتن نا امیدی و زیانکاری
بل يكون منقلبي منقلبا مفلحا منجحا مستجابا لي
بلکه باشد برگشتن من برگشتن رابح و رستگاری و برآوردن حاجت
بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله انقلب
برآوردن همه حاجتهای من و شفاعت کنید شما بسوی خدا برمیگردم
على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله مفوضا
بر آنچه خواهد خدا و نیست یاوری و نه قوتی مگر بخدا که تفویض کرده ام
امري الى الله ملجئا ظهري الى الله ومتوكلا
امر خود را بسوی خدا و داده ام پشت خود را بسوی خدا و توکل کننده
على الله واقول حسبي الله وكفى سمع الله
بر خدا و میگویم بس است خدا و کافیست و مستجاب کرد خدا
لمن دعا ليس لي وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى
دعای دعا کننده نیست مرا بغیر از خدا و بغیر شما ای آقای من
ما شاء ربي كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول
آنچه خواهد پروردگار من باشد و آنچه نخواهد نباشد و نه حولی

ولا قوة الا بالله استودعكما الله ولا جعله
و نه قوتی مگر بخدا میسپارم شما را بخدا و نگرداند او را
الله آخر العهد مني اليكما انصرفت يا سيدي
خدا آخر عهد مرا بسوی شما برگردیدم ای آقای من
يا امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا عبد الله
ای پادشاه گروندگان و آقای من و تو نیز ای ابا عبد الله
يا سيدي وسلامي عليكما متصل
ای آقای من و سلام من بر شما متصل است
ما اتصل الليل والنهار واصل ذلك اليكما
تا متصل است شب و روز رسیده است این سلام بشما
غير محجوب عنكما سلامي ان شاء الله واسأله
نه ممنوع شده از شما سلام من اگر خواسته خدا و سؤال میکنم او را
بحقكما ان يشاء ذلك ويفعل فانه
بحق شما اگر خواهد آنرا و بکند پس او
حميد مجيد انقلبت يا سيدي عنكما تائبا
ستوده و بزرگوار است برگردیدم ای آقای من از شما توبه کننده

حامداً لله شاكراً راجياً للاجابة غير آيسٍ ولا قانطٍ

ستایش کننده مر خدا را شکر کننده امیدوار اجابت دعا نا امید و نه محروم

آئباً عائداً راجعاً الى زيارتكما غير راغبٍ عنكما

بر گردم و عود کنم رجوع کننده بزیارت شما نه آنکه رغبت نمایم از شما

ولا عن زيارتكما بل راجعٌ عائدٌ ان شاء الله ولا

و نه از زیارت شما بلکه رجوع کنم و عود کنم اگر خواهد خدا و نیست

حول ولا قوّة الا بالله العلي العظيم يا سادتي

حول و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ ای آقای من

رغبت اليكما والى زيارتكما بعد ان زهد

رغبت کردم بشما و بسوی زیارت شما بعد از آنکه ترک کرده

فيكما وفي زيارتكما اهل الدنيا فلا

در شما و در زیارت شما اهل دنیا پس

خيّبني الله مما رجوت وما املت في زيارتكما

نا امید نگرداند خدا از آنچه امید دارم و آنچه آرزو دارم در زیارت شما

زیارت — انه قريب مجيب — اربعین

که او نزدیک اجابت کننده است

السلام على ولي الله وحبيبه السلام على

سلام بر پیغمبر خدا و دوست او سلام بر

خليل الله ونجيبه السلام على صفي الله وابن

دوست خدا و برگزیده او درود بر اختیار کرده خدا و پسر

صفيّه السلام على الحسين المظلوم الشهيد

اختیار کرده او درود بر حسین مظلوم شهید

السلام على اسير الكربات وقتيل العبرات

درود بر اسیر غمها و کشته گریها

اللهم اني اشهد انه وليّك وابن وليّك و

خداوندا بدرستی که گواهی میدهم که او دوست تست و پسر دوست تو و

صفيّك وابن صفيّك الفائز بكرامتك اكرمته

برگزیده تو و پسر برگزیده تو که رستگار گردیده بگرامی داشتن تو

بالشهادة وحبوته بالسعادة واجتبيته بطيب

بشهید شدن و عطا کرده او را بسعادت و اختیار کرده او را بپاکی

الولادة وجعلته سيّداً من السادة وقائداً

ولادت و گردانیده او را بزرگی از بزرگان و راهنمائی

مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ
از راهنمایان و حمایت کننده از حمایت کنندگان و بخشیده باو میراثهای
الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ
پیغمبران را و گردانیده او را حجت بر خلق خود از اوصیا
فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ
پس عذر خود را تمام کرد در دعوت مردم بدین حق و در باخت جان خود را در تو
لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ
تا خلاصی بخشد بندگان ترا از نادانی و حیرانی گمراهی
وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ
و بتحقیق یاری یکدیگر کردند بر او که فریب داده بود دنیا و فروخته بودند بهره خود را
بِالْأَرْذَلِ الْأَدْنَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ
از آخرت بزبون و فروختند آخرت را بقیمت بسیار کم
وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ
و تغطرس آمدند و افتادند در گودال خواهشها و بخشم آوردند
نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ
پیغمبر ترا و اطاعت کردند از عباد تو اهل مخالف و نفاق

وحملة

وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ
و حاملان گناهها را و آنها که مستوجب اند آتش را پس کارزار کرد با ایشان
فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ
در تو صبر کننده طلب اجر کننده تا آنکه ریخته شده در طاعت تو خون او
وَاسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيلًا وَ
و مباح کرده شده حرمت او خداوندا پس لعن کن بر ایشان را لعنی سخت و
عَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ
عذاب کن ایشان را عذابی دردناک درود بر تو ای پسر رسول
اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ
خدا درود بر تو ای پسر بزرگ اوصیا
أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا
گواهی میدهم که تو امین خدائی و پسر امین او زندگانی کردی سعادتمند
وَمَضَيْتَ حَمِيدًا وَمُتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا
و رفتی از دنیا ستوده و مردی خبر شده و ستم رسیده شهید
وَأَشْهَدُ أَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ لَكَ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ
و گواهی که خدا میکند برای تو آنچه وعده داده و هلاک میکرداند آنها که ترا یاری نکردند

ومعذّب من قتلك واشهد انّك وفيت بعهد الله
و عذاب کننده کسی که کشته ترا وگواهی میدهم که تو وفا کردی به پیمان خدا
وجاهدت في سبيل الله حتّى اتيك اليقين
وجهاد کردی در راه خدا تا آمد ترا یقین
فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن
پس لعنت کند خدا کسی که کشت ترا ولعنت کند خدا کسی که ظلم کرد ترا ولعنت کند
الله امّة سمعت بذلك فرضيت به اللّهمّ انّي
خدا گروهی را که شنیدند بآن پس خشنود شدند بآن خداوندا که من
اشهدك انّي وليّ لمن والاه وعدوّ لمن عاداه
گواه میگیرم ترا که من دوستم آنرا که دوست است ودشمنم آنرا که دشمن است
بابي انت وامّي يا بن رسول الله اشهد انّك
پدر و مادرم فدای تو ای پسر رسول خدا گواه میگیرم که تو
كنت نوراً في الاصلاب الشامخة و
بودی نوری در پشتهای بلند مرتبه و
الارحام المطهّرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها
رحمهای پاکیزه نجس نکرد ترا جاهلیت بنجاستهای خود

ولم تلبسك المدلهمّات ثيابها واشهد انّك
وپوشیده ترا تیرها ازجامههای خود وگواه میگیرم که تو
من دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل
از ستونهای دین ورکنهای مسلمانان وپناه
المؤمنين واشهد انّك الامام البرّ التقيّ الرضيّ
مؤمنان وگواه میگیرم که توئی پیشوای نیکوکار پسندیده
الزكيّ الهادي المهديّ واشهد انّ الائمّة
پاک راهنمای هدایت یافته وگواه میگیرم که امامان
من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى و
از فرزندان تو کلمهٔ پرهیزکاری ونشانهای راه یافته و
العروة الوثقى والحجّة على اهل الدنيا و
حلقهای محکم اند وحجت بر اهل دنیا و
اشهد انّي بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع
گواه میگیرم که من بشما گرونده ام وبرگشتن شما یقین دارم بشرایع
ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري
دین وخاتمهٔ عمل خود ودل من برای دل شما منقاد است وامر من

لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللهُ

مر امر شما را پیروی ویاری من مرشما را مهیاست تا رخصت دهد خدا

لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللهِ

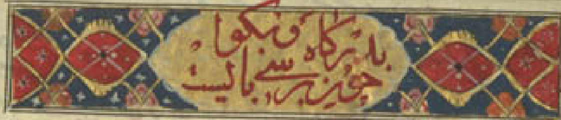
مرشما را پس با شما نه با دشمن شما رحمتهای خدا

عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ

برشما و بر جانهای شما و بدنهای شما و حاضر شما

وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و غایب شما و ظاهر شما و باطن شما اجابت کن ای پروردگار جهانیان



أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مراورا

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و گواهی میدهم که محمد رحمت خدا بر او و آل او

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ زیارت جامعهٔ کبیر که در هر روضه خوانده میشود

بندهٔ او و رسول او است

السلام

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ

سلام برشما ای اهل خانوادهٔ پیغمبر و جایگاه

الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ

پیغامهای الهی و محل آمدن فرشتگان و جای فرود آمدن وحی

وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَخُزَّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَ

و قرارگاه رحمت خدا و خزانه داران علم و صاحبان نهایت بردباری

أُصُولَ الْكَرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ وَأَوْلِيَاءَ النِّعَمِ

ریشهٔ کرمهای خدا و پیشوایان امتها و وسیلههای نعمتهای

وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ وَسَاسَةَ

و اصل جمیع نیکوکاران و ستون علو برگزیدگان و تدابیر کنندگان

الْعِبَادِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ

جمیع بندگان و موجب همگی شهرهای دنیا و درهای ایمان

وَأُمَنَاءَ الرَّحْمٰنِ وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ

و امینان خداوند مهربان و فرزندان پیغمبران و برگزیدگان

الْمُرْسَلِينَ وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةُ

فرستادگان و خویش و فرزند برگزیده پروردگار جهانیان و رحمت

الله وبركاته السلام على أئمة الهدى ومصابيح

خدا وبرکتهای او درود بر ائمه راهنما وچراغهای

الدجى وأعلام التقى وذوي النهى وأولي الحجى و

تاریکی ونشانهای راه پرهیزکار وصاحبان عقل وارباب زیرکی و

كهف الورى وورثة الأنبياء والمثل

پناه همه خلایق ووارثان جمیع پیغمبران ومثل

الأعلى والدعوة الحسنى وحجج الله على أهل

بلند ودعای نیکو وحجتهای خدا بر اهل

الدنيا والآخرة والأولى ورحمة الله وبركاته

دنیا وآخرت ودنیا ورحمت خدا وبرکتهای او

السلام على محال معرفة الله ومساكن بركة الله

سلام بر محل شناخت خدا وجایگاه برکتهای خدا

ومعادن حكمة الله وحفظة سر الله وحملة

وقرارگاه حکمتهای خدا ونگاهدارندگان راز خدا وبردارندگان

كتاب الله وأوصياء نبي الله وذرية

کتاب خدا ووصیتهای پیغمبر خدا وفرزندان

رسول

رسول الله صلى الله عليه وآله ورحمة الله

رسول خدا رحمت خدا براو وآل او ورحمت خدا

وبركاته السلام على الدعاة إلى الله

وبرکتهای او سلام بر خوانندگان خلق بسوی خدا

والأدلاء على مرضات الله والمستوفرين في

وراهنمایان بر خشنودی خدا وبسیار طاعت کنندگان در

أمر الله والتامين في محبة الله والمخلصين

امر خدا وکاملان در دوستی خدا وخالص کرده شده

في توحيد الله والمظهرين لأمر الله ونهيه

در یگانه پرستی خدا وظاهر کنندگان امر خدا ونهی او

وعباده المكرمين الذين لا يسبقونه

وبندگان او گرامی داشته که پیشی نمیگیرند او را

بالقول وهم بأمره يعملون ورحمة الله وبركا

بگفتار وایشان بامر خدا عمل مینمایند ورحمت خدا وبرکتهای او

السلام على الأئمة الدعاة والقادة الهداة

سلام بر پیشوایان خوانندگان وکشندگان براه حق

والسادة الولاة والذادة الحماة واهل الذكر

وبزرگواران وپادشاهان دین ودفع مضرت کنندگان واهل ذکر

واولی الامر وبقیة الله وخیرته وحزبه وعیبة

وصاحبان امر وبقیهٔ دوستان خدا وبرگزیدگان او وگروه خدا وصندوق

علمه وحجته وصراطه ونوره وبرهانه ورحمة

علم خدا وحجت خدا وراه راست خدا ونور خدا ودلیل او ورحمت

الله وبرکاته اشهد ان لا اله الا الله

خدا وبرکتهای او گواه میکیرم که نیست خدائی مگر خدای

وحده لا شریك له کما شهد الله لنفسه وشهدت

یگانه نیست شریکی مراورا چنانکه گواهی داده خدا از برای خدا وگواه داد

له الملائکة واولوا العلم من خلقه

مراورا فرشتگان وصاحبان علم از خلق او

بانه لا اله الا هو العزیز الحکیم واشهد ان

بانکه نیست خداوندی مگر اوست غالب محکم کار وگواه میکیرم که

محمدا عبده المنتجب ورسوله المرتضی و

محمد بندهٔ اوست که اختیار کرده ورسول او پسندیده و

ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین

فرستاده است بهدایت ودین درست تا غالب گرداند بر دین

کله ولو کره المشرکون واشهد انکم الائمة

همه وهرچند ناخوش دارند مشرکان وگواه میکیرم که پیشوایان

الراشدون المهدیون المعصومون المکرمون

مستقیمایند براه حق هدایت یافتگان نگاهداشتگان گرامیداشتگان

المقربون المتقون الصادقون المصطفون

قرب یافتگان پرهیزکاران راستگویان برگزیدگان

المطیعون لله القوامون بامره العاملون

فرمانبرداران مر خدارا وارندگان بامر خدا عمل کنندگان

بارادته الفائزون بکرامته اصطفاکم بعلمه

بارادهٔ خدا رستگاران بگرامی بودن برگزیده است شمارا برای علم او

وارتضاکم لغیبه واختارکم لسره واجتباکم

واختیار کرده شمارا برای غیب واختیار کرده برای راز خود واختیار کرده

بقدرته واعزکم بهداه وخصکم ببرهانه

بقدرت خود وعزیز کرده شمارا بهدایت خود ومخصوص کرده است شمارا بحجت خود

وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَاَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ

و برگزید شما را بنور خود و تقویت بخشید شما را بروح و پسندید شما را جانشینان

فِي اَرْضِهِ وَحُجَجاً عَلَى بَرِيَّتِهِ وَاَنْصَاراً لِدِينِهِ

در زمین خود و حجتها بر آفریدگان و یاوران برای دین خود

وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ

و نگاهدارندگان راز خود و خزینه داران علم خود و امانت داران برای حکمت خود

وَتَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ وَاَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَدَاءَ

و ترجمه کنندگان برای وحی خود و ستونها برای یگانه پرستی او و گواهان

عَلَى خَلْقِهِ وَاَعْلَاماً لِعِبَادِهِ وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ

بر خلق خود و نشانها برای بندگان خود و روشنی در شهرهای خود

وَاَدِلَّاءَ عَلَى صِرَاطِهِ عَصَمَكُمُ اللّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ

و راهنمایان بر راه خود نگاهداشت شما را خدا از لغزش و

آمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَاَذْهَبَ

ایمن گردانید شما را از فتنها و پاک کرد شما را از چرکنی و برد

عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ

از شما پلیدی را و پاک کرد شما را پاک کردنی پس بزرگ شمردید جلالت او را

وَاَكْبَرْتُمْ شَاْنَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَاَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَ

و بزرگی یاد کردید کار او را و عظیم نمودید بزرگواری او را و دائم داشتید ذکر او را و

وَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ وَاَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ

و تاکید کردید پیمان او را و محکم کردید گره فرمانبرداری او و خیرخواهی کردید

لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ اِلَى سَبِيلِهِ

مر او را در پنهان و آشکار و خواندید بسوی راه او

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَبَذَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ

بحکمت و موعظه نیکو و بذل کردید نفسهای شما را

فِي مَرْضَاتِهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا اَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ

در خشنودی او و صبر کردید بر آنچه رسید شما را در پهلوی خود

وَاَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ

و بپا داشتید نماز را و دادید زکوت را و امر کردید بمعروف

وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمْ فِي اللّهِ حَقَّ

و نهی کردید از منکر و جهاد کردید در راه خدا حق

جِهَادِهِ حَتَّى اَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَ

کارزار او تا آشکار گردید دین او را و بپا داشتید واجبات او را و

أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ

بر پا داشتید حدهای او را و پهن کردید شرایع احکام او را

وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى

و ظاهر کردید راههای او را و گردیدید در این از او بسوی

الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ

خشنودی و گردن نهادید مر او را حکم و تصدیق کردید از پیغمبران او

مَنْ مَضَى فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ

هر که گذشته پس هر که رغبت کند از شما بدر رفته و لازم طریقه شما

لَاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ

ملحق میشود و کوتاهی در حق شما هالکست و حق با شما

وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ

و در شما و از شما و بسوی شما و شما اهل و محل قرار حق

وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ

و میراث پیغمبری نزد شما و بازگشت خلق بسوی شما

وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ

و حساب ایشان بر شماست و جدا کننده حق و باطل نزد شما

وَآيَاتُ اللهِ لَدَيْكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ

و آیتهای خدا نزد شماست و امور لازمه خدا در شما و نور او و حجت او

عِنْدَكُمْ وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى

نزد شما و امر او بسوی شما کسی که دوست دارد شما را پس بتحقیق دوست داشته

اللهَ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللهَ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ

خدا و هر که دشمن دارد شما را پس بتحقیق دشمن دارد خدا را و هر که دوست دارد شما را

فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللهَ

پس بتحقیق دوست دارد خدا و هر که دشمن شماست پس بتحقیق دشمن دارد خدا را

وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ أَنْتُمُ السَّبِيلُ

و هر که چنگ در زد بشما پس بتحقیق چنگ در زده بخدا شمایید راه

الْأَعْظَمُ وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَشُهَدَاءُ دَارِ

بزرگ خدا و راه راست خدا ایستاده و گواهان خانه

الْفَنَاءِ وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ

نیستی دنیا و شفیعان خانه پایندگی و رحمت پیوسته

وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَالْبَابُ

و علامت بزرگی که خزینه نهاده و امانت خدا که حفظ شده و درگاه

المبتلى به الناس من اتاكم فقد نجى ومن لم

که امتحان کرده بآن مردمان هرکه بنزد شما آمد پس بتحقیق نجات یافت و هرکه

یأتکم فقد هلک الی الله تدعون وعلیه تدلون

نیامد بشما پس بتحقیق هلاک شد بسوی خدا میخوانید و براو دلالت میکنید

وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون

و بآن میگروید و بآن انقیاد مینمایید و بامر او عمل میکنید

والی سبیله ترشدون وبقوله تحکمون

و بسوی راه او ارشاد میکنید و بگفته او حکم میکنید

سعد والله من والاکم وهلک من عاداکم

سعادتمند شد بحق خدا هرکه با شما دوستی کرد و هلاک شد هرکه دشمنی کرد

وخاب من جحدکم وضل من فارقکم وفاز من

و ناامید شد هرکه انکار شما کرد و گمراه شد هرکه از شما جدا شد و رستگار شد هرکه

تمسک بکم وامن من لجأ الیکم وسلم من صدقکم

چنگ زد بشما و ایمن شد هرکه پناه آورد بشما و سلامت ماند هرکه تصدیق کرد شما را

وهدی من اعتصم بکم من اتبعکم فالجنة مأواه

و هدایت یافت هرکه دست زد بشما هرکه متابعت شما کرد پس بهشت جای اوست

ومن خالفکم فالنار مثواه ومن جحدکم کافر

و هرکه مخالفت شما کرد پس جهنم قرارگاه اوست و هرکه باور ندارد شما را کافر است

ومن حاربکم مشرک ومن رد علیکم فی اسفل

و هرکه با شما جنگ کرد مشرک او است و هرکه رد کرد بر شما در پایین ترین

درک من الجحیم اشهد ان هذا سابق لکم فیما مضی

جا است از جهنم گواهی میدهم که آنچه گفتم پیش بوده است برای شما در آنچه گذشته

وجار لکم فیما بقی وان ارواحکم ونورکم و

و جاریست برای شما در آنچه باقیست و آنکه روحهای شما و نور شما و

طینتکم واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض

طینت شما یکیست و حال آنکه نیکوست و پاکست و بعضی از آن از بعضی

خلقکم الله انوارا فجعلکم بعرشه محدقین

آفرید شما را خدا نوری پس گردانید شما را بعرش خود احاطه کرده شده

حتی من علینا بکم فجعلکم فی بیوت اذن

تا آنکه منت نهاد بر ما بشما پس گردانید شما را در خانها که مقرر کرده

الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه وجعل صلواتنا

خدا که بلند باشد و یاد کرده شود در آن نام او و گردانید درودهای ما را

وما خصنا به من ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة

و آنچه مخصوص کرده ما را بآن از دوستی شما نیکو کار برای آفرینش ما و پاکی

لأنفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا

برای جانهای ما و پاکیزه گردانی برای ما و برطرف کننده برای گناهان ما

فكنا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين

پس بودیم ما نزد خدا گردن نهندگان مر فضیلت شما را و شناخته شدگان

بتصديقنا إياكم فبلغ الله بكم أشرف محل

بباور داشتن ما شما را پس رسانید خدا بشما بهترین محل

المكرمين وأعلى منازل المقربين وأرفع

گرامی یافتگان و بالاترین منزلهای نزدیکان و بلندترین

درجات المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا

پایهای پیغمبران در جائی که بآن نرسد لحق شونده و نه آن

يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا يطمع في إدراكه

زیادتی نمیکند تفوق جوینده و بر آن پیشی نمیگیرد پیشی گیرنده و طمع نمیکند در دریافتن آن

طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل

طمع کننده تا آنکه باقی نماند فرشته مقرب و نه پیغمبر فرستاده شده

ولا

ولا صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا

و نه بسیار تصدیق کننده و نه گواه و نه دانائی و نه نادانی و نه

دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح

پست مرتبه و نه صاحب فضیلت و نه مؤمن شایسته و نه گنهکار بدکاری

ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق

و نه جبر کننده صاحب عناد و نه دیو تمرد کننده و نه آفریده

فيما بين ذلك شهيد إلا عرفهم جلالة أمركم

که در میان اینحال حاضر باشد مگر آنکه شناساند ایشان را بزرگی مرتبه شما

وعظم خطركم وكبر شأنكم وتمام نوركم

و عظیم بودن قدر شما را و بزرگی کار شما را و تمام بودن نور شما

وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم وشرف

و نیکی جایگاه شما را و ثابت بودن مقام شما را و شرافت

محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه

رتبه شما را و منزلت شما را نزد خود و گرامی بودن شما را بر خود

وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بأبي أنتم

و مخصوص بودن شما را نزد خود و نزدیکی منزلت شما را از خود پدر و مادرم

وَاُمّي وَاَهْلي وَمالي وَاُسْرَتي اُشْهِدُ اللهَ وَاُشْهِدُكُمْ

و امم و اهلم و مالم و خویشاوندانم فدای شما گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم

اَنّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِما آمَنْتُمْ بِهِ كافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ

که من ایمان آورده ام بشما و بآنچه ایمان آورده اید بآن و منکرم دشمن شما را

وَبِما كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلالَةِ مَنْ

و بآنچه شما انکار کرده اید بآن بینایم بر رفعت شان شما و بگمراهی که

خالَفَكُمْ مُوالٍ لَكُمْ وَلاَِوْلِيائِكُمْ مُبْغِضٌ لاَِعْدائِكُمْ

مخالفت کرده اند شما را دوستم شما را و مر دوستان شما را دشمنم مر دشمنان شما را

وَمُعادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ

و اظهار دشمنی ایشان میکنم منقادم هر که منقاد شماست و جنگم هر که جنگ است با شما

مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِما اَبْطَلْتُمْ مُطيعٌ لَكُمْ عارِفٌ

باور دارم هر چه را بتحقیق کرده اید باطل میکنم هر چه را که باطل کرده اید اطاعت کننده ام شما را

بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ

بحق شما اقرار کننده ام بفضل شما بر میدارم مر علم شما را پناه آورده ام

بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِاِيابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ

با امان شما معترفم بشما ایمان دارم بباز گشت شما تصدیق کرده ام برگشتن شما را

مُنْتَظِرٌ لاَِمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عامِلٌ

و انتظار میکشم مر امر شما را و منتظرم دولت شما را و گرفته ام گفته شما را عمل کننده ام

بِاَمْرِكُمْ مُسْتَجيرٌ بِكُمْ زائِرٌ لَكُمْ عائِذٌ بِكُمْ لائِذٌ

بامر شما امان میطلبم از شما متوسل شده پناه آورده ام بشما

بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ اِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَمُتَقَرِّبٌ

بقبرهای شما و شفیع کرده ام بسوی خدای غالب بزرگ و تقرب جویم

بِكُمْ اِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ اَمامَ طَلِبَتي وَحَوائِجي وَ

بشما باو و مقدم میدارم شما را در پیش مطلب شما و حاجتهای خود و

اِرادَتي في كُلِّ اَحْوالي وَاُمُوري مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

خواهشهای خود در همه حالها و کارهای خود ایمان دارم بر پنهان شما

وَعَلانِيَتِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ وَاَوَّلِكُمْ وَ

و آشکار شما و حاضر شما و غایب شما و اول شما و

آخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ في ذلِكَ كُلِّهِ اِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ

آخر شما و گذاشته ام اینها را همه بسوی شما گردن نهاده ام

فيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتي

در آن با شما و دل من مر شما را تسلیم کننده و رای من مر شما را تابع است و یاری من

لكم معدة حتى يحيي الله تعالى دينه بكم و

مرشمارا مهیاست تا آنکه زنده گرداند خدای تعالی دین خود را بشما و

يردكم في ايامه ويظهركم لعدله ويمكنكم

برگرداند شمارا در روزهای خود و ظاهر گرداند شمارا برای عدل خود و تمکین دهد شمارا

في ارضه فمعكم معكم لا مع عدوكم آمنت

در زمین خود پس من با شمایم نه با دشمن شما ایمان آورده ام

بكم وتوليت به آخركم بما توليت به اولكم

بشما و بامامت قبول کرده ام آخر شمارا چنانکه قبول کرده ام بآن اول شمارا و

برئت الى الله عز وجل من اعدائكم ومن الجبت

بیزارم بسوی خدای غالب بزرگ از دشمنان شما و از هرچه بغیر از خدا

والطاغوت والشياطين وحزبهم الظالمين

پرستند و دیو گمراه کننده و گروه ایشان ستم کنندگان

لكم والجاحدين لحقكم والمارقين من ولايتكم

مرشمارا و انکار کنندگان مر حق شما و بیرون رفته بودند از ولایت شما

والغاصبين لارثكم والشاكين فيكم والمنحرفين

و غصب کننده میراث شمارا و شک کنندگان در شما و منحرف شدگان

عنكم ومن كل وليجة دونكم وكل مطاع سواكم

از شما و از هر پیشوائی بغیر از شما و از هر اطاعت کننده بغیر شما

ومن الائمة الذين يدعون الى النار فثبتني الله

و از پیشوایان که مردم را میخوانند بسوی آتش پس ثابت بدارد مرا خدا

ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبتكم ودينكم

پیوسته تا زنده ام بر اعتقاد امامت شما و دوستی شما و دین شما

ووفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم و

و توفیق دهد مرا برای طاعت شما و روزی کند مرا شفاعت شما و

جعلني من خيار مواليكم التابعين لما دعوتم

گرداند مرا از نیکان معتقدان شما که تابع اند هرچه را خوانده اید

اليه وجعلني ممن يقتص آثاركم ويسلك

بآن و بگرداند مرا از آنها که پیروی کنند اثرهای شمارا و میروند

سبيلكم ويهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم

براه شما و هدایت می یابند براهنمای شما و محشور شوند در گروه شما

ويكر في رجعتكم ويملك في دولتكم ويشرف

و برگردند در بازگشت شما و پادشاهی می یابند در دولت شما و شرف می یابند

فِي عَافِيَتِكُمْ وَيُمَكَّنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا

در ایام عافیت شما و تمکین می یابد در ایام شما و روشن میشود دیده های ایشان فردا

بِرُؤْيَتِكُمْ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي

بدیدن شما پدر و مادرم فدای شما و جانم و اهلم و مالم

مَنْ أَرَادَ اللّٰهَ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَ

هر که اراده کرد خدا را ابتدا کرده اول بشما و هر که یگانه پرستی خدا کرده قبول کرده از شما و

مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوَالِيَّ لَا أُحْصِي ثَنَائَكُمْ

هر که قصد خدا کرده متوجه شده بشما ای آقای من نتوانم شمرد ثنای شما را

وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ

و نمیرسد از ستایش بکنهه شما و از وصف بقدر شما

وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ

و شمایید نور نیکان و راهنمای نیکوکاران و حجتهای خدا

الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللّٰهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ وَبِكُمْ يُنَزِّلُ

بشما گشود خدا و بشما ختم کرد و بشما میفرستد

الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ

باران را و بشما نگاه میدارد آسمان را اینکه نیفتد بر زمین

إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ وَبِكُمْ يَكْشِفُ الضُّرَّ

مگر باذن او و بشما دور و برطرف میکند غمها را و بشما زایل میکند حال بد را

وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ

و نزد شماست آنچه فرود آورده بآن پیغمبران او و بزیر آورده اند با و فرشتگان

وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ و اگر زیارت

و بسوی جد شما برانگیخته شده جبرئیل امین جناب

امیر المؤمنین وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ

باشد بجای و بسوی جد شما برانگیخته روح الامین

بگوید وَإِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ

و بسوی برادرت برانگیخته شده روح الامین

آتَاكُمُ اللّٰهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَأْطَأَ

داد شما را خدا آنچه نداد باحدی از عالمیان فرود آورد

كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ

هر صاحب شرفی نزد شرف شما و اقرار کرد هر متکبری بفرمانبرداری شما

وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَأَشْرَقَتْ

و فروتنی شده هر متجبری برای فضیلت شما و ذلیل شده هر چیزی برای شما و درخشید

الأرض بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم

زمین بنور شما و رستگار شدند رستگاران بامامت شما

بكم يسلك إلى الرضوان وعلى من جحد ولايتكم

بشما میتوان رفت بسوی خشنودی خدا و کسی که انکار امامت کرد ولایت شما

غضب الرحمن بأبي أنتم وأمي ونفسي وأهلي ومالي

خشم پروردگار است پدر و مادرم و جانم و اهلم و مالم فدای شما

ذكركم في الذاكرين وأسماؤكم في الأسماء

یاد شما در میان یاد کنندگان و نامهای شما در میان نامها

وأجسادكم في الأجساد وأرواحكم في الأرواح

و بدنهای شما در میان بدنها و روحهای شما در میان روحها

وأنفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم

و جانهای شما در میان جانها و اثرهای شما در میان اثرها و قبرهای شما

في القبور فما أحلى أسماءكم وأكرم أنفسكم

در میان قبرها و چه شیرینست نامهای شما و چه گرامیست جانهای شما

وأعظم شأنكم وأجل خطركم وأوفى عهدكم و

و بزرگست شان شما و بزرگست قدر شما و وفادارست عهد شما و

أصدق وعدكم كلامكم نور وأمركم رشد

راستست وعده شما کلام شما روشن است و امر شما صواب است

ووصيتكم التقوى وفعلكم الخير وعادتكم

و وصیت شما پرهیزکاری و کردار شما نیکست و عادت شما

الإحسان وسجيتكم الكرم وشأنكم الحق

نیکست و طبیعت شما کرم است و کار شما حق است

والصدق والرفق وقولكم حكم وحتم ورأيكم

و راستی و مدارا و گفتار شما حکمت است و حزم است و رای شما

علم وحلم وحزم إن ذكر الخير كنتم أوله وأصله

دانائی و بردباری و دور اندیشی است اگر یاد کرده شود نیکی شما باشید اول و بیخ آن

وفرعه ومعدنه ومأواه ومنتهاه بأبي أنتم وأمي

و شاخ آن و معدن آن و جایگاه آن و منتهای آن پدر و مادرم

ونفسي كيف أصف حسن ثنائكم وأحصي جميل

و جانم فدای شما چگونه وصف کنم نیکوئی ستایش شما را و بشمارم نعمت نیکوی

بلائكم وبكم أخرجنا الله من الذل وفرج

شما را و بشما بیرون آورد ما را خدا از خواری و بگشاد

عنا غمرات الكروب وانقذنا بكم من شفا جرف
ازما بسیاری غمها و خلاصی بخشید ما را بشما از کنار گودالی
الهلكات ومن النار بابي انتم وامي ونفسي
مهلکها و از آتش پدر و مادرم و جانم فدای شما
بموالاتكم علمنا الله معالم ديننا واصلح ما
بمتابعت شما آموخت ما را خدا جاهای دانستن دین ما و باصلاح آورد آنچه
كان فسد من دنيانا وبموالاتكم تمت الكلمة
کرده بود فاسد از دنیای ما و باعتقاد باامامت شما تمام شد کلمه
وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتكم
و بزرگ شده نعمت خدا و الفت یافت پراکندگیها بدوستی شما
تقبل الطاعة المفترضة ولكم المودة الواجبة
ستوده میشود با طاعت واجب شده و مرشما را دوستی واجب شده
والدرجات الرفيعة والمقام المحمود والمكان
و پایهای بلند و مقام ستوده و جایگاه
المعلوم عند الله عز وجل والجاه العظيم
معلوم نزد خدای غالب بزرگوار و رتبهٔ بزرگ

والشان الكبير والشفاعة المقبولة ربنا امنا
و حالت بزرگ و شفاعت قبول کرده پروردگارا گرویدیم
بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين
بانچه فرستاده و پیروی کردیم ما پیغمبر را پس بنویس ما را با گواهان
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا
پروردگارا میل مده بباطل دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را
من لدنك رحمة انك انت الوهاب سبحان ربنا
از نزد خود رحمتی بدرستی که توئی بخشنده پاکست پروردگار ما
ان كان وعد ربنا لمفعولا يا ولي الله ان بيني
اگر باشد وعده پروردگار ما کرده شده ای دوست خدا که میان من
وبين الله عز وجل ذنوبا لا ياتي عليها الا
و میان خدای غالب بزرگ گناه بسیارست که برطرف میکند آنها را مگر
رضاكم فبحق من ائتمنكم على سره واسترعاكم
خشنودی شما پس بحق کسی که امین گردانید شما را بر راز خود و طلب کرد از شما
امر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته لما استوهبتم
رعایت خلق خود و مقرون گردانید طاعت شما را با طاعت خود طلب نماید بخشش

ذنوبي وكنتم شفعائي فاني لكم مطيع من
گناهان مرا و باشيد شما شفيعان من پس من مر شمارا فرمانبردارم هر كه
اطاعكم فقد اطاع الله ومن عصاكم فقد عصى الله
فرمان شما برد پس فرمان خدا برده و هر كه نافرمانى كند شمارا پس نافرمانى كرده خدارا
ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم فقد
و هر كه دوست دارد شمارا پس دوست دارد خدارا و هر كه دشمن دارد شمارا پس
ابغض الله اللهم اني لو وجدت شفعاء اقرب
دشمن دارد خدارا خداوندا بدرستى كه مى يابم شفيعان كه نزديكترند
اليك من محمد واهل بيته الاخيار الائمة
بتو از محمد و اهل بيت او برگزيده پيشوايان
الابرار لجعلتهم شفعائي اليك فبحقهم الذي
نيكوكاران هر آينه گردانيدم ايشانرا شفيعان بتو پس بحق ايشان كه
اوجبت لهم عليك اسئلك ان تدخلني في
واجب گردانيده مر ايشانرا برتو سؤال ميكنم ترا كه در آورى مرا در
جملة العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة المرحومين
جمله شناسندگان ايشان و حق ايشان و در گروه كه رحمت يافته اند

بشفاعتهم

بشفاعتهم انك انت ارحم الراحمين وصلى الله
بشفاعت ايشان كه توئى رحيمتر از رحيمان و رحمت خدا
على محمد واله الطاهرين وسلم تسليما
بر محمد و آل او كه پاكانند و درود فرستاد درود
كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل
بسيار و بس است مارا خدا و نيكو نگهبانيست
پس بخوانند دعاى: السلام عليكم سلام مودع
وداع بخوانند سلام برشما سلام وداع كننده
لا سائم ولا قال ولا مال ورحمة الله وبركاته
كه ملال نيافته و جدا نشده و نه ملال و رحمت خدا و بركتهاى او
عليكم يا اهل بيت النبوة انه حميد مجيد
برشما اى اهل بيت نبوت كه او ستوده بزرگوار است
سلام ولي غير راغب عنكم ولا مستبدل بكم
سلام دوستى كه رغبت نميكند از شما و نه ديگرى را بدل شما
ولا مؤثر عليكم ولا منحرف عنكم ولا زاهد
و اختيار نميكند بر شما و نه منحرف از شما و نه كاره است

في قربكم لا جعله الله آخر العهد من زيارة قبوركم

در نزدیکی شما نگرداند آنرا خدا آخر عهد از زیارت قبرهای شما

واتيان مشاهدكم والسلام عليكم حشرني

وآمدن محل حضور شما وسلام بر شما ومحشور گرداند مرا

الله في زمرتكم واوردني حوضكم وجعلني من

خدا در گروه شما ودر آورد مرا حوض شما وبگرداند مرا از

حزبكم وارضاكم عني ومكنني في دولتكم

لشکر شما وراضی گرداند شما را از من وصاحب منزلت گرداند شما را

واحياني في رجعتكم وملكني في ايامكم وشكر سعيي

وزنده گرداند مرا در بازگشت شما وپادشاهی در روزهای شما وجزا دهد سعی مرا

بكم وغفر ذنبي بشفاعتكم واقال عثرتي بمحبتكم

بشما وبیامرزد گناه مرا بشفاعت شما ودرگذرد از لغزش من بدوستی

واعلى كعبي بموالاتكم وشرفني بطاعتكم واعزني

وبلند گرداند عوزک پای مرا بدوستی شما وشرافت دهد مرا بپیروی شما وعزیز گرداند

بهداكم وجعلني ممن انقلب مفلحا منجحا غانما سالما

بهدایت شما وبگرداند مرا از آنها که برگردند رستگار وحاجت یافته وسلامت

معافا غنيا فائزا برضوان الله وفضله وكفايته

وعافیت وبی نیاز ورسیده بخشنودی خدا وفضل خدا وکارسازی خدا

بافضل ما ينقلب به احد من زواركم ومواليكم

بهترین آنچه برمیگردد بآن احدی از زیارت کنندگان ومعتقدان شما

ومحبيكم وشيعتكم ورزقني الله العود ثم

ودوستان شما وشیعیان شما وروزی کند مرا خدا بازگشت پس

العود ابدا ما ابقاني ربي بنية صادقة وايمان

بازگشت همیشه تا زنده گرداند مرا پروردگار من بانیت راست وایمان

وتقوى واخبات ورزق واسع حلال طيب

وپرهیزکاری وشکستگی وروزی فراخ حلال پاکیزه

اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتهم وذكرهم

خداوندا مگردان اورا آخر عهد از زیارت ایشان وذکر ایشان

والصلوة عليهم واوجب لي المغفرة والرحمة و

ودرود فرستادن بر ایشان ولازم گردان مرا آمرزش ورحمت و

الخير والبركة والتقوى والفوز والنور والايمان

نیکی وبرکت وپرهیزکاری ورستگاری وروشنی وایمان

وحسن الاجابة كما اوجبت لاولياءك العارفين

وبیکو مستجاب شدن چنانکه واجب کردانیده دوستان ترا شناسنده

بحقهم الموجبين طاعتهم والراغبين في زيارتهم

بحق ایشان ولازم کرداینده طاعت ایشان ورغبت دارندر در زیارت ایشان

المتقربين اليك واليهم بابي انتم وامي ونفسي واهلي

وتقرب جوینده بتو وبا ایشان پدر ومادرم وجانم واهلم

ومالي اجعلوني في همكم وصيروني في حزبكم و

ومالم فدای شما بکردانید مرا در آنچه غم ایشان بخورید ودرمیان پیروان خود د…

ادخلوني في شفاعتكم واذكروني عند ربكم

داخل کنید مرا در شفاعت خود وبیاد کنید مرا نزد پروردکار شما

اللهم صل على محمد وآل محمد وابلغ ارواحهم

خداوندا رحمت بر محمد وآل محمد وبرسان ارواح ایشانرا

واجسادهم مني السلام والسلام عليه وعليهم

وجسدهای ایشانرا از من سلام وسلام براو وبرایشان

ورحمة الله وبركاته وصلى الله على محمد وآله

ورحمت خدا وبرکتهای او ورحمت خدا بر محمد وآل او

وسلم تسليما كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل

ودرود فرستاد درود فرستادنی بسیار وبس است مارا خدا وبهتر کارگزار است

زیارت حسین ع وارث
زیارت امام مشهور بزیارت

السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام

سلام برتو ای میراث برنده آدم برکزیده خدا سلام

عليك يا وارث نوح نبي الله السلام عليك

برتو ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا سلام برتو

يا وارث ابرهيم خليل الله السلام عليك

ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا سلام برتو

يا وارث موسى كليم الله السلام عليك

ای میراث برنده موسی همسخن خدا سلام برتو

يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث

ای میراث برنده عیسی روح خدا سلام برتو ای میراث برنده

محمد حبيب الله السلام عليك يا وارث امير المؤمنين

محمد دوست خدا سلام برتو ای میراث برنده پادشاه کروندکان

وَلِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ اَلسَّلَامُ

دوست خدا سلام بر تو ای پسر محمد برگزیده سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

بر تو ای پسر علی پسندیده سلام بر تو ای پسر

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ

فاطمه درخشنده سلام بر تو ای پسر خدیجه

الْكُبْرىٰ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ

کبری سلام بر تو ای خون خدا و پسر خون او

وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ

و ای خون صاحب خون گواهی میدهم اینکه تو بتحقیق برپا داشتی نماز را و

اٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ

دادی زکوت را و امر کردی بنیکوئی و نهی کردی از ناشایسته

وَاَطَعْتَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ

و فرمان بردی خدا و رسول او را تا آنکه آمد ترا مرگ پس لعنت کند خدا

اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً

گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ستم کردند ترا و لعنت کند خدا گروهی

سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ

شنیدند این را پس راضی شدند بآن ای آقای من ای ابا عبدالله

اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ

گواهی میدهم اینکه تو بودی نوری در صلبهای بارفعت

وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا

و در رحمهای پاکیزه نجس نکرده ترا جاهلیت بانجاسهای خود

وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ

و نپوشانیده ترا از جامههای تیره و گواهی میدهم

اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَاَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ

اینکه تو از ستونهای دینی و رکنهای گروندگانی

وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ

و گواهی میدهم اینکه توئی پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاکیزه

الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ

راهنمای راه یافته و گواهی میدهم اینکه پیشوایان از فرزندان تو اند

كَلِمَةُ التَّقْوىٰ وَاَعْلَامُ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ

کلمه پرهیزکاری نشانه هدایت و دست آویز استوار

والحجة على اهل الدنيا واشهد الله وملائكته

وحجت بر اهل دنیا و گواه میگیرم خدا و فرشتگان او را

وانبيائه ورسله اني بكم مؤمن وبايابكم موقن

و پیغمبران او را و رسولان او را که من بشما گرونده ام و برجعت شما یقین دارم

بشرائع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم

با ثواب دین خود و بخاتمه کردار خود و دل من مر دل شما را صلح است

وامري لامركم متبع صلوات الله عليكم و

و امر من مر امر شما را پیروی کننده رحمتهای خدا بر شما و

على ارواحكم وعلى اجسادكم وعلى اجسامكم و

بر ارواح شما و بر جسدهای شما و بر جسمهای شما و

على شاهدكم وعلى غائبكم وعلى ظاهركم وعلى

بر حاضر شما و بر غایب شما و بر ظاهر شما و بر

باطنكم پس بعد از زیارت بگوید بابي انت وامي

باطن شما پدرم و مادرم فدای تو باد

يا ابن رسول الله بابي انت وامي يا اباعبد الله

ای پسر رسول خدا پدرم و مادرم فدای تو باد ای اباعبد الله

لقد عظمت الرزية وجلت المصيبة بك علينا

هر آینه بتحقیق که عظیم گشته بلا و بزرگ شده مصیبت تو بر ما

وعلى جميع اهل السموات والارض فلعن الله امة

و بر همه اهل آسمانها و زمین پس لعنت کند خدا گروهی را

اسرجت والجمت وتهيأت لقتالك يا مولاي

که زین کردند و لجام کردند و مهیا شدند مر کارزار تو ای آقای من

يا اباعبد الله قصدت حرمك واتيت الى

یا اباعبد الله قصد کردم حرم ترا و آمدم بسوی

مشهدك اسئل الله بالشان الذي لك عنده

مشهد تو طلب میکنم از خدا بکاری که مر تراست نزد او

وبالمحل الذي لك لديه ان يصلي على محمد وال

و بجائی که مر تراست نزد او که رحمت فرستد بر محمد و آل

محمد وان يجعلني معكم في الدنيا والاخرة

محمد و اینکه گرداند مرا با شما در دنیا و آخرت



اللّهمّ إنّي صلّيتُ وركعتُ وسجدتُ لكَ

خداوندا بدرستی که نماز گذاردم و رکوع کردم و سجده کردم مر ترا

وحدكَ لا شريكَ لكَ لأنّ الصّلوةَ والرّكوعَ و

یگانهٔ تو نیست شریکی مر ترا از جهت آنکه نماز و رکوع و

السّجودَ لا تكونُ إلّا لكَ لأنّكَ أنتَ اللهُ لا إلهَ إلّا

سجود نمی باشد مگر از برای تو از جهت آنکه تو توئی خدا نیست خدائی مگر

أنتَ اللّهمّ صلِّ على محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وأبلغهم

تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برسان ایشان را

عنّي أفضلَ السّلامِ والتّحيّةِ واردُد عليّ منهم

از من بهترین درود و تحیت و باز گردان بر من از ایشان

السّلامَ اللّهمّ وهاتانِ الرّكعتانِ هديّتي منّي

درود خداوندا و این دو رکعت نماز تحفه ایست از من

إلى مولايَ الحسينِ بنِ عليٍّ عليهما السّلامُ اللّهمّ

بسوی آقای من حسین پسر علی بر ایشان باد درود خداوندا

صلِّ على محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وتقبّلهما منّي وأجُرني على

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر ایشان را از من و پناه ده مرا بر

ذلك

ذلكَ بأفضلِ أملي ورجائي فيكَ وفي وليّكَ يا وليَّ

این بهترین آرزوی من و امید من در تو و در ولی تو ای دوست

المؤمنينَ پس قصد زیارت علی بن الحسین علیه السلام بکند و گوید السّلامُ عليكَ

گروندگان درود بر تو

يا ابنَ رسولِ اللهِ السّلامُ عليكَ يا ابنَ نبيِّ اللهِ

ای پسر فرستادهٔ خدا درود بر تو ای پسر پیغمبر خدا

السّلامُ عليكَ يا ابنَ أميرِ المؤمنينَ ووليِّ اللهِ السّلامُ

درود بر تو ای پسر پادشاه گروندگان دوست خدا درود

عليكَ يا ابنَ الحسينِ الشّهيدِ السّلامُ عليكَ

بر تو ای پسر حسین شهید درود بر تو

أيّها الشّهيدُ السّلامُ عليكَ أيّها المظلومُ وابنَ

ای شهید درود بر تو ای ستمرسیده و پسر

المظلومِ لعنَ اللهُ أمّةً قتلتكَ ولعنَ اللهُ أمّةً ظلمتكَ

ستمرسیده لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ستم کردند ترا

ولعنَ اللهُ أمّةً سمعت بذلكَ فرضيت به

و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند این را پس خشنود شدند باو

وبعد از زیارت بگوید السلام علیک یا ولی الله

درود بر تو ای دوست خدا

وابن ولیه لقد عظمت الرزیة وجلت المصیبة

و پسر دوست او هر آینه چنین که عظیم گشته گناه و بزرگ شده مصیبت

بک علینا وعلی جمیع المسلمین فلعن الله امة

تو بر ما و بر همه مسلمانان پس لعنت کند خدا گروهی را

قتلتک وابرا الی الله والیک منهم پس

کشتند ترا و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان قصد

زیارت سایر شهدا السلام علیکم یا اولیاء

را کند و بگوید درود برشما ای یاوران

الله واحبائه السلام علیکم یا اصفیاء الله

خدا و دوستان او درود برشما ای برگزیدگان خدا

واودائه السلام علیکم یا انصار دین الله

و دوستان او درود برشما ای یاوران دین خدا

السلام علیکم یا انصار رسول الله السلام

درود برشما ای یاوران فرستاده خدا درود

علیکم یا انصار امیر المؤمنین السلام علیکم

برشما ای یاوران پادشاه گروندگان درود برشما

یا انصار فاطمة سیدة نساء العالمین السلام

ای یاوران فاطمه بزرگ زنان جهانیان درود

علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی الزکی

برشما ای یاوران ابی محمد حسن پسر علی پاکیزه

الناصح السلام علیکم یا انصار ابی عبد الله

نصیحت کننده درود برشما ای یاوران ابی عبد الله

بابی انتم وامی طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم

پدرم و مادرم فدای شما باد پاکیزه شدید و پاک گشت زمینی که در آن مدفون شدید

وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم فافوز

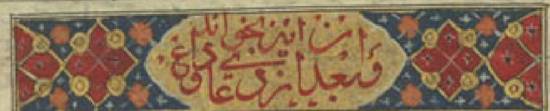
و فیروزی یافتید فیروزی بزرگ پس ای کاش بودم با شما پس فیروزی یابم

معکم مع الشهداء والصالحین وحسن اولئک

با شما با گواهان و شایستگان و نیکوئی همگروه

رفیقا والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

برفاقت و درود برشما و رحمت خدا و برکتهای او



السلام عليك يا مولاي السلام عليك يا حجة الله

درود بر تو ای آقای من درود بر تو ای حجت خدا

السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك

درود بر تو ای برگزیده خدا درود بر تو

يا خاصة الله السلام عليك يا خالصة الله

ای خاص خدا درود بر تو ای خالص از برای خدا

السلام عليك يا امين الله سلام مودع لا قال

درود بر تو ای امین خدا سلامی وداع کننده نه کم

ولا سئم فان امض فلا عن ملالة وان اقم فلا عن

ونه واماندهٔ پس اگر بگذرم پس نیست از ملالت واگر بایستم پس نیست از

سوء ظن بما وعد الله الصابرين ولا جعله الله

بدی گمان چون با آنچه وعده کرده خدا شکیبایان را ونگرداند اورا خدا

يا مولاي آخر العهد مني لزيارتك ورزقني العود

ای آقای من آخر عهد از من مر زیارت تو وروزی کن مرا عود

الى مشهدك والمقام في حرمك واياه اسئل ان

بسوی مشهد تو ومقام در حرم تو واورا سوال میکنم که

يسعدني بك وبالائمة من ولدك ويجعلني معكم

نیکبخت گرداند مرا بتو وپیشوایان از فرزندان تو وبگرداند مرا با شما

في الدنيا والاخرة وبعد از زيارت بگويد

در دنیا و آخرت

انا لله وانا اليه راجعون زيارت رجبيه خاصه

بدرستی که ما در ملک خدائیم وبدرستی که ما بسوی او باز گردندگانیم

امام حسين عليه السلم بزيارت مشهور السلام عليك

سلام بر تو باد

يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله

یا ابا عبد الله درود بر تو باد ای پسر فرستادهٔ خدا

السلام عليك يا ابن امير المؤمنين السلام عليك

درود بر تو باد ای پسر پادشاه گروندگان درود بر تو باد

يا ابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين

ای پسر فاطمه درخشنده بزرگ زنان جهانیان

السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَخا الحَسَنِ الرِّضا السَّلامُ

درود بر تو باد ای برادر حسن پسندیده درود

عَلَيْكَ يا اَبا الاَئِمَّةِ المَعْصُومِينَ الهُداةِ السَّلامُ

بر تو باد ای پدر ائمه معصومین راه نما درود

عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ

بر تو و بر ایشان و رحمت خدا و برکتهای او درود

عَلَيْكَ يا صاحِبَ المُصِيبَةِ الرّاتِبَةِ السَّلامُ

بر تو ای صاحب مصیبت پی در پی درود

عَلَيْكَ يا سَرِيعَ الدَّمْعَةِ السّاكِبَةِ وَالمَفْجُوعَ

بر تو ای کسی که جاری شونده خونهای ریزنده و جگر سوخته

الحَزِينِ وَالمَذْبُوحَ الطَّعِينِ وَالمَقْطُوعَ الوَتِينِ

اندوهناک و کشته شده بسنان و بریده شده رگ گردن

وَمُعَفَّرَ الخَدَّيْنِ مَجْرُوحَ الوَجْهِ بِدَمِ الوَجْهَيْنِ

و بخاک آلوده شده هر دو صورت زخم شده هر دو طرف صورت

باكِيَ العَيْنَيْنِ المَقْتُولَ يَوْمَ الاِثْنَيْنِ رَيْحانَةَ رَسُولِ اللهِ

گریه کننده هر دو چشم کشته شده در روز دوشنبه سبز گل پیغمبر خدا

اَبا عَبْدِ اللهِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ السَّلامُ عَلَيْكَ

ابا عبد الله الحسین بر او باد درود درود بر تو باد

يا قَتِيلَ الظَّماءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا غَرِيبَ الغُرَباءِ

ای کشته شده تشنه لب درود بر تو باد ای غریب غربا

السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَسِيرَ الكُرَباءِ وَمَسْلُوبَ

درود بر تو باد ای اسیر گروه مصیبت و اندوه و تاراج شده

الرِّداءِ وَالمَذْبُوحَ مِنَ القَفاءِ وَمَسْبُوبَ النِّساءِ

ردا و کشته شده از پشت سر و دشنام داده شده زنها

وَمَحْرُوقَ الخِباءِ وَالمُخَضَّبَ بِالدِّماءِ وَالحِنّاءِ

و سوخته شده اندرون و خضاب کرده شده بخون و اندرون

عَلَيْكَ يا بْنَ مُحَمَّدٍ المُصْطَفى وَاَسَفاهُ عَلَيْكَ

بر تو ای پسر محمد برگزیده و ای تاسف بر تو

يا بْنَ عَلِيٍّ المُرْتَضى وَالَهَفاهُ عَلَيْكَ يا بْنَ فاطِمَةَ

ای پسر علی پسندیده و اندوه بر تو باد ای پسر فاطمه

الزَّهْراءِ يا بْنَ خَدِيجَةَ الكُبْرى وَاَخا الحَسَنِ

درخشنده ای پسر خدیجه بزرگ و برادر حسن

الرضا وابا الائمة الهدى واحزناه عليك يا بن

پسندند و پدر پیشوای هدایت ای اندوه بر تو ای پسر

رسول الله واسفاه عليك يا ابا عبد الله السلام

فرستاده خدا و ای تاسف بر تو ای ابا عبد الله درود

عليك يا مصباح الدجى وسفينة النجاة

بر تو ای روشنائی مانند شب چهارده و کشتی رستگاری

والرجاء المرتجى السلام عليك يا حبيب الرحمن

و آرزوی آرزو کنندگان درود بر تو باد ای دوست بخشاینده

ويا شريك القرآن ويا صاحب المصائب والاحزان

و ای شریک قرآن و ای صاحب مصیبتها و اندوهها

السلام عليك يا من نحره منحور وصدره مكسور

درود بر تو ای آنکه بریده شده از گردن و سینه او شکسته شده

ورأسه على القناة مشهور السلام عليك يا من

و سر او بر نیزه ظاهر و هویدا است درود بر تو باد ای آنکه

بكت له السماء بالدماء ويا قتيل الظماء ويا من

گریه کرد مر او را آسمان بخون و ای کشته شده تشنه و ای آنکه

جسمه

جسمه غريق بالدماء السلام عليك يا من

بدنش پر خون شده درود بر تو ای آنکه

القى على قومه حجته فانكروها ونقضوا

القا کرد بر گروه او آیتهای او را پس انکار کردند و شکستند

بيعته وخانوا رسول الله في وصيته وصالوا

بیعت او را و خیانت کردند رسول خدا را در وصیت او و غالب آمدند

عليه وعلى عترته وقتلوا اخاه وزوج ابنته

بر او و بر اهل بیت او و کشتند برادر او را و شوهر دختر او را

وذبحوا سبطه وابن كريمته وقتلوا عطشانا

و بریدند گردن پسر او را و پسر دختر او را و کشتند او را تشنه

بغصته وحرقوا اخباءه وهتكوا حرمته وسلبوا

بغم او و سوزانیدند اندرون او را و هتک کردند حرمت او را کندند

بناته واحزناه عليك يا بن رسول الله واسفاه

جامهای او را و ای اندوه بر تو ای پسر رسول خدا و تاسف

عليك يا بن امير المؤمنين والهفاه عليك يا بن

بر تو ای پسر پادشاه گروندگان و احسرتاه بر تو ای پسر

فاطمة الزهراء السلام عليك يا من دمه غسله

فاطمه زهراء درود بر تو ای آنکه در خون خود غسل کرد

وشيبه قطنه والتراب كافوره ونسج الرياح

و محاسن او پنبه او بود و خاک کافورش و وزیدن بادها

اكفانه والقناة الخطي نعشه وفي قلوب من والاه

کفنش بود و شهرت در پری تابوتش بود و در دلهای آنکسی که بلند دلند

قبره والسلام عليك يا غريب الاوطان و

مرتبه اورا در قبر درود بر تو ای دور شده از وطنها و

السليب العريان والذبيح العطشان وصاحب

ای برهنه شده و عریان و سر بریده و تشنه و صاحب

المصائب والاحزان السلام عليك يا من الائمة

مصیبتها و اندوهها سلام بر تو ای آنکه امامان

من ذريته والشفاء في تربته والاجابة تحت

از فرزندان اویند و شفا در خاک اوست و اجابت دعا زیر

قبته السلام عليك يا من شرفه الله بشهادته

گنبد اوست درود بر تو ای آنکه مشرف کرد او را خدا بدرجه شهادت

السلام عليك يا ابن رسول الله وريحانته

درود بر تو ای پسر فرستاده خدا و دوالد خوشبوی او

وابن امير المؤمنين وذريته يا من هو مهجة

و پسر پادشاه گروندگان و فرزندان او ای آنکه او پاره جگر

الزهراء وبهجتها ويا اخا الحسن الرضا وخليفته

زهرا و سرور دل او و ای برادر حسن پسندیده و خلیفه او

يا اية الله وحجته ويا من قتلوه عبيده و

ای فرستاده خدا و حجت او و ای آنکه کشتند او را بندگانش و

رعيته وخانوا رسول الله في عترته واحزنا

رعایاش و خیانت کردند رسول خدا را در ذریه او و اندوه

عليك يا ابن رسول الله واسفاه عليك يا ابن

بر تو ای پسر فرستاده خدا و ای تأسف بر تو ای پسر

امير المؤمنين والهفاه عليك يا ابن فاطمة الزهراء

پادشاه گروندگان و اندوه بر تو ای پسر فاطمه زهرا

يا من شيبه بدمه خضيب وخده تريب وبدنه

ای آنکه محاسنش بخون خضاب شده و روی او خاک آلوده و بدن

نهيب وفي كربلاء شهيد غريب السلام عليك

گریه بسیار کردند ودر کربلا کشته وسرگردان درود بر تو

يا ابا عبد الله وعلى الدماء السائلات وعلى

یا ابا عبد الله وبر خونهای جاری شده وبر

الرؤوس المرفعات وعلى الخدود المهشمات وعلى

سرهائی که بر نیزه بلند شده وبر صورتهای شکسته شده وبر

الأعضاء المقطعات وعلى الأجسام المجرحات وعلى

بدنهای پاره پاره وبر جسدهای مجروح وبر

الصدور المحطمات وعلى الثياب المخضبات وعلى

سینهای شکسته شده وبر جامهای بخون خضاب شده وبر

النفوس المقدسات وعلى الأرواح المختلسات و

نفسهای پاک ایشان وبر زنان اسیر شده و

على الأبدان المنعمات واحزناه عليك يا بن

بر بدنهای بی روح واندوه بر تو ای پسر

رسول الله وا اسفاه عليك يا بن امير المؤمنين

فرستاده خدا وتاسف بر تو ای پسر پادشاه گروندگان

والهفا

والهفاه عليك يا بن فاطمة الزهراء السلام عليك

واندوه بر تو ای پسر فاطمه زهرا درود بر تو

يا علي بن الحسين الذبيح الطعين وعلى علي بن

ای علی پسر حسین سر بریده نیزه خورده وبر علی پسر

الحسين زين العابدين المفجوع الحزين السلام

حسین فخر جماعت کنندگان صاحب درد واندوه درود

على الأنصار المجاهدين السلام على زينب التقية

بر یاری کنندگان که جنگ کردند درود بر زینب پرهیزکار

السلام على السكينة المسبية السلام على البنات

درود بر سکینه مصیبت زده شده درود بر دختران

الهاشمية السلام على السادات العلوية

هاشمی درود بر بزرگان علوی

السلام عليكم جميعا ورحمة الله وبركاته

درود بر شما همه ورحمت خدا وبرکتهای او

السلام عليك يا ابا عبد الله نفسي مشتاقة

درود بر تو یا ابا عبد الله جانم مشتاقست

إِلَيْكَ وَمُهْجَتِي مُحْتَرِقَةٌ عَلَيْكَ وَعَيْنِي عَلَيْكَ

بسوی تو و دلم میسوزد بر تو وچشم بر تو

بَاكِيَةٌ وَحُزْنِي عَلَيْكَ طَوِيلٌ وَآسَفِي عَلَيْكَ

گریانست و اندوه من بر تو بسیارست و تأسفم بر تو

جَارِيَةٌ وَعَبْرَتِي عَلَيْكَ سَاكِبَةٌ وَزَفْرَتِي عَلَيْكَ

همیشه است و اشکم بر تو ریزانست و شیونم بر تو

ظَاهِرَةٌ وَهَمِّي عَلَيْكَ مُتَتَابِعٌ وَرَزِيَّتِي عَلَيْكَ

هویدا است و بسیاری کریام بر تو پیاپی و ماتم بر تو

عَظِيمَةٌ وَمُصَابِي بِكَ جَلِيلٌ إِلَيْكَ هَمِّي وَرَجَائِي

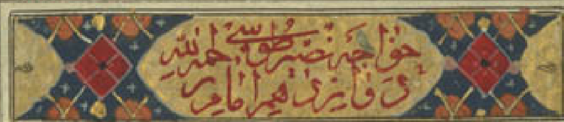
بزرگست و مصیبت من بر تو بزرگست بتو اندوه من و امید من

وَعَلَيْكَ حُزْنِي وَبُكَائِي وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ

و بر تو اندوه من و گریه من و درود بر تو و

رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ

رحمت خدا و برکتهای او



بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ

خداوندا رحمت و درود فرست و بیفزا و برکت ده بر پیغمبر امی

الْعَرَبِيِّ الْقُرَشِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ التِّهَامِيِّ

عربی قریشی مکی مدنی ابطحی تهامی

الْهَاشِمِيِّ وَالرَّسُولِ الرَّضِيِّ السَّيِّدِ الْبَهِيِّ السِّرَاجِ

هاشمی و پیغمبر خشنود بزرگ روشن بخش چراغ

الْمُضِيءِ صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ الْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ

روشن صاحب بار و آرام بنده توفیق یافته

وَالرَّسُولِ الْمُسَدَّدِ وَالْبَشِيرِ الْمُمَجَّدِ الْمُصْطَفَى

و پیغمبر باصواب و مژده دهنده بزرگوار برگزیده شده

الْأَمْجَدِ الْمَحْمُودِ الْأَحْمَدِ حَبِيبِ إِلٰهِ الْعَالَمِينَ

بلندمرتبه ستوده شده ستایش کرده دوست خدای جهانیان

أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

ابی القاسم محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و درود

الصلوة والسلام عليك وعلى آلك يا ابا القاسم

رحمت و درود بر تو و بر آل تو باد ای ابا القاسم

يا رسول الله يا امام الرحمة وشفيع الامة يا سيدنا

ای فرستاده خدا ای پیشوای رحمت و شافع امت ای بزرگ ما

ومولانا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا

و آقای ما بدرستی که ما رو آوردیم و طلب شفاعت نمودیم و متوسل شدیم

بك الى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها

بتو بسوی خدا و پیش داشته ایم ترا پیش حاجتهای ما ای آبرودار

عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم

نزد خدا شفاعت نما ما را نزد خدا خداوندا رحمت فرست و درود

وزد وبارك على اخيه وابن بنته السيد المطهر

و بیفزا و برکت ده بر برادر او و فرزند دختر او بزرگ پاک شده

والامام المظفر والشجاع الغضنفر ابي شبر و

و پیشوای ظفر یافته و با شجاعت و مانند شیر پدر شبر و

شبير وقالع باب خيبر قاسم طوبى وسقر الانزع

شبیر و کننده در خیبر قسمت کننده بهشت و دوزخ برآمده

البطين الاشرف المكين الحبل المتين العالم

پیش شکم بزرگوار با آرام ریسمان محکم دانای

المبين الناصر المعين ولي الدين والي الولي

آشکار یار و یاور ضعفا صاحب اختیار دین حاکم ممالک

السيد الرضي الامام الوصي الحاكم بالنص

بزرگ پسندیده پیشوای جانشین حکم کننده بدلیل

الجلي والمخلص الصفي المدفون بالغري ليث بني

روشن و خلاص دارنده با صفا مدفون بزمین نجف شیر بنی

غالب سالب كل سالب مظهر الغرائب ومظهر

غالب بر طرف کننده هر بر طرف کننده ظاهر کننده امور غریبه و ظهور

العجائب ومفرق الكتائب والشهاب الثاقب

عجائب و نابود کننده پشتهای باطل و ستاره درخشنده

والهزبر السالب ونقطة دائرة المطالب اسد الله

و سوراخ کننده و شیر بر طرف کننده و نگار کننده مقرق شیر خدا

الغالب غالب كل غالب ومطلوب كل طالب

غلبه کننده غلبه کننده بر هر غلبه کننده و مطلوب هر طلب کننده

مولینا و مولی الکونین و الثقلین و وارث علم
آقای ما و آقای هر دو جهان جن و انس میراث بر علم
الاولین و الآخرین امیر المؤمنین ابی الحسنین
پیشینیان و پسینیان پادشاه گروندگان پدر حسن و حسین
علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه
علی پسر ابیطالب رحمتهای خدا و درود او بر او باد
الصلوة و السلام علیک و علی ذریتک
درود و سلام بر تو باد و بر فرزندان تو
یا ابا الحسن یا علی بن ابی طالب یا امیر المؤمنین
ای پدر حسن ای علی پسر ابیطالب ای پادشاه گروندگان
یا اخا الرسول یا زوج البتول یا ابا السبطین
ای برادر پیغمبر ای شوهر فاطمه ای پدر حسنین
یا حجة الله علی خلقه یا سیدنا و مولانا انا
ای حجت خدا بر خلق او ای بزرگ ما و صاحب اختیار ما
توجهنا و استشفعنا و توسلنا بک الی الله و
رو کردیم و شفیع کردیم ترا و توسل جستیم بتو بسوی خدا و

قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیها عند الله
مقدم داشتیم ترا در پیش حاجتهای خود ای آبرودار نزد خدا
اشفع لنا عند الله اللهم صل و سلم و زد و
شفاعت کن ما را نزد خدا خداوندا رحمت و درود فرست و بیفزا و
بارک علی السیدة الجلیلة الکریمة الجمیلة
برکت ده بر سیده بزرگوار با کرامت و جمال
و المفضلة النبیلة المکروبة ذات الاحزان
و برتری داده شده از نسل پیغمبر صاحب اندوه طلب شده صاحب غمهای
الطویلة فی المدة القلیلة المعصومة المظلومة
طولانی در زمانی کم با عصمت رسیده شده بستم
الرضیة الحلیمة العفیفة السلیمة المجهولة
راضی شونده بردبار با عفت رها بزرگوار ناشناسیده شده
قدرا المخفیة قبرا المدفونة سرا المغصوبة
رتبه پنهان شده قبر مدفون بنهان غصب حق شده
جهرا سیدة النساء الانسیة الحوراء ام
آشکارا بزرگ زنان آدمیان و حوران مادر

الأئمة النجباء الطاهرة المطهرة البتول العذراء

پیشوای دور از معاصی پاک پاکیزه خون حیض ندیده

فاطمة الزهراء سلام الله عليها الصلوة

فاطمه زهرا سلام خدا بر او باد درود

والسلام عليك وعلى ذريتك يا فاطمة الزهراء

و سلام بر تو و بر فرزندان تو باد ای فاطمه زهرا

يا بنت محمد رسول الله يا بضعة النبي يا أم

ای دختر محمد فرستاده خدا ای پاره جگر پیغمبر ای مادر

السبطين يا حجة الله على خلقه يا سيدتنا

حسنین ای حجت خدا بر خلق او ای بزرگ ما

ومولاتنا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا

و آقای ما بدرستی که ما رو آوردیم و شفیع کردیم ترا و توسل جستیم

بك إلى الله وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا

بتو بسوی خدا و پیش آوردیم ترا در پیش حاجتهای خود ای

وجيهة عند الله اشفعي لنا عند الله اللهم

آبرودار نزد خدا شفیع شو ما را نزد خدا خداوندا

صل وسلم وزد وبارك على السيد المجتبى و

رحمت و درود فرست و بیفزا و برکت ده و بر سید برگزیده و

الإمام المرتجى سبط المصطفى وابن المرتضى علم

پیشوای امیدواران فرزند مصطفی و پسر مرتضی نشانه

الهدى العالم الرفيع ذي الحسب المنيع والفضل

هدایت دانای بلند قدر صاحب صفتهای نیک و فضلهای

الجميع الشفيع بن الشفيع المقتول بالسم النقيع

جمع شده شفاعت خواه پسر شفاعت خواه کشته شده بزهر انبار

المدفون بأرض البقيع العالم بالفرائض والسنن

مدفون بزمین بقیع دانای بواجبات و سنتها

صاحب الجود والمنن دافع الخزي والفتن ما ظهر

صاحب بخشش و کرم برطرف کننده محنتها و فتنها آنچه پیدا

منها وما بطن الذي عجز عن عد مدائحه لسان

از او و آنچه پنهانست که عاجز است از شمردن مدحهای او زبان

اللسن الإمام بالحق المؤتمن أبي محمد الحسن

ارباب دانش پیشوای براستی محل امن داران پدر محمد حسن

عليه السلام الصلوة والسلام عليك يا ابا
بر او باد درود درود و سلام بر تو باد ای پدر
محمد يا حسن بن علي ايها المجتبى يا ابن رسول
محمد ای حسن پسر علی ای برگزیده ای پسر فرستاده
الله يا ابن امير المؤمنين يا قرة عين البتول
خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای نور چشم فاطمه
الطهرة الطاهرة يا سيد شباب اهل
پاک پاکیزه ای بزرگ جوانان اهل
الجنة يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولينا
بهشت ای حجت خدا بر خلقش ای بزرگ ما و صاحب اختیار ما
انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله
درستی که ما رو آوردیم بتو و شفیع شو ما را و توسل جستیم بتو بسوی خدا
وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله
و مقدم داشتیم ترا در پیش حاجتهای خود ای آبرودار نزد خدا
اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم وزد
شفیع شو ما را نزد خدا خداوندا رحمت فرست و درود و بیفزا

وبارك

وبارك على السيد الزاهد والامام العابد
و برکت ده بر بزرگ صاحب زهد و پیشوای عبادت کننده
الراكع الساجد زين المنابر والمساجد
برکوع و سجود زینت منبرها و مسجدها
ولي الملك الماجد قتيل الكافر الجاحد
دوست پادشاه بزرگوار کشته شده کافر منکر
صاحب المحنة والكرب والبلاء المدفون
صاحب محنت و اندوه و بلا مدفون
بارض كربلا سبط رسول الثقلين وزكي
بزمین کربلا پسر پیغمبر و پاکیزه
العنصر بن ابي عبد الله الحسين عليه السلام
از جهت سرشت روح و بدن پدر عبد الله حسین بر او باد سلام
الصلوة والسلام عليك يا ابا عبد الله يا حسين
درود و سلام بر تو باد ای ابا عبد الله ای حسین
ابن علي ايها الشهيد يا ابن رسول الله يا ابن
پسر علی ای شهید ای پسر فرستاده خدا ای پسر

أمير المؤمنين يا ابن فاطمة الزهراء يا سيد

بادشاه گروندگان ای پسر فاطمه درخشنده ای بزرگ

شباب أهل الجنة يا أبا الأئمة الأطهار

جوانان اهل بهشت ای پدر پیشوایان پاکیزگان

يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا إنا

ای حجت خدا بر خلق او ای بزرگ ما و صاحب اختیار که ما

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك إلى الله

رو کردیم بتو و شفیع شو ما را و توسل جستیم بتو بسوی خدا

وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند

و مقدم داشتیم ترا در پیش حاجتهای خود ای آبرودار نزد

الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم

خدا شفیع شو ما را نزد خدا خداوندا رحمت و درود بفرست

وزد وبارك على أب الأئمة وسراج الأمة وكاشف

و بیفزا و برکت ده بر پدر پیشوایان و چراغ امت و زایل کننده

الغمة ومحيي السنة وسني الهمة ورفيع الرتبة

اندوه و بپا دارنده سنتها و آشکار نماینده همت و بلند مرتبه

وأنيس الكربة وصاحب الندبة المدفون بأرض

و همدم غم و اندوه و صاحب ناله کننده دفن شده بزمین

طيبة المبرء من كل شر وشين زين العابدين

مدینه بیزاری جوینده از هر بدی و ناخوشی زینت عبادت کنندگان

وسيد الساجدين ابن النبي ابن مثله وابن

و بزرگ سجده کنندگان آنکسی که کجاست مانند او و پسر

الإمام بالحق أبي محمد علي بن الحسين عليهما

امام براستی پدر محمد علی پسر حسین بر ایشان باد

السلام الصلوة والسلام عليك يا أبا محمد

درود درود و سلام بر تو باد ای پدر محمد

يا علي بن الحسين أيها السجاد يا ابن رسول الله

ای علی پسر حسین ای سجده کننده ای پسر فرستاده خدا

يا ابن أمير المؤمنين يا حجة الله على خلقه يا سيدنا

ای پسر پادشاه گروندگان ای حجت خدا بر خلقش ای بزرگ ما

ومولانا إنا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا

و صاحب اختیار ما که ما رو آوردیم بتو و شفیع شو ما را و توسل جستیم ما

بك الى الله وقدمناك بين يدى حاجاتنا

بتو بسوى خدا ومقدم داشتيم ترا در پيش حاجتهاى خود

يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله اللهم

اى آبرودار نزد خدا شفيع شو ما را نزد خدا خداوندا

صل وسلم وزد وبارك على قمر الاقمار ونور

رحمت فرست ودرود وبيفزا وبركت ده بر بزرگ ماهها وروشنى

الانوار وسيد الابرار وقائد الاخيار

نورها ومهتر پاكان وپيش رو خوبان

الجليل المقدار المطهر الطاهر والبدر

بزرگ قدر پاك وپاكيزه وماه

الباهر والنجم الزاهر والبحر الزاخر والدر

بهره دهنده وستاره درخشنده ودرياى پر جواهر وگوهر

الفاخر الملقب بالباقر السيد الوجيه الامام

فخر دارنده لقب كرده شده بباقر بزرگ آبرودار وپيشواى

النبيه المدفون عند ابيه الحبر الملى عند العدو

آگاه كننده دفن شده بنزد پدرش داناى مملو از علم نزد خصم

والولى

والولى والمولى الوفى الامام بالحق الازلى ابى

ودوست وآقاى ووفا كننده وپيشواى بحق از جانب خدا پدر

جعفر الاول محمد بن على عليهما السلام

جعفر اول محمد پسر على بر ايشان باد درود

الصلوة والسلام عليك يا ابا جعفر يا محمد بن

درود وسلام بر تو باد اى پدر جعفر اى محمد پسر

على ايها الباقر يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين

على اى باقر اى پسر فرستاده خدا اى پسر پادشاه گروندگان

يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا

اى حجت خدا بر خلق او اى بزرگ ما وصاحب اختيار ما

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله

رو آورديم بتو وشفيع كرديم ترا وتوسل جستيم بتو بسوى خدا

وقدمناك بين يدى حاجاتنا يا وجيها عند

ومقدم داشتيم ترا در پيش حاجتهاى خود اى آبرودار نزد

الله اشفع لنا عند الله اللهم صل وسلم

خدا شفيع شو ما را نزد خدا خداوندا رحمت ودرود فرست

وزد وبارك على الصادق الصديق العالم الوثيق

و بیفزا و برکت ده بر صادق راستگوی دانای معتبر

الحليم الشفيق والهادي الى سواء الطريق والساقي شيعته

بردبار مهربان و هدایت کننده بسوی راه راست آشامنده

من الرحيق ومبلغ اعدائه الى الحريق وصاحب

از شراب صاف و رساننده دشمنانش بسوی جهنم صاحب

الشرف البديع والحسب المنيع والمجد الرفيع

بزرگواری نو و صفتهای جنگو و بزرگی بلند رتبه

والفضل الجميع الذي شرفت بجسده الطاهر

و صاحب فضل در همه علوم آنکه بزرگی یافت ببدن پاکیزه او

ارض البقيع المهذب المؤيد السيد المسدد

زمین بقیع نیکو خوی یاری شده بزرگ با سداد

الامام الممجد ابي عبد الله جعفر بن محمد

پیشوای بزرگوار پدر عبد الله جعفر پسر محمد

عليهما السلام الصلوة والسلام عليك

بر ایشان باد درود درود و سلام بر تو باد

يا ابا عبد الله يا جعفر بن محمد ايها الصادق

ای ابا عبد الله ای جعفر پسر محمد ای راستگوی

يا بن رسول الله يا بن امير المؤمنين يا حجة الله

ای پسر فرستاده خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای حجت خدا

على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا و

بر خلق خود ای بزرگ ما و صاحب اختیار ما بدرستیکه ما رو آوردیم بتو

استشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك

شفیع کردیم ترا و توسل جستیم بتو بسوی خدا و مقدم داشتیم ترا

بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا

در پیش حاجتهای خود ای آبرودار نزد خدا شفیع شو ما را

عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك

نزد خدا خداوندا رحمت و درود فرست و بیفزا و برکت ده

على السيد الكريم والامام الحليم وسمي الكليم

بر سید با کرامت و امام بردبار و همنام موسی پیغمبر

والصابر الكظيم قائد الجيش المدفون

و صبر کننده خشم فرو برنده پیش رو لشکر دفن شده

بمقابر قريش صاحب الشرف الأنور والمجد

بمقبرستان قريش صاحب بزرگواری روشن و بلند مرتبه

الأظهر والجبين الأزهر والنور الأبهر

هويدا و صورت درخشنده و روشنی بهره ور

الإمام بالحق أبي ابرهيم موسى بن جعفر

امام براستی پدر ابراهيم موسی پسر جعفر

عليهما السلام الصلوة والسلام عليك

بر ايشان باد درود درود و سلام بر تو باد

يا أبا ابرهيم يا موسى بن جعفر أيها الكاظم

ای پدر ابراهيم ای موسی پسر جعفر ای کاظم

يا بن رسول الله يا بن امير المؤمنين يا حجة الله

ای پسر فرستاده خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای حجت خدا

على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توجهنا و

بر خلق خود ای آقای ما و صاحب ما ما رو آورديم بتو و

استشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقدمناك

بشفيع شدن ما و توسل جستيم بتو بسوی خدا و مقدم داشتيم ترا

بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا

در پيش حاجتهای خود ای آبرودار نزد خدا شفاعت کن ما را

عند الله اللهم صل وسلم وزد وبارك

نزد خدا خداوندا و رحمت و درود فرست و بيفزا و برکت ده

على السيد المعصوم والإمام المظلوم والشهيد

بر سيد با عصمت و امام ستم کشيده و شهيد

المسموم والغريب المغموم والقتيل المحروم

بزهر و غريب با غم و هم و کشته شده ناکام

عالم العلم المكتوم بدر النجوم شمس الشموس

دانای علم نهانی ماه ستارها آفتاب آفتابها

انيس النفوس المدفون بارض طوس الرضا

همدم جانها دفن کرده شده بزمين خراسان رضی رضای

المرتضى المرتجى المجتبى والسيف المنتضى العادل

راضی بمقدرات الهی برگزيده و شمشير کشيده شده عدالت نماينده

في القضاء الإمام بالحق أبي الحسن الثاني علي

در احکام الهی پيشوای بحق پدر حسن دومی علی

ابن موسى الرضا عليهما السلام الصلوة و
پسر موسی الرضا بر ایشان باد درود و درود و
السلام عليك يا ابا الحسن يا علي بن موسى
سلام بر تو باد ای پدر حسن ای علی پسر موسی
ايها الرضا يا ابن رسول الله يا ابن امير المؤمنين
ای خشنود ای پسر فرستاده خدا ای پسر پادشاه گروندگان
يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا
ای حجت خدا بر خلق خود ای سید ما و مولای ما که ما
توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله
رو آورده‌ایم بتو و شفیع کرده‌ایم ترا و توسل جستیم بتو بسوی خدا
وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها
و مقدم داشتیم ترا در پیش حاجتهای خود ای آبرودار
عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل و
نزد خدا شفاعت کن ما را نزد خدا خدایا رحمت
سلم وزد وبارك على السيد العادل العالم
درود و فرست و بیفزا و برکت ده بر سید با عدالت دانای

العامل

العامل والكريم الفاضل الكامل الباذل
عمل نماینده و صاحب کرم فضیلت دارنده تمام جهد نماینده
والغيث الهاطل والشجاع الباسل الاجود
و باران با منفعت و شجاع قوی دل بخشنده‌ترین
الجواد العارف باسرار المبدء والمعاد ولكل
بخشنده دانا برازها اول و آخر و مر هر
قوم هاد مناص المحبين يوم يناد المناد المعروف
قومی را هدایت کننده دوستان در روز قیامت معروف
بالسداد المذكور في الهداية والارشاد
بکار راست ذکر کرده شده در هدایت و ارشاد
المدفون بارض بغداد السيد العربي والامام
دفن شده بزمین بغداد بزرگ عربی و پیشوای
الاحمدي والنور المحمدي الملقب بالتقي
محمد و نور محمدی لقب داده به تقی
الامام بالحق ابي جعفر الثاني محمد بن علي
و پیشوای بحق پدر جعفر دومی محمد پسر علی

عليهما السلام الصلوة والسلام عليك يا ابا
بر ایشان باد درود درود و سلام بر تو باد ای ابا
جعفر يا محمد بن علي ايها الجواد يا ابن رسول
جعفر ای محمد پسر علی ای بخشنده ای پسر رسول
الله يا ابن امير المؤمنين يا حجة الله على خلقه
خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای حجت خدا بر خلق خود
يا سيدنا ومولانا انا توجهنا واستشفعنا
ای آقای ما و مولای ما بدرستی که ما رو آوردیم بتو و شفیع کردیم ترا
وتوسلنا بك الى الله وقدمناك بين يدي
و توسل جستیم بتو بسوی خدا و مقدم داشتیم ترا در پیش
حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
حاجتهای خود ای آبرودار نزد خدا شفیع شو ما را نزد خدا
اللهم صل وسلم وزد وبارك على الامام
خداوندا رحمت و درود فرست و بیفزا و برکت ده بر امام
الهمام المقتدى التمام السيد السند العالم
با همت پیشوای همه خلق بزرگ معتبر دانای

المسند

المسدد الفاضل الكامل الباذل العالم
با سداد زیادتی دارنده کامل جهد نماینده دانا
العامل العابد العادل الاورع الاطهر
عمل نماینده عبادت کننده عدالت نماینده پرهیزگار پاکیزه
الشمس الاظهر القمر الانور الكوكب الازهر
آفتاب روشن ماه نورانی ستاره درخشان
النور الابهر وارث الحرم والمشعر كهف التقى
روشنی بهره‌مند میراث بر حرم و مشعر بزرگ پرهیزگاران
وغوث الورى طود النهى علم الهدى بدر
و فریادرس مردمان بازدارنده مردمان از معاصی نشانه هدایت ماه
الدجى المدفون بسر من راى السيد النقي
شب تار دفن شده بزمین سامره بزرگوار پاکیزه
الهادي الرضي الامام بالحق ابي الحسن الثالث
راهنما راضی بقضای الهی پیشوای براستی پدر حسن سیمی
علي بن محمد النقي عليهما السلام الصلوة
علی پسر محمد نقی بر ایشان باد درود درود

وَالسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبَا الْحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ

و سلام بر تو باد ای پدر حسن ای علی پسر محمد

اَیُّهَا النَّقِیُّ الْهادی یَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ

ای تقی راه نما ای پسر فرستاده خدا ای پسر پادشاه گروندگان

یا حُجَّةَ اللّهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَ مَوْلانا اِنّا

ای حجت خدا بر خلق خود ای سید ما و آقای ما که ما

تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّهِ

رو کردیم بتو و شفیع شو مارا و توسل جستیم بتو بسوی خدا

وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً

و مقدم داشتیم ترا در پیش حاجتهای خود ای آبرودار

عِنْدَ اللّهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ اَللّهُمَّ صَلِّ وَ

نزد خدا شفیع شو مارا نزد خدا خداوندا رحمت و

سَلِّمْ وَ زِدْ وَ بارِکْ عَلَی الْاِمامِ الزَّکِیِّ وَالْهُمامِ

درود و فرست و بیفزا و برکت ده بر پیشوای پاکیزه و صاحب همت

السَّمِیِّ التَّمامِ الْمَلِیِّ وَالسَّیِّدِ الْوَلِیِّ السَّنَدِ التَّقِیِّ

همنام حسن مجتبی کامل و مملو از علم و بزرگ صاحب اختیار و حجت معتبر

وَالْعالِمِ الصَّفِیِّ الْفاضِلِ الْوَصِیِّ الْکامِلِ الرَّضِیِّ

و دانای با صفا فضیلت دار وصی تمام عیار راضی بقضای الهی

الْعادِلِ الْمُرْتَضَی الْعابِدِ الْبَهِیِّ وَالنُّورِ الْمُضِیِّ

عدالت دار خشنود عبادت کننده واضح و روشنی منیر

الْقَمَرِ السَّنِیِّ الْکَوْکَبِ الدُّرِّیِّ الْمُلَقَّبِ بِالْعَسْکَرِیِّ

ماه روشن ستاره درخشان لقب یافته بعسکری

سَیِّدِ اُولِی النُّهی مُقْتَدی اَهْلِ التُّقی الْعُرْوَةِ

بزرگ صاحب علم پیشوای پرهیزگاران دست آویز

الْوُثْقی وَالْحُجَّةِ عَلی اَهْلِ الدُّنْیا الْمَدْفُونِ

استوار و حجت بر اهل دنیا دفن کرده شده

بِسُرَّ مَنْ رَأی کاشِفِ الْبَلْوی وَالْمِحَنِ

بسامره مبارکه زایل کننده ناخوشیها و تعبها

صاحِبِ الْجُودِ وَالْمِنَنِ الْاِمامِ بِالْحَقِّ اَبی مُحَمَّدٍ

صاحب بخشش و کرم پیشوای بحق پدر محمد

الْحَسَنِ عَلَیْهِمَا السَّلامُ الصَّلوةُ وَالسَّلامُ

حسن بر هردو باد درود و درود و سلام

عليك يا ابا محمد يا حسن بن علي ايها الزكي

بر تو باد ای پدر محمد ای حسن پسر علی ای پاک

العسكري يا بن رسول الله يا بن امير المؤمنين

عسکری ای پسر فرستادهٔ خدا ای پسر پادشاه گروندگان

يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا

ای حجت خدا بر خلق خود ای سید ما و آقای ما که ما

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله

رو آوردیم و شفیع تو ما را و توسل جستیم بتو بسوی خدا

وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وجيها

و مقدم داشتیم ترا در پیش حاجتهای خود ای آبرودار

عند الله اشفع لنا عند الله اللهم صل

نزد خدا شفیع شو ما را نزد خدا خداوندا رحمت و

وسلم وزد وبارك على صاحب الدعوة النبوية

درود فرست و بیفزا و برکت ده بر صاحب دعوت پیغمبری

والصولة الحيدرية والعصمة الفاطمية

و دلیری حیدری و عصمت فاطمی

والحلم

والحلم الحسنية والشجاعة الحسينية و

و بردباری حسنی و شجاعت حسینی و

العبادة السجادية والمآثر الباقرية والآثار

عبادت زین العابدین و اطوار باقری و آثارهای

الجعفرية والعلوم الكاظمية والحجج الرضوية

جعفری و علوم کاظمی و حجتهای رضوی

والجود التقوية والنقاوة النقوية والهيبة

و بخشش تقوی و بزرگ نقوی و هیبت

العسكرية القائم بالحق والداعي الى

عسکری ایستاده براستی و خواننده بسوی

الصدق المطلق كلمة الله وامان الله و

راستی مطلق مخلوق خدا و امان خدا و

حجة الله المقسط لدين الله القائم بحكم الله

حجت خدا عدالت دارنده مر دین خدا ایستاده بحکم خدا

الغالب بامر الله والناهي عن حرم الله امام

غلبه کننده بامر خدا و از حرم خدا پیشوای

السِّرِّ وَالْعَلَنِ دَافِعِ الْكَرْبِ وَالْمِحَنِ الْإِمَامِ بِالْحَقِّ

نهان و آشکار دفع کننده ناخوشیها و محنتها پیشوای براستی

أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ

ابی القاسم محمد پسر حسن صاحب روزگار

وَخَلِيفَةِ الرَّحْمٰنِ وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَقَاطِعِ

و خلیفه خدا و ظاهر کننده ایمان و برنده

الْبُرْهَانِ وَسَيِّدِ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ صَلَوَاتُ اللّٰهِ

حجت و بزرگ آدمیان و جنیان رحمتهای خدا

وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ الصَّلٰوةُ وَ

و درود او بر او و بر ایشان باد همه درود

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ الصَّالِحَ

سلام بر تو باد ای وصی حسن و جانشین شایسته

يَا إِمَامَ زَمَانِنَا أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ

ای پیشوای زمان ما ای ایستاده انتظار برده شده راه یافته

يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ

ای پسر فرستاده خدا ای پسر پادشاه گروندگان ای حجت خدا

عَلٰى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ

بر خلق خود ای سید ما و آقای ما بدرستیکه ما رو آوردیم و

اسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ

شفیع نمودیم و توسل جستیم بتو بسوی خدا و مقدم داشتیم ترا

بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ

در پیش حاجتهای خود ای آبرودار نزد خدا شفیع شو

لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ اللّٰهُمَّ إِنَّ هٰؤُلَاءِ أَئِمَّتُنَا وَ

ما را نزد خدا خدایا بدرستیکه ایشان پیشوایان مایند و

سَادَتُنَا وَقَادَتُنَا وَكُبَرَاؤُنَا وَشُفَعَاؤُنَا

بزرگان دین ما و رهبران مایند و بزرگان ما و شفاعتخواهان مایند

بِهِمْ نَتَوَلّٰى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ نَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا

با ایشان محبیتم و از دشمنان ایشان بیزاری میجوییم در دنیا

وَالْآخِرَةِ اللّٰهُمَّ احْفَظْ بِهِمْ عِزَّتَنَا وَاقْضِ بِهِمْ

و آخرت خدایا نگاهدار بایشان عزت ما را و برآور بایشان

حَوَائِجَنَا وَاكْفِنَا بِهِمْ مَا أَهَمَّنَا وَفَرِّجْ بِهِمْ هُمُومَنَا

حوایج ما را و کفایت کن از ایشان آنچه موجب هم است و برطرف نما بایشان غم ما

وَاكْشِفْ بِهِمْ غُمُومَنَا وَاَجْلِ بِهِمْ اَحْزَانَنَا وَاَصْلِحْ

وزایل کن بایشان غمهای ما را و از میان ببر بایشان اندوهای ما و صلاح ده

بِهِمْ اَبْدَانَنَا وَاَوْسِعْ بِهِمْ اَرْزَاقَنَا وَطَهِّرْ

بایشان بدنهای ما را و وسیع گردان بایشان روزیهای ما را و پاکیزه گردان

بِهِمْ اَخْلَاقَنَا وَاَذْهِبْ بِهِمْ اَمْلَاقَنَا اَللّٰهُمَّ

بایشان خلقهای ما را و ببر بایشان تنگدستیهای ما را خدایا

اجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِمْ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِمْ مَغْفُورَةً

بگردان نماز ما را بایشان پذیرفته و گناه ما را بایشان آمرزیده

وَعُيُوبَنَا بِهِمْ مَسْتُورَةً وَاَرْوَاحَنَا بِهِمْ طَيِّبَةً

و عیبهای ما را بایشان پوشیده و روحهای ما را بایشان پاکیزه

وَاَعْمَالَنَا بِهِمْ مَبْرُورَةً وَقُلُوبَنَا بِهِمْ مَسْرُورَةً

و کردار ما را بایشان نیکو و دلهای ما را بایشان شادان

وَنُفُوسَنَا بِهِمْ مُطَهَّرَةً وَدَعْوَتَنَا بِهِمْ مُسْتَجَابَةً

و نفسهای ما را بایشان پاکیزه و دعاهای ما را بایشان پذیرفته

وَحَوَائِجَنَا بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَدَرَجَاتِنَا بِهِمْ مَرْفُوعَةً

و حاجتهای ما را بایشان برآورده و مرتبه ما را بایشان بلند شده

وآفاتنا

وَاٰفَاتِنَا بِهِمْ مَدْفُوعَةً وَاَرْزَاقَنَا بِهِمْ مَبْسُوطَةً

و آفتهای ما بایشان برطرف شده و روزیهای ما بایشان وافر شده

وَاَنْفُسَنَا بِهِمْ مُكَفَّرَةً وَاَعْدَاۤئَنَا بِهِمْ مَقْهُورَةً

و نفسهای ما بایشان از گناه باز داشته و دشمنان ما بایشان مقهور شده

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ

خدا و خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بحق ایشان بر تو و بحق تو

عَلَيْهِمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَاَنْ تَغْفِرَ ذَنْبِيْ

بر ایشان که رحمت فرستی بر محمد و آل او و آنکه بیامرزی گناه مرا

وَتُفَرِّجَ كَرْبِيْ وَتُنَفِّسَ هَمِّيْ وَتَكْشِفَ غَمِّيْ

و بگشائی اندوه مرا و زایل کنی هم مرا و برطرف کنی غم مرا

وَتُطِيْلَ عُمْرِيْ وَتُوَسِّعَ رِزْقِيْ وَتَقْضِيَ دَيْنِيْ

و دراز کنی عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و ادا کنی دین مرا

وَتُؤْمِنَ خَوْفِيْ وَتَفُكَّ اَسْرِيْ وَتَشُدَّ اَزْرِيْ

و ایمن داری خوف مرا و رها کنی اسیری مرا و محکم کنی کار مرا

وَتَحُطَّ وِزْرِيْ وَتَمْنَحَنِيَ السَّلَامَةَ فِيْ دِيْنِيْ وَنَفْسِيْ

و بیندازی بار گناه مرا و نگاهداری بسلامتی در دینم و نفسم

وأهلي ومالي وولدي وتصلح لي أحوالي وتبارك لي

وکسان من ومال من و فرزند من و بسامان آری احوال مرا و برکت ده مرا

أفعالي وتبلغني آمالي وتمتعني بسمعي وبصري

بکردار خود و برسانی مرا با آرزوی خود و بهره ور گردانی مرا بشنیدن و دیدن

وتجعلهما الوارثين مني إنك على كل شيء

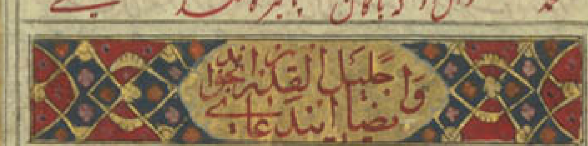
و بگردانیم ایشان را وارثان از من که تو بر هر چیزی

قدير وبالإجابة جدير وصلى الله على سيدنا

توانائی و بستجابت کردن سزاواری و رحمت فرستد خدا بر سید ما

محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

محمد و آل او که پاکان پاکیزگانند همگی



اللهم صل على نبي الرحمة وإمام الأئمة

خداوندا رحمت فرست بر پیغمبر رحمت و امام پیشوا

وشفيع الأمة وكاشف الغمة محمد وآله

و شفیع امت و زایل کننده غم و اندوه محمد و آل او

المعصومین

المعصومين الأكرمين الأنجبين صلوة

با عصمت گرامی داشتگان بنجابت دارندگان درود

كثيرة نامية زاكية كما صليت على إبرهيم

بسیار نمو نماینده پاکیزه چنانکه درود فرستادی بر ابراهیم

وآل إبرهيم إنك حميد مجيد اللهم احفظنا

و آل ابراهیم که تو ستوده بزرگواری خداوندا نگاهدار ما را

من شر كل ذي شر وآمنا من كل خوف و

از شر هر صاحب شری و ایمن گردان ما را از هر ترسی و

ادفع عنا الآفات والعاهات والبليات

دفع کن از ما آفات و عاهات و بلیات را

ولا تسلط علينا من لا يرحمنا وكف أيدي الظالمين

و مسلط مکن بر ما کسی که رحم نکند بر ما و باز دار دستهای ستمکاران

عنا وارزقنا من حيث نحتسب ومن حيث لا نحتسب

از ما و روزی ده ما را از جائی که گمان داریم و از جائی که گمان نداریم

واحرسنا من حيث نحترس ومن حيث لا نحترس

و نگاهدار ما را از جائی که بترسیم و از جائی که نترسیم

وعافنا في ديننا ودنيانا وآخرتنا برحمتك

و معاف دار ما را در دین ما و دنیای ما و آخرت ما برحمت تو

مناجات جناب امير المؤمنين عليه السلام

يا ارحم الراحمين

ای رحیم تر از رحیمان

لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلى تباركت تعطي من تشاء وتمنع

مر ترا حمد است و شکر ای صاحب مجد و علی [illegible]

الهي وخلاقي وحرزي وموئلي اليك لدى الاعسار واليسر افزع

[illegible]

الهي لئن جلت وجمت خطيئتي فعفوك عن ذنبي اجل واوسع

ای خدای من مرا گر چه خطاها شد بزرگ عفو تو افزون و اکبر از گناه و از عطا

الهي لئن اعطيت نفسي سؤلها فها انا في روض الندامة ارتع

[illegible]

الهي ترى حالي وفقري وفاقتي وانت مناجاتي الخفية تسمع

[illegible]

الهي لئن فرطت في طلب التقى فها انا اثر العفو اقفو واتبع

[illegible]

الهي لئن اخطأت جهلا فربما رجوتك حتى قيل ما هو يجزع

[illegible]

الهي ذنوبي بذت الطود واعتلت وصفحك عن ذنبي اجل وارفع

[illegible]

الهي ينجي ذكر طولك لوعتي وذكر الخطايا العين مني يدمع

[illegible]

الهي فلا تقطع رجائي ولا تزغ فؤادي فلي في سيب جودك مطمع

[illegible]

الهي لئن خيبتني وطردتني فمن ذا الذي ارجو ومن ذا يشفع

[illegible]

الهي اجرني من عذابك انني اسير ذليل خائف لك اخضع

[illegible]

الهي فآنسني بتلقين حجتي اذا كان لي في القبر مثوى ومضجع

[illegible]

الهي اقلني عثرتي وامح حوبتي فاني مقر خائف متضرع

[illegible]

إلهي أنلني منك روحاً وراحةً فلستُ سوى أبواب فضلك
ای خدا از لطف خود رحمت کن ارزانی ما چون مرا نبود بجز فضلت بهیچ جا
أقرع

إلهي لئن أقصيتني أو أهنتني فما حيلتي يا ربّ أم كيف
ای خدا اگر تو مرا دور از لطفی یا ذلیل سازم حیلتی نبود مرا یا رب چه سازم جز رضا
أصنع

إلهي حليف الحبّ باللّيل ساهرٌ يناجي ويدعو والمغفّل
ای خدا چون دوست هم کس شب زنده دار با مداد یار غافل خوابش مبتلا
يهجع

إلهي لئن عذّبتني ألف حجّةٍ فحبل رجائي منك لا
ای خدا اگر در عذابم افکنی سالی هزار رشته امید من از تو نگردد جدا
يتقطّع

إلهي أذقني طعم عفوك يوم لا بنونٌ ولا مالٌ هنالك
ای خدا طعم عفوت بخش روزی که نه از پسر نی مال آنجا نفع باشد در جزا
ينفع

إلهي إذا لم ترعني كنت ضائعاً وإن كنت ترعاني فلست
ای خدا اگر نبودم از تو رعایت ضایعم در رعایت باشم از تو نیست ضایع هیچ جا
أضيع

إلهي إذا لم تعف عن غير محسنٍ فمن لمسيءٍ بالهوى
ای خدا عفو نفرمایی ز غیر نیک کار پس گنه کار را سوای او اگر بخشد خدا
يتمتّع

وكلّهم يرجو نوالك راجياً لرحمتك العظمى في الخلد
جمله هستند از کمال لطف تو امیدوار طمع یابیم از رحمت خلد و لطف خدا
يطمع

إلهي يمنّيني رجائي سلامةً وقبح خطيئاتي عليّ
ای خدا امید من ایمن در سلامت ساخت لیک زشتی جرم و گناهم میدهد تشنیعها
يشنّع

إلهي فإن تعفو فعفوك منقذي وإلّا فبالذنب المدمّر
ای خدا اگر عفو بنمایی ز تو عفوم رهاست ورنه باشم در گناه مهلک افتاده ها
أصرع

إلهي بحقّ الهاشميّ وآله وحرمة أبرارٍ هم لك
ای خدا سوگند من هاشمی و آل او حرمت نیکان که ایشان با تو دارند التجا
خشّع

إلهي فأنشرني على دين أحمدٍ منيباً تقيّاً قانتاً لك
ای خدا کن حشر من بر دین احمد در حشر ثابت و پرهیزکار و عابد و خاشع ترا
أخضع

فلا تحرمنّي يا إلهي وسيّدي شفاعته الكبرى فذاك
ای بزرگ و ای خدای من مکن محروم آن بزرگی شفاعتهای شافع در جزا
المشفّع

وصلّ عليه ما دعاك موحّدٌ وناجاك أخيارٌ ببابك
با صلوات تو بر او تا مناجات تو دو تا مجتمع آنها که ایستاده در بابت دعا
ركّع

حرّره العبد الأقلّ الأذلّ المشتهر بالحسن الخوئي [illegible] في شهر
ذي قعدة الحرام من شهور سنة ١٢٣ [illegible] بعد الألف مع
تراكم أفواج الهموم وتلاطم أمواج الغموم وحرّ اشتعال الرأس شيباً
ووهن العظم وقلّة القوّة لكثرة الضعف [illegible] الكبر بالعجز
اللّهمّ هوّن علينا سكرات الموت وأهوال القيامة بحقّ محمّدٍ وآله الطاهرين





